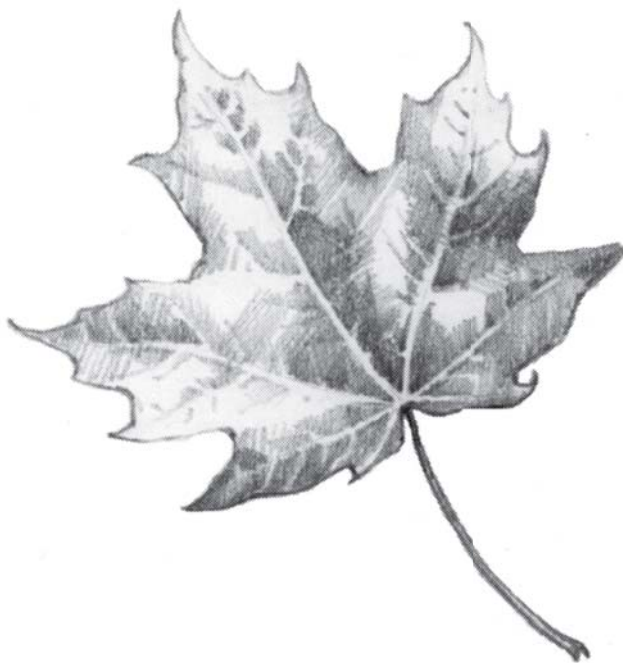


راهنمای حقوق شهروندی

راهنمای حقوق دموکراتیک و مسئولیت های شهروندی در کانادا



انجمن آزادی های مدنی بریتیش کلمبیا
B.C. Civil Liberties Association
تألیف: موری مولارد Murray Mollard

ترجمه : کانون همکاری های اجتماعی ایرانیان
(Civic Association of Iranian Canadians)
کیقباد اسماعیل پور، فروغ ابن الدین حمیدی
(Kei ghobad Esmaeilpour, Fourough Ebneddin Hamidi)

کپی راییت انجمن آزادی های BC, 1997, 1999, 2008
انجمن آزادی های مدنی بریتیش کلمبیا
خیابان هلمکن طبقه دوم
ونکوور، بریتیش کلمبیا، کد پستی: V6Z 1B3، کانادا
تلفن 604.687.2919 یا 1866.731.7507 فاکس : 604.687.3045
وب سایت : bccla.org

British Columbia Civil Liberties Association
900 Helmcken Street 2nd floor
Vancouver, British Columbia
Canada V6Z 1B3
Tel: 604.687.2919
Toll-free: 866.731.7507
Fax: 604.687.3045

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است. تکثیر تمام یا بخشی از این کتاب به هر شکلی منوط به اجازه کتبی است، به استثنای مواردی که شخصی فراز کوتاهی از کتاب را برای جامعیت دادن به بررسی خود نقل قول کند.
چاپ اول کتاب اصلی، بطور همزمان به زبان های چینی، انگلیسی، پنجابی، اسپانیایی و ویتنامی منتشر شد.
چاپ 2008 کتاب به زبان انگلیسی منتشر شد.
فهرست تاریخ انتشار:
موری مولارد 1964-
کتاب راهنمای حقوق شهروندی

Citizenship Handbook
ISBN 0-9680110-1-2
I. Citizenship—Canada. I. British Columbia Civil Liberties Association
II. Title
JL187.M64 1997 323.60971 C97-910848-9
Printed and bound in Canada

Farsi edition layout by Nathanel Lowe, BCCLA Outreach & Communications Coordinator

کیقباد اسماعیل پور: متخصص مدیریت پروژه (PMP)، مشاور فنی سازمان بین المللی پزشکان بدون مرز (MSF) ، مترجم (TED Talk)، موسس کانون همکاری های اجتماعی ایرانیان (کانادا)، نماینده شهروندان در کمیته (TSC) شورای شهر (برنابی) و شهروند منتخب برنده مدال ملکه الیزابت II



Keighobad Esmailpour

فروغ ابن الدین حمیدی - وکیل پایه یک دادگستری عضو کانون وکلای تهران



Fourough Ebnehdin Hamidi

سیاسگزاری از همکاران

در ترجمه ها به ما کمک کردند.

تعداد زیادی از اشخاص نسخه اولیه کتاب را بازبینی نمودند. تذکرات و نکات آنان برای تدوین کتابی که بتواند لحاظ حساسیت ها و پیوند های فرهنگی گویا باشد، از اهمیت زیادی برخوردار بود. ما همچنین از شیلا جونز از وردزاسمینتز، آنجلا کان، تامی تاو، آلیشیا بارسالو، جی آیهوا، استلا دیویس، توآن هوانگ، لیندا هیرد، کای استاکهولدر، راسل وودل، لیندا شپیکولا، بیل بلاک، وینا متر، هاینه وای، چارلز دابسن و آدریانا تویدلی برای کمک هاشان تشکر می کنیم. از شاهینا ویرانی و جیم براوناگل برای کمک شان در بازبینی چاپ سوم نیز تشکر می نماییم. انجمن آزادی های مدنی بریتیش کلمبیا مسئول نهایی مطالب مندرج در کتاب راهنمای حقوق شهروندی می باشد.

چاپ سوم کتاب راهنمای حقوق شهروندی با کمک های مالی بنیاد حقوق استان بریتیش کلمبیا و کلوب روتاری ونکوور آربیوتوس محقق گردید. اداره میراث فرهنگی کانادا و بانک ون سیتی نیز برای انتشار و توزیع نسخه اصلی کتاب کمک های ارزشمندی داشتند.

انتشار کتاب راهنمای حقوق شهروندی حاصل تغییر در اولویت های ما و استفاده از فرصت ایجاد شده برای انتشار در سطحی گسترده ترمی باشد. از آنجا که بعضی منابع مطالعاتی برای مهاجران جدید کانادا دیگر موجود نمی باشد، انتشار این کتاب می تواند این منابع را برای کانادائی ها از اقوام اولیه تا مهاجران در دسترس قرار دهد.

موری مولارد

2008

تدوین کتاب ” راهنمای حقوق شهروندی“ یک کار مشترک بود. فیل براین ایده اولیه و بخش عمده ای از دیدگاههای ارزشمند در مورد حقوق شهروندی را فراهم نمود. جان وستوود نسخه اولیه را نوشت و شارلوت کومبز بازبینی و اصلاح آن نسخه را بعهدہ گرفت. بر اساس نسخه اولیه، موری مولارد مطالب مهم دیگری به متن اضافه نمود و نسخه اصلاح شده اولیه را آماده کرد. راسل وودل در انجمن آزادی های مدنی بریتیش کلمبیا با اضافه کردن عکس ها و ارائه نظریات ارزشمند خود به اصلاح عمومی کتاب پرداخت و کارهای کامپیوتری آن را انجام داد. جین ولساک نیز عکس هایی را طراحی کرد.

سازمان ها و اشخاص دیگری نیز در تهیه این کتاب سهم داشته اند. هانسون لو، شهرداری ونکوور، افسر بالتج سینگ دیلون، عضو عالیرتبه حقوق بشر استان بریتیش کلمبیا، اداره اطلاعات و هیات حقوق خصوصی شهروندان استان بریتیش کلمبیا، بازرس ویژه استان بریتیش کلمبیا، سازمان خدمات مهاجرتی ساکسس و موزائیک، افرادی از مدرسه حقوق و سازمان خدمات خانواده ونکوور بزرگ از کمک کنندگان در انتشار این کتاب بوده اند.

اولین چاپ کتاب راهنمای حقوق شهروندی به چهار زبان منتشر گردید. مترجمان مانجییت آلوک به (زبان پنجابی) و زانگ تارین (زبان ویتنامی) از جامعه خدمات مهاجرتی بی سی، راثول کاریآس (زبان اسپانیایی) و آیری وانگ (زبان چینی) از انجمن مترجمین و مفسرین چینی استان بریتیش کلمبیا، آلیشیا بارسالو، لیلیانا هیل، مونیکا اسکودرو، لو وان چو، جی آیهوا، سوخوانت هاندل، رانجییت پاهاال و کیم تون بطور انفرادی در باز بینی ترجمه ها کمک کردند. استلا دیویس، توآن هوانگ، گولدی بهادیا، تامی تاو، نانسی لی، گوردون هاردی و اشخاصی از مدرسه حقوق نیز

فهرست

صفحه 8	1 مقدمه
صفحه 21	2 ارزش ها در دموکراسی کانادا
صفحه 40	3 نگاهی به سیستم سیاسی کانادا (از دیدگاه عملی)
صفحه 59	4 حفظ حقوق شهروندی شما
صفحه 77	5 توصیه هایی برای بهبود کارکرد سیستم سیاسی کانادا
صفحه 103	6 مراجعه به ادارات دولتی
صفحه 117	7 برآیند



پیشگفتار

پیشگفتار

نسخه فارسی در سایت کانون همکاری های اجتماعی ایرانیان www.civicic.com موجود است.

اگر شما پیشنهادهایی در مورد امکان اصلاح و بهکرد این کتاب راهنما دارید می توانید با انجمن آزادی های مدنی بریتیش کلمبیا (BCCLA) تماس بگیرید.

انجمن آزادی های مدنی بریتیش کلمبیا یک سازمان غیرانتفاعی و خیریه، بی طرف و غیرحزبی است که برای حفظ آزادی های مدنی شهروندان فعالیت می کند.

BCCLA شکایات مردم را می پذیرد، اصلاح قوانین و آموزش همگانی (جامعه) را بعهده می گیرد و هر از گاهی نیز برای دفاع از آزادی های شهروندان به دادگاه می رود.

بنابر این در می یابید که سیستم سیاسی کشور کانادا شما را تشویق می کند تا ایده ها و دیدگاه هایتان را با دیگران به اشتراک بگذارید.

این کتاب راهنما برای کمک به کانادایی های جدید- کسانی که در کانادا حقوق شهروندی به آنان اعطا شده است، یا آنهایی که امیدوارند بزودی شهروند کانادا شوند- در نظر گرفته شده است.

شهروندان کانادایی حقوق و مسئولیت های خاصی دارند که شامل بازدیدکنندگان از این کشور (توریست ها) نمی شود.

بنابر این راهنمای کنونی از حقوق و مسئولیت های اشخاص زیر صحبتی نمی کند:

☒ مهاجرانی که تازه وارد خاک کانادا شده اند (هنوز شهروند رسمی کانادا نشده اند)

☒ درخواست کنندگان پناهندگی

☒ کسانی که ویزای بازدید یا اقامت موقتی

دارند

با این حال اگر اشخاص فوق الذکر هم بخواهند در مورد حقوق و مسئولیت های شهروندی در کانادا بدانند، این کتاب راهنمای مناسبی برای آنهاست. این کتاب برای بومیان کانادایی که حقوق و مسئولیت های دمکراتیک شان را مسلم می دانند نیز می تواند مفید باشد.

ما امیدواریم که اطلاعات و توصیه های این کتاب راهنما، شما را برای شرکت کامل در زندگی دمکراتیک در کانادا تشویق کند.

خوانندگان باید بدانند که کتاب راهنمای شهروندی به زبان پنجابی و ویتنامی نیز موجود است.

نسخه انگلیسی و فارسی کتاب به صورت آنلاین  (Online) در سایت www.bccla.org و همچنین

چگونگی کاربرد این کتاب راهنما

این کتاب دارای فصل های زیر می باشد :

- ✓ فصل 1 معرفی حقوق شهروندی در کانادا
- ✓ فصل 2 ارزش های مشترک در دموکراسی کانادا
- ✓ فصل 3 سیستم سیاسی کانادا
- ✓ فصل 4 چگونگی حفظ حقوق و آزادی شهروندان
- ✓ فصل 5 توصیه هایی برای بهبود کارکرد سیستم سیاسی کانادا
- ✓ فصل 6 حقوق و مسئولیت های شما در رابطه با سازمان های دولتی
- ✓ فصل 7 فهرست منابع حقوقی رایگان



فصل 1

دیاچہ

ممکن است شما راجع به شهروند کانادایی بودن پرسش های بسیاری داشته باشید.

- ☒ شهروند کانادایی بودن چه معنی دارد؟
- ☒ چرا من بعنوان یک شهروند باید به امور سیاسی یا دولتی علاقمند باشم؟
- ☒ کانادایی ها از چه ارزش هایی بهره می برند؟
- ☒ سیستم سیاسی کانادا چگونه کار می کند؟
- ☒ به عنوان یک شهروند کانادایی حقوق من چیست؟
- ☒ به عنوان یک شهروند کانادایی مسئولیت های من چیست؟
- ☒ من چگونه می توانم به ایجاد تغییرات مثبت در جامعه کانادایی کمک کنم؟
- ☒ وقتی از سازمان های دولتی تقاضای کمک می کنم چه انتظاری می توانم داشته باشم؟

ما این کتاب راهنما را برای کمک به شما تهیه و تدوین کرده ایم تا بتوانید پاسخ این سوالات مهم خود را پیدا کنید.

شهروندی در یک جامعه دموکراتیک

✓ فرصت های اقتصادی مناسب

✓ جامعه ای که در آن شهروندان علیرغم داشتن ریشه های (تاریخی و فرهنگی) مختلف و عقاید متفاوت، به یکدیگر احترام می گذارند.

همه این ویژگی ها و ارزش ها نتیجه خواسته ها و تلاش های شهروندان است. کانادا بخاطر نحوه عملکرد شهروندانش یکی از بهترین مکان ها برای زندگی در دنیا شناخته می شود.

در عین حال، همه شهروندان باید به مسائل مربوط به دولت توجه نشان دهند. در یک دموکراسی، شهروندان کشور هستند که قوانین را تعیین می کنند.

دموکراسی سیستمی است که به همه شهروندان اجازه می دهد در تصمیم گیری هایی که بر زندگی شان تأثیر می گذارد شرکت کنند. ما این امر را از طریق انتخاب دولت ها و مشارکت در زندگی دموکراتیک پیش می بریم.

سازمان ملل کانادا را بعنوان یکی از مطلوب ترین کشورهای دنیا برای زندگی اعلام کرده است. با این حال، برخی از شهروندان از دولت ایراد می گیرند که خود را ناتوان از آن می دانند که درمورد تغییر رفتار دولت ها بتوانند کاری انجام دهند.

چگونه کانادا می تواند به عنوان یکی از بهترین محل های زندگی در دنیا به حساب آید در حالی که بعضی از مردم خود را ناتوان از تأثیر گذاری بر دولت می دانند؟

چرا پاسخ به این پرسش برای شما به عنوان یک شهروند کانادا مهم است؟

چون در کانادا شهروندان = اعم از زن و مرد، پیر و جوان، دارا و ندار = هستند که تصمیم می گیرند زندگی در کانادا چگونه باشد.

آنچه کانادا برای شهروندانش فراهم می آورد:

✓ بهترین سیستم های آموزش و بهداشت و درمان



یک روش برای شناخت دموکراسی کانادائی اینست که تصور کنیم شخصی به کشور ما می آید و می پرسد ” اینجا چه کسی مسئول است ؟ ” جواب باید این باشد که ” اینجا همه ما مسئول هستیم، اینجا تنها یک نفر مسئول نیست “.

ممکن است این امر برای شما کمی غیرواقع بینانه باشد. در کانادا ممکن است بعضی رویدادها در زندگی روزمره تان این حس را القا کند که شما دارای قدرتی نیستید، بویژه هنگامی که موضوع مربوط به دولت باشد. در یک دموکراسی با بیش از 35 میلیون نفر جمعیت، این چنین احساسی طبیعی و شاید اجتناب ناپذیر باشد.

اما آنچه مهم است یادآوری این نکته است که ما به عنوان شهروندان یک جامعه دموکراتیک، در اداره امور جامعه مان سهم هستیم.

کانادا کشوری استثنائی است چون به شما امکان می دهد تا در تغییر جامعه تان نقش داشته باشید. گاهی این بستگی به ما دارد که به تنهایی یا همراه با دیگران، این احساس ضعف را و به احساس قدرت (داشتن اختیار) و توانائی برای ایجاد تغییرات تبدیل کنیم.

هیچ دموکراسی، حتی دموکراسی کانادائی نمی تواند کامل و بی نقص باشد. ولی کانادا فرصت هایی واقعی برای شکل دادن و ساختن جامعه در اختیار ما می گذارد.

شهروندان دارای مسئولیت و حقوق هستند.

ما مسئول هستیم تا حقوق دیگران را به عنوان شهروند به رسمیت بشناسیم.

ما مسئولیت داریم تا از قانون اطاعت کنیم و با پلیس و مأموران حکومتی که به آنان اختیارات ویژه داده ایم برخورد مسئولانه داشته باشیم.

دمکراسی میان مسئولیت ها و حقوق شهروندی موازنه برقرار می کند. مأمورین و مسئولین دولتی باید با هریک از ما با احترام رفتار کنند و به حقوق و آزادی های گوناگون ما به عنوان شهروند، احترام بگذارند. دمکراسی در قانون این حقوق را برای ما تضمین می کند.

البته همه آزادی ها و حقوق ما می تواند به وسیله قانون تضمین گردند. قواعد اساسی و پایه ای در مورد احترام گذاشتن به دیگران باید برای هر یک از ما تبدیل به یک

روش زندگی بشود.

حتی در جایی که حقوق ما بوسیله قانون تضمین شده باشد قانون به تنهایی برای محافظت از حقوق ما کافی نیست. برای موفقیت این دمکراسی، همه شهروندان باید به ارزش های دمکراتیک پایبند بوده و در زندگی روزمره شان فعالانه و براساس این ارزش ها عمل کنند. بدون وجود این تعهد و پایبندی از طرف شهروندان، این حقوق ارزش خود را از دست داده و جامعه نیز روح دمکراتیک خود را از دست می دهد. شادابی و سرزندگی دمکراسی کانادا به پایبندی همه شهروندانش به ارزش های دمکراتیک مشترک بستگی دارد.



ارزش ها و سنت های کانادایی

جامعه کانادایی بر مبنای مجموعه ای از ارزش ها و سنت های مهم استوار گردیده است. کانادایی ها به سختی می کوشند تا جامعه خود را بر اساس احترام به این ارزش های بنیادی توسعه دهند.

توجه آنها شامل احترام به تفاوت های فرهنگی ، برابری، حقوق فردی و آزادی بیان می باشد. ما در مورد این ارزش ها با جزئیات بیشتری در فصل دوم بحث خواهیم کرد. ممکن است شما با بسیاری از این ارزش ها و سنت ها آشنا باشید، و بعضی از این ارزش ها نیز برای شما تازگی داشته باشد. اگر شما یک مهاجر باشید، ممکن است در کشور قبلی تان، دولت مانع از استفاده شما از این حقوق و آزادی ها بوده باشد. و از اعمال این ارزش ها توسط شما یا دیگر هموطنان تان جلوگیری می کرده است.

قوانین و برنامه های دولتی ما منعکس کننده سنت ها و ارزش های جامعه ماست. اگر شما مهاجر جدیدی باشید، ممکن است بعضی از قوانین و برنامه های دولتی بنظر تان عجیب بیاید. حتی ممکن است فکر کنید که آنها نادرست

اند.

اما اگر یک شهروند جدید باشید، مسئولیت دارید تا به ارزش هایی که در قوانین و برنامه های ما منعکس می باشد پی

ببرید.

شما مسئولیت دارید، خود را با ارزش های زندگی کانادایی انطباق دهید. شهروندان کانادا مسئولیت دارند به ارزش های کانادایی احترام بگذارند.

زنان در جامعه کانادایی

جامعه کانادایی زنان را با مردان برابر می داند.

در بسیاری از جوامع (بویژه در روابط خانواده)، جایگاه زنان پایین تر از مردان فرض شده است.

جامعه کانادایی، زنان را شریک مردان در خانواده، در دنیای کاری، و در زندگی اجتماعی محسوب می نماید.

این تغییرات در جامعه کانادا، بتازگی صورت گرفته و کانادایی ها مجدانه می کوشند تا برابری جنسیتی زنان را در همه جنبه های اجتماعی به یک واقعیت تبدیل کنند.

برخی از کانادایی ها، بخصوص مردان می باید به این ارزش ها عادت کنند و بیاموزند که چگونه به زنان به عنوان انسان هائی برابر با مردان بنگرند.

ممکن است حتی دریابید که با وجود صرف وقت برای یادگیری و انطباق با ارزش های کانادایی، قانون یا برنامه دولتی معینی پیروی از سنت های تان را برای شما و خانواده تان غیرممکن سازد.

یا امکان دارد یک قانون یا برنامه دولت به علت اینکه ارزش های کانادایی را منعکس نمی کند بنظر شما و دیگران غیرعادلانه بیاید. اگر چنین است، شما مسئولیت دارید به عنوان یک شهروند تلاش کنید تا دیگر شهروندان و(دولت مان) را قانع سازید که این قانون نیاز به تغییر دارد. در دموکراسی کانادا این مسئولیت مهمی است که قوانین و برنامه های دولتی برای همه کانادایی ها مفید باشد نه فقط برای یک گروه خاص.

رسانه های گروهی در کانادا

در کانادا رسانه های گروهی نقش ویژه ای در استمرار دموکراسی ایفا می کنند

نقش رسانه های
گروهی در کانادا
آنست که از تعهد
دولت به پاسخگویی در
مقابل مردم پاسداری
کنند. پاسخگو بودن
به این معنی است که
شهروندان حق دارند
عملکرد و رفتار دولت
خود را بررسی کنند و
خواستار تغییر برخی
عملکردهای دولت و یا
قوانین باشند.

از آنجا که رسانه ها به مسائل مورد توجه شهروندان نیز
توجه دقیقی دارند، می توانند نقش قدرتمندی در تغییرات
اجتماعی بازی کنند.



در بعضی کشورها
مأمورین رسمی دولت
کمتر به وسیله شهروندان
و رسانه ها مورد انتقاد
قرار می گیرند. در این
کشورها ممکن است
روزنامه نگاران برای
انتقاد از دولت شان در
معرض خطر به زندان
افتادن و یا شکنجه شدن
قرار گیرند.

رسانه های گروهی کانادا
- روزنامه ها، مجلات،

رادیو و تلویزیون - با دقت بسیار بر عملکرد دولت
نظارت می کنند. آنها در مورد فعالیت ها، برنامه ها و
سیاست های دولت اظهار نظر نموده و اغلب از مقامات
دولتی انتقاد می کنند.

آیا شما باید از مشارکت مردم در جریان دموکراسی یا مردم سالاری واهمه داشته باشید؟

اگر شما یک کانادایی جدید باشید، ممکن است فکر کنید که برایتان جالب نیست تا درگیر موضوعات سیاسی شوید. شاید شما نگران باشید که:

- ✓ نباید به دولت، قوانین و برنامه های دولت انتقاد کنید زیرا ممکن است باعث ایجاد مشکل برای شما یا خانواده تان بشود، یا حتی ممکن است تابعیت خانواده تان را به خطراندازد.
 - ✓ نوابستگی به دولت انتقاد کنید چون شما شهروند جدیدی هستید و باید بخاطر پذیرفته شدن در جامعه کانادا سپاسگزار باشید.
 - ✓ از مهارت های زبانی یا دانش لازم درمورد کانادا برای ایجاد تغییرات برخوردار نیستید.
 - ✓ کانادایی های دیگر به شما انتقاد خواهند کرد، چون شما روش آنها برای زندگی در این کشور را نپذیرفته اید
- اگر شما تازه به کانادا آمده باشید داشتن این احساس ها طبیعی است.
- کانادایی ها به حقوق شهروندان برای ابراز عقیده صریح و بیان نظراتشان، حتی اگر با این نظرات مخالف باشند احترام می گذارند. آزادی بیان یکی از مهمترین ارزش های جامعه ما در کانادا است.
- هیچکس نمی تواند تابعیت شما یا خانواده تان را تنها به این دلیل که منتقد دولت یا برنامه هایش بوده اید از شما بگیرد. اگر کسی شما را به این امر تهدید کرد، بدانید که گروه های زیادی وجود دارند که مایلند برای احقاق حقوق تان به شما کمک کنند.

چهار دلیل برای نگران نبودن از مشارکت تان در امور سیاسی جامعه

اگر شما نگران هر یک از موارد فوق هستید، باید به یاد داشته باشید که:

☒ مهاجران جدید کانادا سهم مهمی در جامعه کانادایی دارند.

شما به عنوان یک شهروند، حق و
مسئولیت مشارکت در دموکراسی
را دارید.

ملت ما از کانادایی های مهاجری مثل شما شکل گرفته است.
شما باید به چنین میراثی افتخار کنید.

☒ تقریباً همه شهروندان یا اجداد آنان، زمانی
مهاجر جدید کانادا بوده اند.

همه ما (یا اجدادمان) از نقاطی دیگر، و اکثرمان ظرف صد
ساله اخیر، به کانادا آمده ایم، تنها استثنا مردمان بومی این
سرزمین هستند. مهاجرت از کشورهای دیگر به کانادا، به
این معنی نیست که شما شهروند درجه دوم هستید، بلکه
نشان می دهد که شما یک شهروند جدید هستید.

موزائیک (MOSAIC)، کانون خدمات مهاجرتی بریتیش کلمبیا و ساکس (SUCCESS) نمونه ای از سازمان هایی هستند که خدمات حمایتی برای مهاجران ارائه می دهند.

✓ موزائیک اطلاعات، ترجمه شفاهی و تفسیر، ترجمه کتبی، خدمات مشاوره، آشنایی مهاجران با فرهنگ جدید، کلاس های زبان انگلیسی، خدمات محلی، برنامه های آمادگی استخدامی، مشاوره حقوقی و خدمات وکالتی را به مهاجران جدید ارائه می دهد.



MOSAIC

✓ سیاستمداران در کانادا به نیازهای فرهنگی جوامع مختلف توجه بیشتری نشان می دهند

اکنون بسیاری از سیاستمداران می کوشند تا نیازها و امیدهای کانادایی های جدید در جوامع فرهنگی متفاوت را درک کنند. سیاستمداران تشخیص می دهند که در یک دموکراسی، هر فرد در تصمیم گیری برای انتخاب دولت، یک رأی برابر دارد. رأی یک کانادایی مهاجر جدید، درست به همان اندازه اهمیت دارد که رأی یک نفر کانادایی متولد کانادا.

در این جامعه ، جوامع قومی می توانند به یک حزب سیاسی کمک کنند تا برنده انتخابات شود. سیاستمداران وابسته به احزاب سیاسی، قدرت رأی اقلیت های (جوامع) مختلف فرهنگی را دریافته اند و تلاش می کنند تا توجه و حمایت این جوامع را کسب کنند.

✓ شما در کانادا تنها نیستید.

کانادا دریافته است که گاه مهاجران جدید برای تطبیق خود با وطن جدیدشان نیاز به کمک دارند. همه سطوح دولت و بسیاری از سازمان ها خدماتی مانند ترجمه برای مهاجرین جدید ارائه می دهند. هرگاه احساس کردید که جرأت ندارید نگرانی ها یا نیازهایتان را در مورد یک برنامه دولتی یا قانون بیان کنید، می توانید برای گرفتن کمک و یا حمایت به دولت یا سازمان های خصوصی که برای اینگونه موارد خدماتی ارائه می دهند، روی آورید.

به یاد داشته باشیم، به عنوان یک شهروند کانادایی می توانیم آزادانه عقاید خود را بیان نمائیم. این یکی از مهمترین آزادی های ماست.

✓ ”خدمات مهاجرین در جامعه بریتیش کلمبیا“ (ISS) ، عرضه کننده کلاس های مکالمه زبان انگلیسی، کلاس های آشنایی با فرهنگ جدید و همچنین ارائه دهنده خدمات مشاوره خانوادگی، مشاوره فردی و مشاوره شغلی، مترجم همراه، و اطلاعات و خدمات ارجاعی می باشد.

✓ ساکس خدمات متفاوتی به همه اعضای جامعه چینی و جوامع چند فرهنگی دیگر شامل خدمات پذیرش مهاجرین در فرودگاه، آشنا نمودن آنان با محیط جدید، خدمات مشاوره وکالت خانوادگی، مشاوره جوانان، مشاوره استخدامی و کارآموزی و برنامه های آموزشی شهروندی عرضه می کند.

برای اطلاع در مورد دیگر سازمان های خدمات رسانی به مهاجران جدید، به کتاب راهنمای تلفن تان مراجعه کرده و یا از مرکز اجتماعات محلی یا کتابخانه نزدیک محل سکونت خود بازدید نمایید. در ناحیه ونکوور بزرگ ”کتاب سرخ“ که وسیله سازمان خدمات اطلاعاتی منتشر گردیده است لیست بسیاری از سازمان های چند فرهنگی و نهادهای اجتماعی اقلیت های مختلفی که این خدمات را ارائه می دهند، در اختیار شما می گذارد.



تغییر سنت های کانادایی

مردان در پلیس سواره نظام سلطنتی کانادا (آر-سی-ام-پی) اکنون اجازه دارند به جای کلاه معمول "اعضای پلیس سواره نظام" دستار بر سر بگذارند. این تغییر بسیار بحث انگیز بود. بسیاری از کانادایی ها در برابر این تغییر مقاومت می کردند. بعضی ها عقیده داشتند که این عمل بی احترامی به یک سنت رسمی کانادایی است. گروه های شهروندی زیادی به سختی تلاش کردند تا در مورد اهمیت مذهبی دستار برای سیک های کانادایی به دیگر کانادایی ها آموزش دهند. از آنجا که آزادی مذهب از ارزش های مورد قبول کاناداست، خط مشی های دولت فدرال بنحوی تغییر داده شد تا شرایط لازم برای تطبیق مقررات با وضعیت مردان سیک که افسر (آر-سی-ام-پی) می شوند فراهم گردد. هم اکنون بیشتر کانادایی ها این تغییر در سنت های کانادا را به عنوان یک تغییر معقول و منصفانه در خط مشی ها قبول کرده اند.



یک پلیس سیک آر سی ام پی (1997)



فصل 2

ارزش های مشترک در دموکراسی کانادا

ارزش های دموکراتیک

کانادایی ها از یک مجموعه ارزش های اساسی مشترک بهره می برند

این ارزش های دموکراتیک در زندگی خصوصی ما نیز به همان اندازه اهمیت دارند.

این ارزش ها اساس روابط ما با دیگر افرادند، چه در محل کارمان، چه با خانواده و دوستان مان و چه با دیگر شهروندانی که ممکن است با ما هیچ قرابتی نداشته باشند.

در یک دموکراسی موفق رعایت این اصول و ارزش ها، در رابطه شهروندان با یکدیگر به همان اندازه مهم است که در رابطه شهروندان با دولت.

در صفحات بعدی مفهوم هر یک از این ارزش ها را با جزئیات بیشتری مورد بحث قرار خواهیم داد.

کانادا در سراسر دنیا به عنوان یک جامعه به واقع دموکراتیک مورد احترام است و برخلاف بعضی از کشورها که ادعای دموکراتیک بودن دارند، شهروندان کانادایی می توانند در اداره امور کشورشان مشارکت داشته باشند.

حقوق و مسئولیت های ما بر پایه این ارزش ها بنا شده است. مبانی قوانین و برنامه های دولت ما بر این ارزش ها استوار است.

این ارزش های مشترک همچنین بخش مهمی از فرهنگ سیاسی کانادا می باشند. فرهنگ سیاسی ما در برگیرنده شیوه برخورد ها و سنت ها و رسومی است که ما بعنوان شهروندان یک جامعه دموکراتیک در آنها مشترکیم.

ارزش های بنیادین کانادایی از جمله شامل موارد زیر می باشد :

- ☒ برابری
- ☒ احترام به تصمیم گیری دموکراتیک و "حاکمیت قانون"
- ☒ حفظ حریم خصوصی شهروندان
- ☒ اصل همکاری و مشاوره
- ☒ اصل عدم خشونت
- ☒ الزام به رعایت آیین دادرسی
- ☒ احترام به حقوق فردی
- ☒ آزادی بیان
- ☒ پاسخگو بودن دولت در مقابل مردم

برابری

برابری یکی از مهمترین ارزش های
دموکراتیک کانادا می باشد.

این حق شناخته شده ماست که در مراجعه به دولت یا صاحبان مشاغل یا افراد دیگر با ما بطور یکسان و عادلانه رفتار شود.
قوانین کانادا از شما در برابر رفتار ناعادلانه و تبعیض آمیز در مواقع زیر محافظت می کند.
هرگاه شما:

از خدمات عمومی دولتی استفاده می کنید ☒

خانه می خرید یا اجاره می کنید ☒

به اداره یا سازمان دولتی مراجعه می کنید ☒

برابری یعنی اینکه شما شایستگی آن را دارید که قطع نظر از استعداد های ذاتی و یا نقص هایتان، با شما با همان توجه و احترامی رفتار شود که با دیگران رفتار می شود.

همه اشخاص در کانادا در مقابل قانون برابرند و قانون باید با آنها بطور یکسان رفتار کند.
این بدان معنی است که کسی نمی تواند شما را مورد تبعیض قرار دهد و یا - به یکی از دلایل زیر- با شما غیرعادلانه رفتار کند:

جنسیت ☒

نژاد ☒

سن ☒

باور مذهبی ☒

قومیت یا تبار ملی ☒

ناتوانی جسمی ☒

گرایش جنسی ☒

وضعیت خانوادگی (ازدواج) یا تأهل ☒

برابر تبعیض و بی عدالتی ایجاد شده اند.

اگر با ما رفتار غیرعادلانه شود،
یا اگر ببینیم که با دیگران رفتاری
غیرعادلانه می شود، به عنوان یک
شهروند مسئول هستیم که صدای
اعتراضمان را بلند کنیم.

با همه این اوصاف، متأسفانه نمی توان گفت که در کانادا
تبعیض غیرعادلانه وجود ندارد. به هر حال جوامع دموکراتیک،
جوامعی بی نقص نیستند.

نژادپرستی (Racism):

بسیاری از مهاجران جدید با برخوردهای نژاد پرستانه یا انواع
دیگری از پیشداوری ها مواجه خواهند شد، اما در عین حال،
درمی یابند که جامعه کانادا چنین نگرش ها و رفتارهایی را
بشدت مردود می داند.

در کانادا بسیاری سازمان ها و نهاد ها وجود دارند که هدف
شان کمک به قربانیان تبعیض و نابرابری است.

برای مثال اگر شما معتقدید که کسی از دادن مسکن به
شما، بدلیل تبار قومی تان امتناع نموده است، می توانید به
کمیسیون یا دادگاه حقوق بشر استان یا کمیسیون حقوق بشر
کانادا شکایت کنید. این نهادها برای محافظت شهروندان در

احترام به تصمیمات دموکراتیک و حاکمیت قانون

ما از قوانین پیروی می کنیم، حتی وقتی با آنها مخالف باشیم

: ما به عنوان شهروندان یک جامعه به دولت معینی برای وضع قوانین اختیار داده ایم. شما ممکن است شخصا به دولت کنونی رأی نداده باشید، ولی اکثریت شهروندان جامعه به آن رای داده اند.

- روند دموکراتیک (Democratic Process)
: ما ملزم هستیم از قانونی که حاصل یک روند دموکراتیک و منصفانه بوده است اطاعت کنیم. روند دموکراتیک و منصفانه فرصت با ارزشی به شما و دیگران برای شرکت در مباحثات عمومی برای وضع یک قانون یا برنامه دولتی می دهد. قوانین و برنامه های دولت معمولاً محصول مصالحه و توافق بین دیدگاه ها و منافع متفاوت شهروندان یک جامعه است.

حتی اگر نتوانید به نتیجه مورد نظرتان در تدوین قانون یا برنامه دولتی دست یابید، حداقل می باید فرصت تاثیر گذاری بر نتیجه آن را داشته باشید.

شهروندان کاندایی به تصمیمات، قوانین و سیاست های دموکراتیک احترام می گذارند حتی اگر با آنها موافق نباشند. این اصل به عنوان اصل حاکمیت قانون شناخته می شود.

اقتدار و حاکمیت دولت در یک جامعه دموکراتیک از موافقت و رضایت شهروندان ناشی می شود. ما با شرکت در انتخابات و رأی دادن در فرآیندی دموکراتیک، برای تعیین قوانین و برنامه های دولتی توافق خود را اعلام می نماییم.

در یک دموکراسی به وسعت کانادا، طبیعتاً نظرات گوناگونی در مورد چوبد و چگونگی قوانین ما وجود دارد. در این رابطه اغلب اختلاف نظر پیش می آید. شما ممکن است قانون جدیدی را که دولت وضع می نماید دوست نداشته باشید.

با این حال، پس از تصویب یک قانون، اگر حتی با آن موافق نیستید مسئولیت شما اینست که از قانون جدید پیروی کنید.

ما شهروندان به سه دلیل ملزم به رعایت قوانین هستیم:

- توافق دموکراتیک (Democratic Consent)

شان متقاعد سازند، تغییر کرده اند.

”حاکمیت قانون“ مفهوم دیگری نیز دارد. شهروندان صرفنظر از مقام و موقعیت شان، می باید مانند دیگر اعضای جامعه از قوانین یکسانی پیروی کنند. افسران پلیس، قضات و سیاستمداران باید مانند سایر افراد جامعه تابع قانون باشند.

مفهوم دیگر ”حاکمیت قانون“ اینست که قوانین باید در یک فرایند تثبیت شده و ریشه دار (فرآیند قانونگذاری) وضع گردند.

و در انتها، حاکمیت قانون به این معنی است که شهروندان دارای قدرت قانونی مانند پلیس باید در برخورد با شهروندان مطابق قانون رفتار کنند.

یک دلیل عملی نیز برای توافق ما با اطاعت از قانون وجود دارد.

وقتی دولت قوانین یا برنامه هایی ایجاد می کند که شما با آنها موافقید، مایلید که سایر شهروندان، حتی اگر با آن ها موافق نیستند، از آن پیروی کنند. پس زمانی هم که ما با قوانین یا برنامه های مورد قبول اکثریت جامعه مخالفیم، می باید از آنها پیروی کنیم. در صورتی که ما فقط موافق پیروی از قوانین مورد علاقه خودمان باشیم، جامعه گرفتار هرچ و مرج و آشفتگی خواهد شد.

البته اگر شما با یک قانون یا برنامه دولتی خاص موافق نباشید، بعنوان یک شهروند حق و مسئولیت دموکراتیک دارید تا برای تغییر آن اقدام نمائید.

در یک جامعه دموکراتیک، شهروندان به جای خودداری از اجرای قوانینی که با آن ها مخالف اند، از طریق فرآیند دموکراتیک برای تغییر آن ها اقدام می کنند.

بسیاری از قوانین و برنامه ها پس از آنکه گروههایی از شهروندان موفق شده اند دولت را برای در نظر گرفتن منافع

حاکمیت قانون (Rule of Law) به این معنی است که پلیس هم باید از قانون اطاعت کند

به افسران و مأمورین پلیس برای انجام صحیح کارهایشان از طرف جامعه اختیارات ویژه ای داده شده است. اما در کنار این اختیارات، محدودیت های قانونی معینی نیز برای بکار گیری این اختیارات در نظر گرفته شده است.

برای نمونه هنگامی که مأمورین پلیس کسی را بازداشت می کنند، اجازه دارند تنها به اندازه ای که در آن شرایط ویژه ضروری بنظر می رسد به زور (نیروی جسمانی) متوسل شوند. علاوه بر این زمانی که ماموران پلیس در حال انجام ماموریت نیستند، می باید مانند هر شهروند دیگر از قانون اطاعت کنند.

برای نمونه، زمانی که ماموران پلیس در پاسخ به درخواست کمک اضطراری در حال انجام وظیفه اند، می توانند از علائم توقف یا چراغ های قرمز رد شوند مشروط بر آنکه چراغ های چشمک زن و آژیر اتومبیل شان - برای هشدار به سایر رانندگان اتومبیل ها - روشن باشد. اما مامورپلیسی که از محل کار به سوی خانه اش در حال رانندگی است می باید مانند هر راننده دیگری مقررات رانندگی را رعایت کند.

آیین دادرسی (Due Process)

آیین دادرسی ارتباط تنگاتنگی با نظریه حاکمیت قانون دارد.

این زمینه وجود دارد، مطلع گردید.
آیین دادرسی همچنین مقرر می دارد که شما فرصتی واقعی و منطقی برای اثبات بی گناهی خود داشته باشید.

آیین دادرسی به رویه هایی که دادگاه ها و دادگاه های ویژه اداری - مانند دادگاه های حقوق بشر - و تصمیم گیرندگان دولتی باید از آنها پیروی کنند، اشاره دارد.
این رویه ها برای آن ایجاد شده تا اطمینان حاصل گردد که نحوه برخوردی معقول و منصفانه با کسانی که تصمیمات متخذه دولت مستقیماً بر آنها اثر می گذارد در پیش گرفته می شود. برای مثال، اگر شما به ارتکاب جرمی متهم شوید، آیین دادرسی مقرر می دارد که شما حق دارید از قانونی که متهم به نقض آن شده اید و از مدارکی که بر علیه شما در

حریم خصوصی شهروندان

شهروندانی که در یک جامعه دموکراتیک زندگی می کنند از حق داشتن حریم خصوصی در بخش عمده ای از زندگی شان بهره مند هستند

اختیار، یک ارزش بنیادین است. البته حریم خصوصی اشخاص به این معنی نیست که دولت همیشه باید برای جمع آوری اطلاعات راجع به زندگی خصوصی ما، توافق و رضایت ما را داشته باشد. برای مثال، اداره آمار کانادا، هر پنج سال یک بار برای سرشماری ملی، اطلاعات جزئی راجع به زندگی خصوصی ما را جمع آوری می کند. قانون ما را ملزم به ارائه این اطلاعات نموده است. سرشماری مجموعه ای است از اطلاعات مهم، مثل، چند نفر در کانادا زندگی می کنند؛ در کجا زندگی می کنند؛ به چه زبان هایی سخن می گویند؛ چه سنی دارند و دیگر ویژگی های جمعیتی. در فصل چهارم کتاب، در مورد قوانینی که از حریم خصوصی شهروندان محافظت می کنند بحث خواهیم کرد.

حریم خصوصی به این معنی است که ما به عنوان شهروند آزادیم بدون اطلاع دیگران هر آنچه می خواهیم انجام دهیم و یا ببینیم. حریم خصوصی به همه ما اجازه می دهد آن کسی که می خواهیم باشیم. حریم خصوصی همچنین به ما اجازه می دهد احساسات مهمی مانند عشق را ابراز کنیم.

حریم خصوصی به این معنی نیست که هرچه را می خواهیم و هر وقت می خواهیم بتوانیم انجام دهیم. آزادی شخصی ما و از جمله حریم خصوصی ما همیشه محدود به حدودی است.

حریم خصوصی افراد به این معناست که کنترل اطلاعات شخصی شان در دست خود آنهاست. حریم خصوصی اشخاص به این معناست که این اشخاص هستند که تصمیم می گیرند اجازه دهند که چه کسی چه چیزی راجع به آنها بداند. حریم خصوصی افراد یک ارزش کلیدی در جامعه دموکراتیک ماست زیرا این امر آزادی های شخصی ما را از دخالت دولت مصون نگه می دارد. این امر برای آزادی ما به عنوان یک شهروند صاحب

همکاری و مشورت

همکاری و به مشارکت گذاشتن تجربیات، لازمه تصمیم گیری های دموکراتیک اند.

ما برای این روش ها ارزش قائلیم زیرا این روش ها می توانند برای جامعه ما بهترین قوانین و برنامه های دولتی را به بار آورند. وقتی همه کسانی که قانون بر آنان تاثیر می گذارد در تصمیم گیری در مورد تصویب آن قانون مشارکت داشته باشد، تصمیم های بهتری گرفته خواهد شد. تصمیماتی که در پی همکاری و مشورت شهروندان گرفته می شود احتمالاً حمایت بیشتری از طرف شهروندان خواهد داشت تا تصمیماتی که فقط توسط عده معدودی گرفته شود.

شهروندان باید برای شرکت در دموکراسی، در هر زمانی که فرصت مشارکت وجود دارد آماده باشند.

گاهی دولت ها- دولت محلی (شهرداری ها)، دولت استانی، و یا دولت فدرال- مردم را به جلسات عمومی (Public Meetings) دعوت می نمایند. بجز این مواقع، انتخاب بهترین زمان برای اینکه دولت ها (نمایندگان دولت) به حرف شما گوش دهند؛ بستگی به شما خواهد داشت.

در یک دموکراسی، شما می توانید از فرصت های موجود برای شرکت در زندگی دموکراتیک بهره مند گردید.



اصل عدم خشونت

تغییرات اجتماعی صلح آمیز بهترین نوع تغییرات است

آمیز، بهترین روش برای حل اختلافات است. ما خشونت را به عنوان یک روش برای حل اختلافات رد می کنیم. این روش ها کانادایی ها را برای همکاری با یکدیگر تشویق می کنند. بکارگیری این روش ها، اختلافات درون جامعه را کاهش داده و ما را به اتحاد و یکپارچگی فرا می خواند.

کانادایی ها استفاده از خشونت را بعنوان یک روش برای تغییر اجتماعی یا سیاسی و حل مناقشات رد می کنند. ما به جای استفاده از خشونت، از روش بحث و مناظره (**Debate and Discussion**) استفاده می کنیم حتی اگر بکار گیری این روش برای ایجاد تغییرات در جامعه و حل اختلافات مان مستلزم زمان طولانی تری باشد.

ما اعتقاد داریم که همکاری و بکار بردن روش های صلح

احترام به حقوق فردی

در دموکراسی کانادا احترام به حقوق فردی یک ارزش اساسی است.

دموکراسی به این معنا نیست که اکثریت جامعه همیشه بتواند خواسته هایش را بر اقلیت تحمیل کند. در یک دموکراسی، ما از حقوق افراد و حقوق اقلیت ها نیز دفاع می کنیم. منشور حقوق و آزادی های کانادا (Canadian Charter of Rights and Freedoms)، آزادی ها و حقوق اساسی خاصی را برای هر فرد در این جامعه تضمین می کند. این حقوق شامل موارد زیر می باشد:

آزادی بیان ☒

آزادی مذهب ☒

آزادی اجتماعات (آزادی شهروند ☒)

برای پیوستن به یک گروه برای رسیدن به یک هدف مشترک)

دعا در مدارس

زمانی در بیشتر مدارس دولتی در بریتیش کلمبیا بچه ها را ملزم می کردند تا صبح ها قبل از کلاس درس ”دعای مذهبی مسیحیان (Lord’s Prayer)“ را بطور دسته جمعی بخوانند.

گروهی از والدین بچه ها شکایت کردند که این کارمدارس نقض منشور حقوق و آزادی های کانادا می باشد. دیوانعالی استان بریتیش کلمبیا استدلال آنان را پذیرفت و حکم داد که این موضوع، آزادی دین برای بچه ها و احترام به عقیده والدینی که به مسیحیت اعتقاد ندارند را نقض می کند. از آن به بعد، مدارس دولتی در استان بریتیش کلمبیا هیچ نوع دعاخوانی در مدارس برگزار نمی کنند. این امر نشانگر تعهد کانادا به آزادی دین و برابری همه شهروندان است.

منشور(حقوق و آزادی های کانادا)، همچنین از حقوق دموکراتیکی مانند حقوق زیر حمایت می کند:

✓ حق رأی دادن

✓ حق جابجایی افراد

✓ حقوق قانونی

✓ حق برابری

ما برای تفسیر حقوق مندرج در منشور به دادگاه های قانونی مان در کانادا متکی هستیم.

حقوق فردی مطلق نیستند

اگر دولت قانونی وضع کند که حقوق فردی شهروندان در منشور را نقض کند، باید دادگاه را متقاعد نماید که این قانون برای اهدافی که اساساً برای کل جامعه بااهمیت است ضروری می باشد. برای مثال مشاورین دانش آموزان در دبیرستان ها نمی توانند به دانش آموزان توصیه کنند که همجنس گرایی نادرست است حتی اگر خود آنها بدلائیل مذهبی بر این باور باشند که همجنس گرایی نادرست است. مدارس عمومی (دولتی) مسئولند تحمل عقیده و نظر و احترام به تنوع افکار و فرهنگ ها و عقاید در جامعه را به دانش آموزان بیاموزند.

منشور اجازه می دهد که بعضی از قوانین برای حفظ منافع کلی جامعه، حقوق فردی را نقض نمایند.

بازنشستگی اجباری

تا این اواخر بسیاری از کارفرمایان در کانادا کارمندان را ملزم به بازنشستگی اجباری، اغلب در سن 65 سالگی می نمودند.

” منشور حقوق و آزادی ها ” در موارد تبعیض سنی از شهروندان حمایت می کند.

دیوانعالی کانادا مواردی را که در آن افراد به بازنشستگی مجبور شده بودند، مورد رسیدگی قرار داد. این افراد با استناد به منشور استدلال کردند که کارفرمایانشان آنان را به دلیل سن شان مورد تبعیض قرار داده و ” برابری ” حقوقی شان را نقض کرده اند. دیوانعالی استدلال آنان را پذیرفت. اما بعداً به این موضوع که آیا این تبعیض می تواند در یک جامعه ”آزاد و دموکراتیک“ موجه باشد یا نه رسیدگی نمود.

بر طبق نظراین دادگاه، بعضی از سیاست های بازنشستگی اجباری به دلیل اینکه به ایجاد شغل برای جوانترها کمک می کند می تواند قابل قبول باشد. دادگاه دلیل این تصمیم خود را اهمیت حفظ منافع بقیه جامعه در مقابل منافع گروه بازنشستگان اعلام کرد.

اخیراً دولت های استانی در پاسخ به خواست عمومی، در حال وضع قوانینی هستند که بازنشستگی اجباری را امری غیرقانونی تلقی می نماید. این مورد یک مثال خوب از قدرت شهروندان برای تغییر قوانین در جامعه می باشد.

آزادی بیان

همه شهروندان باید بتوانند آزادانه صحبت کنند.

آزادی بیان می تواند بسیار بحث انگیز باشد زیرا شامل حق ابراز نظرانی است که می توانند برای افراد دیگر ناخوشایند باشند.

بعضی افراد و گروه ها در باره دیگران در جامعه نظریاتی سرشار از نفرت ابراز می دارند. در واقع ما در کانادا قوانین جزائی و حقوق بشری بر علیه اظهاراتی که مروج تنفر می باشند داریم. این قوانین برای حمایت از گروه های اقلیت و حمایت از ارزش برابری شهروندان در جامعه احترام به شأن انسانی وضع شده اند.

بعضی از کانادایی ها معتقدند که این ها قوانین بدی اند زیرا بر حق آزادی بیان که برای وجود دموکراسی حیاتی است، سانسور اعمال می کنند. آنها می گویند: در یک دموکراسی شهروندان باید برای خودشان تصمیم بگیرند چه نظری خوب یا بد است، دولت نباید برای آنان تصمیم بگیرد.

در کانادا ما به همه مردم اعم از زن و مرد، پیر و جوان، فقیر و ثروتمند اجازه می دهیم و آنان را تشویق می کنیم که نظراتشان را، حتی اگر این نظریات طرفدار زیادی نداشته باشد، اظهار نمایند. برای حفظ موجودیت و رشد دموکراسی همه شهروندان باید بتوانند آزادانه سخن بگویند بدون اینکه برای ابراز نظراتشان از مجازات ترس داشته باشند. آزادی بیان بنابر دلایل بسیار یکی از مهمترین آزادی ها در دموکراسی ما می باشد.

آزادی بیان بنابر دلائل زیر از اهمیت ویژه ای برخوردار است :

پاسخگو بودن دولت (Government Accountability): شهروندان باید قادر باشند بدون ترس نظرات و مسائل مورد توجه شان را به مقامات دولتی اعلام دارند و یا در باره خود این مقامات اظهار نظر کنند.

مشارکت دموکراتیک (Democratic Participation): شهروندان باید بتوانند در مورد همه نظرات بخوانند و صحبت کنند. تصمیمات بهتر همیشه از دل بحث های مفصل به دست می آید.

آزادی شخصی (Personal Liberty):

شهروندان لازم است تا برای رشد فردی و توسعه آزادی ها، این فرصت را داشته باشند که بتوانند به نظرات مختلف گوش کنند، در باره شان بخوانند و صحبت کنند.

آزادی بیان در مقابل سخنانی که نفرت را ترویج می نماید.

نفرت در اینترنت

بسیاری از مردم از بکارگیری اینترنت برای ترویج نفرت و خشونت بر علیه گروه های اقلیت بسیار نگرانند.

بعضی از مردم از اینترنت برای پاسخگویی و بحث بر علیه ترویج کنندگان خشونت استفاده می کنند. آنان چنین بحث های انتقادی را بهتر از سانسور کردن سخنان خشونت گرایان در اینترنت می دانند.

اگر به جای دولت، شهروندان یک جامعه فعالانه در مورد مسائل جامعه بحث کرده و نظراتی را رد کرده یا بپذیرند، دموکراسی سالم تری خواهیم داشت.



جامعه کانادایی عموماً وجود سانسور در دموکراسی را مذموم می داند زیرا حق شهروندان برای مباحثه و مذاکره در مورد همه نظرات را از بین می برد. بحث آزاد در جامعه ای که شهروندان بر اساس اراده شان کشور را اداره می کنند، یک ضرورت است.

ما همچنین سانسور را مذموم می دانیم زیرا سانسور غیر سازنده است و عقاید ناپسند و توهین آمیز را از صحنه جامعه حذف نمی کند. سانسور برعکس باعث می شود تا مردمی که این نوع عقاید را دارند به فعالیت زیرزمینی روی آورند، که در این صورت جامعه فرصت شنیدن و رد عمومی این نظریات را از دست می دهد.

از آن بدتر این است که سانسور اغلب فرصت بیشتری برای مطرح شدن فعالانه این افکار و کسانی که اینگونه افکار را ابراز می دارند، در سطح اجتماع بوجود می آورد، چرا که رسانه های عمومی معمولاً گزارش دعاوی جنجالی در دادگاه ها را بیشتر منعکس می کنند و آنان را در معرض تبلیغات عمومی قرار می دهند.

شهروندان یک جامعه برای پاسخ دادن و

رد نظراتی که آنها را نفرت انگیز و آزاردهنده می یابند مسئولیت مهمی دارند.

تلاقی حقوق (Competing rights)، همانند آزادی های دموکراتیک دیگر، آزادی بیان در یک دموکراسی، یک ارزش یا حق مطلق نیست. گاهی این حق با دلایل قانونی و مشروع محدود می گردد.

حریم های آزادی بیان

✓ اولین ارزش حق آزادی بیان است.

✓ دومین ارزش حق احترام به حریم خصوصی کارکنانی است که در این کلینیک ها کار می کنند و حق احترام به حریم خصوصی زنانی که می خواهند سقط جنین کنند.

✓ سومین ارزش، حق قانونی سقط جنین در کاناداست.

دولت با محدود کردن آزادی بیان معترضین به سقط جنین، تلاش می کند تا توازن میان حق اعتراض شهروندان و احترام به حریم خصوصی زنان و حق انتخاب سقط جنین توسط آنان برقرار نماید.

بحث های جنجالی زیادی راجع به حق شهروندانی که مخالف سقط جنین هستند و برای نشان دادن مخالفت خود در بیرون کلینیک های سقط جنین تظاهرات می کنند، وجود داشته است.

دراستان بریتیش کلمبیا دولت قانونی برای محدود نمودن این تظاهرات وضع نموده، اما بطور کلی حق شرکت در اینگونه تظاهرات را ممنوع نکرده است. به این معنی که، شهروندان می توانند در تظاهرات شرکت کنند اما نه در محدوده 50 متری کلینیک ها.

در این مثال ارزش های مهم زیر نیاز به محافظت دارند:

مسئولیت پاسخگو بودن دمکراتیک

نمایندگان انتخابی ما می باید
درمقابل ما پاسخگو باشند.

برنامه های دولتی تاثیرگذار باشند.
شهروندان باید بسیار بیشتر از یک رأی دادن ساده
درانتخابات در هر چهار سال، فعال باشند.

مسئولیت پاسخگو بودن دمکراتیک
همچنین به این معناست که همه
شهروندان فرصت و مسئولیت
دارند، تا هر روز برای تاثیر گذاشتن
بر قوانین و مقرراتی که بر جامعه ما
حاکم است بکوشند.

ما به نمایندگان منتخب مان اختیار مستقیم می دهیم
که برای جامعه مان قانون وضع نمایند. برخلاف
بعضی از جوامع دیگر، سیاستمداران ما همیشه
مسئول و در مقابل شهروندان پاسخگو خواهند بود.
مسئولیت پاسخگو بودن دمکراتیک دو معنی دارد.
اول اینکه نمایندگان رسمی انتخاب شده توسط ما
برای توضیح عملکردشان باید به پرسش های ما
پاسخ دهند. همچنین در طول مبارزات انتخاباتی
شان، در صورتی که خواهان حمایت ما برای انتخاب
مجدد شان هستند، باید ما را در جریان فعالیت ها و
عملکردهایشان قرار دهند.

دوم، پاسخگو بودن به این معناست که شهروندان
حق دارند بنحوی در دموکراسی مشارکت داشته
باشند که بطور جدی در فرآیند وضع قوانین و

نقش شما در دموکراسی ما

شما به عنوان یک شهروند
بخشی از دموکراسی بی نظیر
کانادا هستید.

همه شهروندان است که برای حفظ و حراست از این ارزشها بکوشند. شما برای این کار هر روزه فرصت های زیادی در اختیار دارید. دموکراسی کانادا نیرومندتر خواهد شد اگر به یاد داشته باشیم که به این ارزش ها احترام بگذاریم و دیگر شهروندان را نیز به این امر تشویق نماییم.

بدون شما و شهروندان دیگری چون شما و بدون شرکت کامل شما در زندگی دموکراتیک، تعداد معدودی مأمورین رسمی منتخب و بوروکرات بر ما حکمرانی خواهند کرد. در کانادا، شهروندان جدید تشویق می شوند تا ارزش هایی که در این فصل بحث شد را برگزینند. در دموکراسی، شهروندان نباید و نمی توانند فقط به دولت، قوانین و یا دادگاه ها برای تضمین و حفاظت از این ارزش ها و سنت ها تکیه کنند. این مسئولیت



این ارزش ها پیچیده هستند.

هر چند ممکن است همه شهروندان به اهمیت این ارزش ها واقف باشند، ولی لزوماً همه آنها در تفسیر و نحوه تبدیل این ارزش ها به قوانین و برنامه های دولتی نظر یکسانی ندارند.

مزیت زندگی در یک دموکراسی مانند کانادا این است که راه های زیادی برای اینکه شهروندان بتوانند به روند تبدیل ارزش ها به قوانین و برنامه های دولتی کمک کنند، وجود دارد.

شهروندان می توانند به این شیوه ها تاثیرگذار باشند:

☒ شرکت در جلسات عمومی

☒ همکاری با احزاب سیاسی

☒ پیوستن به گروه هایی که منعکس کننده نظریات

شهروندان هستند

از لحظه ای که شما شروع به مشارکت می نمایید درخواست یافت که کاندائی ها عمیقاً متعهد به ارزش هایی که در این فصل مورد بحث قرار گرفت، هستند. ما تلاش می کنیم تا اطمینان حاصل نمائیم که جامعه مان به این ارزش ها احترام می گذارد و از آنها محافظت می کند.

بعنوان یک شهروند کانادا، شما با دموکراسی عهد و پیمان می بندید.



فصل 3

نگاهی به سیستم سیاسی کانادا
(از دیدگاه عملی)

ناحیه ای (Territorial Governments) می باشد.

همچنین، ما در کشور دولت های محلی یا شهرداری (شهر) ها (Municipal Governments) یا دولت های منطقه ای - که در واقع دولتی شامل شهرداری های یک گروه از شهرهای کوچک در یک شهر بزرگ مثل تورنتو یا ونکوور می باشد - را داریم.

و نهایتاً ، تعداد روز افزونی دستگاه های ذیصلاح دولتی بومیان کانادا (First Nation Governments Authorities) را داریم.

کانادا اگرچه یک کشور کم جمعیت (بیش از سی و پنج میلیون نفر) است، ولی از لحاظ جغرافیایی یکی از بزرگترین کشورهای جهان است.

در کانادا ما بر اساس جغرافیا و تاریخ منحصربه فرد مان، یک سیستم دولت فدرال (Federal System) بنیاد نهاده ایم تا شهروندان در هر گوشه از کشور قوانینی بر اساس نیازها و منافع خاص خود وضع نمایند.

با این شرایط کانادا دارای یک دولت مرکزی به نام دولت فدرال (Federal Government) ، 10 دولت استانی

(Provincial Governments) و 3 دولت



اقوام اولیه کانادا

کرد.
معاهده نیسگا اولین معاهده جدید در استان
بریتیش کلمبیا، و چهاردهمین معاهده جدید مبتنی
بر مذاکرات از سال 1976 می باشد.



مردمان بومی کانادا (که با نام “اقوام اولیه” یا
“نخستین مردمان” هم شناخته می شوند) هزاران
سال در کانادا زندگی می کرده اند. بعضی از اقوام
اولیه دستگاه های دولتی و اختیارات خودشان را دارند.
در سال های اخیر، کانادایی ها به بحث در مورد
قدرت سیاسی مناسب برای دولت های بومی، بدون
اینکه هنوز به راه حل کاملی
رسیده باشند، ادامه داده اند.
از نظر تاریخی، بخشی از
اداره نواحی اقوام اولیه بر
اساس قراردادهای و معاهداتی
صورت می گرفت که آنان با
دولت های مستعمراتی بسته
بودند.

پیش از پدید آمدن ملت کانادا
در سال 1867، دولت های
مستعمراتی (کلنیال) وجود
داشتند. براساس این قراردادهای،

اختیارات، امتیازات و حقوق خاصی برای شکار و
ماهیگیری و استفاده از زمین اقوام بومی داده شد.
البته در اکثر بخش های استان بریتیش کلمبیا معاهده ای
امضاء نشده بود. هم اکنون دولت استان بریتیش کلمبیا
با بسیاری از اقوام بومی در استان برای رسیدن به توافق
در حال مذاکره است. بطور مثال، معاهده “نیسگا”
یک توافقنامه منعقد شده بین قوم نیسگا و دولت
بریتیش کلمبیا و دولت مرکزی (فدرال) کانادا است.
آخرین قدم برای اجرای قانونی این معاهده در سیزدهم
آوریل سال 2000 برداشته شد و آن زمانی بود که
پارلمان فدرال قانون توافق نامه نهایی نیسگا را تصویب

تفکیک قوای مقننه، قضائیه و مجریه

اطاعت کنند.

از زمان تشکیل کنفدراسیون کانادا (در سال 1867 کانادا بعنوان یک ملت اعلام شد)، دادگاه های قانونی قانون اساسی را برای حل اختلافات میان دولت های استانی و دولت فدرال در باره حدود اختیاراتشان، تفسیر کرده اند. این تصمیمات دادگاه ها بعداً به مشخص تر شدن اختیارات دولت فدرال و دولت های استانی انجامید.

اغلب برای شهروندان عادی کار ساده ای نیست که تشخیص دهند یک موضوع خاص باید توسط دولت فدرال و یا دولت استانی رسیدگی شود.

قانون اساسی عبارتست از مجموعه ای از قوانین یک کشور که قدرت (اختیارات) دولت و حقوق شهروندان را تعریف می کند.

قانون اساسی کانادا عالی ترین قانون کشور است. این قانون اختیارات سیاسی و قانونگذاری را بین دولت فدرال و دولت های استانی براساس موضوعات مختلف مانند شیلات، بانکداری و حمل و نقل تقسیم می کند.

قانون اساسی کانادا شامل منشور حقوق و آزادی ها نیز می شود

دولت فدرال و دولت های استانی تنها در حدودی که قانون اساسی به آنها اجازه داده است می توانند راجع به موضوع خاصی قانون وضع نمایند.

هیچ کدام از دولت ها (فدرال یا استانی) نمی تواند در مورد موضوعاتی که دولت دیگر راجع به آن اختیار دارد قانونگذاری کنند. این سیستم به عنوان نظام تقسیم قدرت و یا تفکیک قوا (Division of Powers System) شناخته می شود.

دولت فدرال (ملی) و دولت های استانی برابر و همپایه اند. دولت های استانی قسمتی از اختیاراتشان را به دولت های محلی (شهرداری و دولت های ناحیه ای) که در حوزه اختیارات دولت های استانی مزبور واقع شده اند، تفویض می نمایند.

همه شهروندان تابع قوانین دولت فدرال هستند. آنها ملزم هستند تا از قوانین دولت استانی یا ناحیه ای و محلی که در حوزه آن زندگی می کنند یا بدانجا سفر کرده اند نیز

(شهری) اختیار قانونگذاری راجع به موارد زیر را دارند:

استفاده از زمین و ساختمان سازی ☒

جمع آوری زباله ☒

پلیس محلی (شهری) ☒

آتش نشانی ☒

برای شناخت بیشتر اختیارات دولت فدرال و استانی برای وضع قوانین و برنامه ها، ”صفحات آبی“ راهنمای تلفن خود را بازبینی کنید. این ”صفحات آبی“ لیست دفاتر نمایندگی (ادارات) دولت های محلی و استانی و فدرال را آورده اند.

در اینجا یک راهنمایی کلی برای تقسیم اختیارات آمده است. گستره اختیارات دولت های فدرال به وسعت کشور می باشد. آنها مسائلی بشرح زیر را پوشش می دهند :

دفاع ملی ☒

روابط بین الملل ☒

مهاجرت ☒

گمرکات ☒

مالیات ها ☒

جرم و جنایات ☒

دولت های استانی و ناحیه ای اختیارات قانونگذاری و سیاست گذاری در موارد زیر را دارند:

تحصیلات ☒

خدمات اجتماعی ☒

بیمارستان ها ☒

منابع طبیعی ☒

وسائل نقلیه موتوری ☒

در مورد بعضی مسائل مثل وضع مقررات در مورد محیط زیست و حمل و نقل ، دولت های فدرال و استانی اختیارات مشترکی دارند.

سرانجام، دولت های استانی بعضی از اختیاراتشان را برای سر و سامان دادن مسائل محلی به شهرداری ها یا دولت های ناحیه ای تفویض می کنند. برای مثال، دولت های محلی

انتخابات دولت فدرال و دولت استانی

حوزه انتخاباتی معرفی کند. نامزد هر حزبی که بیشترین رای را در یک حوزه انتخاباتی بدست آورد، به نمایندگی مردم آن بخش برای مجلس انتخاب می شود.

در انتخابات فدرال شخص منتخب برای مجلس فدرال، عضو پارلمان یا **MP (Member of Parliament)** نامیده می شود. در انتخابات استان بریتیش کلمبیا شخص انتخاب شده برای مجلس قانونگذاری استانی، عضو مجلس قانون گذاری یا **MLA (Member of the Legislative Assembly)** نامیده می شود.

در انتخابات، هر حزبی که شمار بیشتری از نمایندگان توسط شهروندان در مناطق مختلف انتخاب شوند، دولت را تشکیل می دهد، و رهبر آن حزب **(در سطح فدرال)**، نخست وزیر کشور **(Prime Minister)** و **(در سطح استان)**، نخست وزیر استان **(Premier)** خواهد بود. حزبی که از نظر شمار نمایندگان منتخب در مقام دوم قرار می گیرد، بعنوان حزب مخالف رسمی **(Official Opposition)** دولت شناخته می شود.

کانادا به وسیله مجلس قانونگذاری که از افراد برگزیده از سوی شهروندان تشکیل شده اند، اداره می شود. این افرادی که برگزیده ایم، منافع ما را در وضع قوانین و تعیین برنامه های دولتی نمایندگی می کنند.

دولت فدرال ما دارای دو مجلس **(Assembly)** به نام های مجلس عوام **(House of Commons)** و مجلس سنا **(the Senate)** می باشد. مجموعه این مجالس با هم پارلمان **(Parliament)** نامیده می شوند.

هر استان یا ناحیه، مجلس استانی خود را دارد که مجلس قانونگذاری یا پارلمان استان **(Legislature or Provincial Parliament)** نامیده می شود. مجلس استان در کبک مجلس ملی **(National Assembly)** نامیده می شود.

نمایندگان سیاسی برای این مجالس از نواحی جغرافیایی جداگانه ای به نام بخش های انتخاباتی **(Electoral districts)** یا حوزه های انتخاباتی **(Ridings)** انتخاب می شوند. کانادا برای انتخابات فدرال و استانی به حوزه های انتخاباتی که از نظر جمعیتی تقریباً با هم برابر هستند تقسیم شده است. اما حوزه های فدرال و استانی نواحی جغرافیایی متفاوتی را پوشش می دهند.

احزاب سیاسی نامزدهایی را به نمایندگی خودشان در حوزه های انتخاباتی مختلف در طی دوره انتخابات معرفی می کنند. هر حزب سیاسی می تواند فقط یک نماینده برای هر

کابینه و اداره دولت

هر نهاد یا وزارتخانه به وسیله یک وزیر دولت اداره می شود. مثلاً نهاد (دپارتمان) شهروندی و مهاجرت کانادا به وسیله وزیر امور شهروندی و مهاجرت اداره می شود.

نفر دوم در یک وزارتخانه، معاون وزیر می باشد. این شخص غیرمنتخب یک بوروکرات (یک کارمند دولت) است که توسط کابینه وزیران منصوب شده است. معاون وزیر مقام ارشد غیرانتخابی در یک وزارتخانه است.

معاونین وزرا مهمترین مقامات ارشد خدمات کشوری می باشند. آنها مقامات قدرت مندی در دولت هستند. شماری از شهروندان معتقدند که معاونین وزرا قدرت بیش از اندازه ای دارند و به دلیل اینکه از طریق آرا مردم انتخاب نشده اند، مستقیماً پاسخگوی شهروندان نیستند.

نخست وزیر (فدرال) یا نخست وزیر (استان) شماری از نمایندگان حزب برنده انتخابات را برای عضویت در هیأت دولت یا کابینه انتخاب می کند. اعضای کابینه که وزرای دولت (Cabinet Ministers) خوانده می شوند، مقتدرترین مأمورین رسمی یک دولت هستند.

دولت همچنین، به نهادها (Departments)(در سطح فدرال) یا وزارتخانه ها (Ministries) (در سطح استانی) تقسیم می شود. وظیفه کارمندان اداری دولت (Civil Service) در این نهادها یا وزارتخانه ها کمک به پیشبرد و به اجرا گذاشتن قوانین مصوب پارلمان (فدرال) یا مجالس قانونگذاری استان ها می باشد. این کارمندان دولت نقش مهمی در ارائه و آماده کردن و تدوین قوانین و اجرای برنامه های دولتی دارند.



مجلس سنا (The Senate)

به علت اینکه سناتورها، برخلاف دیگر نمایندگان دولت، مستقیماً در برابر شهروندان پاسخگو نیستند، بسیاری از مردم معتقدند که مجلس سنا، یک نهاد غیردمکراتیک است و باید تغییر کند یا حذف گردد.

اعضای مجلس سنا در دولت فدرال به وسیله دولت منصوب می شوند و نه توسط آرای شهروندان . همه قوانین پیشنهادی (لویج) (Proposed federal laws) دولت فدرال بایستی بطور جداگانه هم در مجلس عوام (مجلس نمایندگان) (House of Commons) و هم در مجلس سنا (The Senate) به تصویب برسند.

در تئوری، مجلس سنا برای این به وجود آمده که خارج از سیاست های حزبی، به نحوی بیطرفانه قوانین جدید را مورد بازبینی قرار دهد. در عمل هم، کمتر پیش آمده است که مجلس سنا قوانین پیشنهادی تصویب شده در مجلس نمایندگان (عوام) را رد کند.

سناتورها اغلب به دلیل روابط شان با یک حزب سیاسی منصوب می شوند. آنها مستقیماً نمایندگی شهروندان حوزه جغرافیایی خاصی را ندارند.



مسئولیت های نمایندگان منتخب

قدرت) هستند می توانند بطور مستقیم تری در قوانین و سیاست های دولت تأثیرگذار باشند.

از اعضای پارلمان فدرال و اعضای مجالس قانونگذاری استانی همچنین انتظار می رود به مشکلات شهروندان با ادارات دولتی هم رسیدگی کنند.

نمایندگان پارلمان و مجالس قانونگذاری در حوزه انتخابی خودشان دفاتری دارند. در این دفاتر کارمندان یا کارکنان داوطلبی کار می کنند که به مشکلات معمول که میان شهروندان و ادارات دولتی پدید می آید، آشنا هستند. وجود این افراد برای شهروندانی که نیاز به کمک دارند و یا می خواهند در زندگی دموکراتیک جامعه شان شرکت کنند، بسیار با ارزش است. (فصل پنجم را نگاه کنید)

نمایندگان منتخب دو وظیفه اصلی دارند: مشارکت در اداره کشور یا استان و نمایندگی منافع موکلین حوزه انتخابی خود. موکلین (**Constituents**)،

شهروندان هر حوزه انتخابی می باشند.

نمایندگان پارلمان فدرال (**MP's**) و اعضای مجالس قانونگذاری استانی (**MLA's**) نماینده همه شهروندان حوزه انتخابی خود و نه فقط نماینده کسانی که به آنها رأی داده اند، می باشند. این یک مسئولیت بسیار مهم برای نمایندگان منتخب در یک دولت دموکراتیک است.

وظیفه اعضای پارلمان فدرال و اعضای مجالس قانونگذاری استانی اینست که به موکلین خود گوش کنند و نقطه نظرات و دغدغه های آنان را به دولت گزارش دهند.

البته طبیعی است که اعضای پارلمان فدرال و مجالس قانونگذاری استانی که عضو حزب حاکم (حزب در راس

قانونگذاری

فرصت های محدودی برای ارائه قوانین پیشنهادی دارند. نمایندگان منتخب مجلس تقریباً همیشه براساس موضع رسمی حزب سیاسی خود به لوایح رای می دهند. بطور معمول، احزاب قبل از رأی گیری عمومی در صحن مجلس تصمیم می گیرند که از یک لایحه حمایت یا با آن مخالفت کنند. در مجلسی که فقط نمایندگان دو حزب سیاسی حضور دارند نظر حزب حاکم، نظر غالب خواهد بود زیرا حزب حاکم آراء بیشتری از حزب مخالف دارد. ولی اگر در مجلس سه حزب سیاسی یا بیشتر باشد، موقعیت پیچیده تر می شود. وقتی دولت اکثریت (Majority Government) وجود داشته باشد، موقعیت شبیه وقتی است که فقط دو حزب در مجلس وجود دارد. دولت اکثریت موقعی خواهد بود که بیش از 50 درصد کل نمایندگان مجلس از حزب سیاسی حاکم باشند.

مهمترین مسئولیت یک دولت، قانونگذاری و برنامه ریزی برای خدمت به همه شهروندان است. قوانین پیشنهادی که لایحه (Bill) نامیده می شوند، به مجلس ارائه می گردند و نمایندگان منتخب مردم به آنها رأی می دهند. معمولاً یک لایحه سه بار برای اعضای مجلس قرائت (read) می شود. این امر به کلیه اعضای مجلس فرصت بررسی لایحه و طرح پرسش هایشان را می دهد. معمولاً یک لایحه پس از قرائت دوم بطور کامل مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. اگر یک لایحه بیش از 50 درصد آراء نمایندگان را اخذ نماید به صورت قانون در می آید. در سطح فدرال، لایحه باید به تصویب هر دو مجلس عوام و سنا برسد. بیشتر لوایح معمولاً توسط حزب حاکم به مجلس ارائه می گردند، اعضای حزب مخالف و سایر احزاب نیز

اعضای پارلمان از همه احزاب، و حتی نمایندگان حزب پیشنهاد دهنده این لایحه، بر علیه آن رأی دادند.

اما اگر دولت اقلیت (**Minority Government**) باشد، احزاب مخالف می توانند به یکدیگر ملحق شده و به لایحه پیشنهادی مورد حمایت دولت رأی منفی بدهند. دولت اقلیت وقتی رخ می دهد که دولت در راس قدرت، کمتر از **50** درصد کل نمایندگان منتخب را داشته باشد.

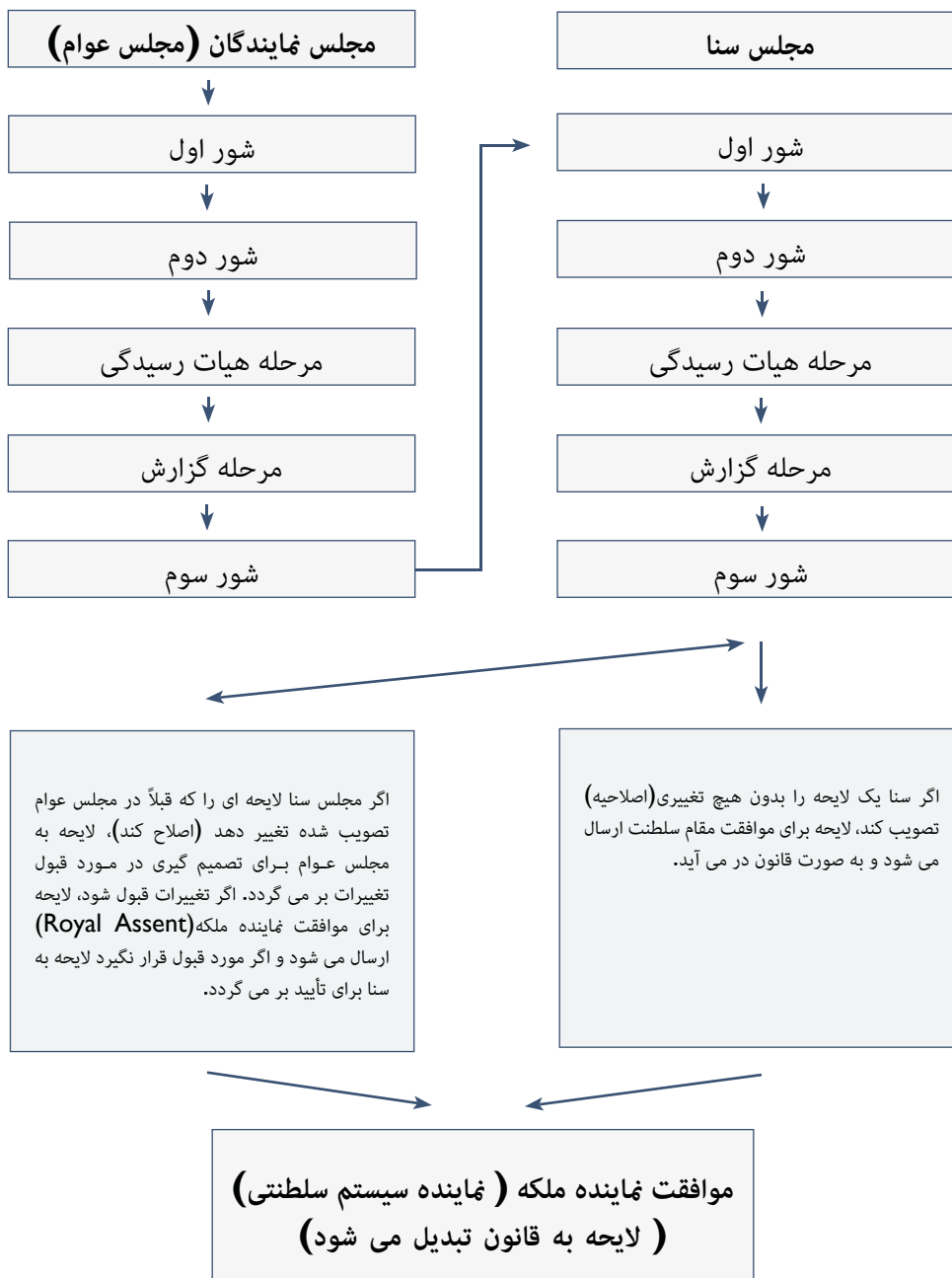
اگر دولت اقلیت وجود داشته باشد حزب حاکم سعی می کند قبل از رأی گیری در مجلس حمایت یکی از احزاب مخالف را به دست آورد. اگر نتواند این کار را بکند، معمولاً خود را در معرض خطر عدم پذیرش لایحه معرفی شده قرار نمی دهد. بعضی منتقدین نظام پارلمانی معتقدند که رأی دادن یک نماینده براساس موضع سیاسی حزبی یک ضعف اساسی نظام پارلمانی در یک دولت دموکراتیک می باشد.

در نظام پارلمانی، نمایندگان منتخبی که براساس مواضع حزبشان رأی می دهند ممکن است رایی مخالف خواسته ها یا نظرات اکثریت موکلین حوزه انتخابیه شان = و یا برخلاف اعتقاد شخصی شان = بدهند. این موضوع با اصلی که نمایندگان هر حوزه در واقع انتخاب شده اند تا نظریات و خواسته های موکلین خود را نمایندگی کنند در تضاد است. اما کسانی دیگر معتقدند که نمایندگان منتخب مسئولیت دارند که قابلیت رهبری از خود نشان داده و منعکس کننده نظرات کلیه موکلین، و نه فقط بیان کننده خواسته های اکثریتی که به آنان رای داده اند، باشند. همچنین این نمایندگان منتخب مسئولیت دارند تا در جهت منافع کل کشور یا کل استان فعالیت نمایند.

در مواقع نادری رأی آزاد (**Free Vote**) اتفاق می افتد. در این مواقع نماینده بجای رای دادن بر اساس مواضع سیاسی حزب خود، مطابق خواسته های موکلین اش یا بر طبق عقاید شخصی اش رأی می دهد.

یک مثال مهم از رأی آزاد در دولت فدرال، در اوائل دهه **1980** مربوط به پیشنهادی برای بازگرداندن مجازات اعدام برای جنایت های بزرگ بود که در پارلمان مطرح شد. اکثریت

فرآیند قانونگذاری در پارلمان کانادا



مشارکت شهروندان در امر قانونگذاری

مؤثرترین روش برای تاثیرگذاری شهروندان بر روند قانونگذاری، لابی کردن دولت، مدت ها پیش از طرح لایحه از سوی دولت در پارلمان می باشد. این امر توسط تشکیل گروههای لابی (گروههایی که برای تاثیرگذاری بر سیاستمداران و وضع قوانین در جهت تامین منافع مشخص اعضای گروه تشکیل شده اند)، صورت می گیرد. لابی کردن فرآیندی است که طی آن شهروندان قبل از معرفی یک لایحه به مجلس سعی می کنند تا دولت را ترغیب نمایند لایحه مزبور را بنحوی تغییر دهد که منافع آنان تامین گردد. در مورد فرصت های شهروندان برای تاثیر گذاری در امر قانونگذاری در فصل پنجم با جزئیات بیشتر صحبت خواهیم کرد.

تاکنون ما تنها در مورد اینکه چگونه سیاستمداران قانونگذاری می کنند شرح دادیم. اما در باره ی حقوق و مسئولیت شما به عنوان یک شهروند کاندایی برای مشارکت در زندگی دموکراتیک - از جمله در امر قانونگذاری - چه می توان گفت؟ شما به عنوان یک شهروند چه فرصت هایی برای مشارکت در امر قانونگذاری دارید؟

در نظام سیاسی فدرال، شهروندان گاهی فرصت ابراز نظر در مورد یک لایحه مطرح شده را دارند. بعد از رسیدن یک لایحه به شور دوم ممکن است لایحه مزبور برای بحث و بررسی بیشتر به هیأت خاصی از اعضای پارلمان فرستاده شود. یک هیأت دائمی خاص پارلمانی (**Parliamentary Standing Committee**) ممکن است از عموم شهروندان برای ابراز نظر در مورد یک لایحه جدید دعوت کند. این روش فرصت پیشنهاد تغییر در لایحه، پیش از قانونی شدن آن را به شهروندان و گروه های شهروندی می دهد.

هیأت پارلمانی مزبور پس از اتمام کار خود برای تغییر قسمت هایی از لایحه به دولت پیشنهادهایی می دهد. دولت ممکن است بعضی یا همه این پیشنهادهای را بپذیرد یا نپذیرد. متأسفانه، دولت های استانی بسیار کمتر از دولت های فدرال از هیأت های خاص پارلمانی برای کمک به امر قانونگذاری استفاده می کنند.

حتی اگر یک لایحه به هیأت دائمی خاص پارلمانی سپرده نشود، شهروندان در مورد هر لایحه ای می توانند با دولت یا با نمایندگان منتخب شان تماس بگیرند و نظرشان را در باره یک لایحه اعلام کنند.

دمکراسی مستقیم

سیستم دموکراتیک (Representative Government)، نوعی سیستم حکومتی است که در آن شهروندان، کسانی را انتخاب می کنند تا منافع آنان در دولت را نمایندگی کنند. بعضی مردم معتقدند که این نظام به حد کافی کارآمد نیست، چرا که تاثیرگذاری شهروندان عادی بر امور دولت بسیار مشکل است.

بعنوان مثال، اگرچه نمایندگان منتخب، مسئول پاسخگویی مستقیم به شهروندان در انتخابات هستند، ولی انتخابات فدرال و استانی تقریباً هر چهار سال یک بار اتفاق می افتد. بعضی معتقدند که انتخابات ها پاسخگو بودن سیاستمداران در یک سیستم دموکراتیک را تضمین نمی کنند چون کسانی که انتخاب شده اند می توانند در فاصله میان دوره های انتخاباتی نیازها و مصالح شهروندان را نادیده بگیرند.

در پاسخ به این انتقادات، اخیراً روش های جدیدی برای پاسخگویی مستقیم (یا دمکراسی مستقیم) طراحی شده و در ساختار بعضی از دولت های استانی به کار برده شده اند. از جمله ی این راهکارها می توان از بازپس گرفتن رای (Recall) و ابتکار عمل (Initiative) نام برد.

”بازپس گیری“ به شهروندانی که از نماینده منتخبشان ناراضی اند اجازه می دهد تا پیش از انتخابات عادی بعدی به جای او، نماینده جایگزینی تعیین کنند.

”ابتکار عمل“ به شهروندان اجازه می دهد بطور مستقیم یک قانون بوجود آورند، یعنی به جای اینکه به منتخبین رسمی (نمایندگان) اجازه رأی دادن به یک لایحه را بدهند، خود در یک همه پرسی (Referendum)، به یک قانون پیشنهادی یا یک مسأله، مستقیماً رای دهند.

برای مثال، در بریتیش کلمبیا قانون شهروندان را ملزم می

کند تا قبل از استفاده از رویه ”بازپس گیری“ یا ”ابتکار عمل“، موافقت بسیاری از شهروندان دیگر را جلب کرده باشند. آنها این کار را با جمع کردن امضاء های شهروندان در یک عریضه (Petition) انجام می دهند. قانون مقرر نموده است که پیش از اینکه شهروندان بتوانند از قانون ”پس گرفتن“ یا ”ابتکار عمل“ استفاده کنند، باید شرایط و پیش نیازهای مختلفی را فراهم کرده باشند.

این شرایط جدید سعی دارد تا یک موازنه میان سیستم کنونی دولت (سیستم نمایندگی)

(System of Representative Government)، و روش دمکراسی مستقیم (Direct Democracy) که در آن شهروندان مستقیماً در مورد قوانین کشور تصمیم گیری می کنند، بوجود آورد.

منصفانه تقسیم نمی شود. بعضی از افراد پیشنهاد می کنند که نظام دولتی باید به گونه ای اصلاح شود که درصد حمایت شهروندان از کاندیداهای احزاب مختلف سیاسی را بهتر منعکس نماید.

بعضی استان ها، مثل بریتیش کلمبیا، جزیره پرنس ادوارد و انتاریو از طریق همه پرسی از شهروندان خود = راجع به تمایل آنها برای تغییر سیستم برنده با بیشترین رای **(First-past-the-post)** به سیستم دیگری مثل سیستم نمایندگی بر اساس تناسب آرا **(Proportional Representation System)**، آنگونه که در سایر کشورها وجود دارد = سوال کرده اند.

اگر فراهم آوردن شرایط اولیه استفاده از این روش ها مشکل باشد، آنچنان که در بریتیش کلمبیا هست، استفاده مؤثر از این روش ها برای دموکراسی مستقیم بسیار سخت خواهد شد. برخی از مردم این را برای دموکراسی سودمند می دانند و برخی دیگر آن را زیانمند ارزیابی می کنند.

بسیاری انتقادهای دیگر در باره ی ساختار دولت ما وجود دارد. بعضی از مردم فکر می کنند که نوع دولت دموکراتیک ما به اندازه کافی خواسته های رأی دهندگان را منعکس نمی کند.

مثلاً در انتخابات سال **1996** در بریتیش کلمبیا، با اینکه حزب دموکراتیک نوین **(NDP)** **39.5** درصد آراء شهروندان را به دست آورده بود، نامزدهای آن در **52** درصد حوزه های انتخابیه انتخاب شدند و توانستند دولت را تشکیل دهند. در حالی که حزب لیبرال با کسب **32** درصد کل آراء و **44** درصد از کرسی های مجلس قانونگذاری در جایگاه حزب مخالف رسمی قرار گرفت.

در انتخابات فدرال سال **1997**، **38** درصد کانادایی ها به نامزدهای حزب لیبرال رأی دادند در حالیکه **51** درصد کرسی های نمایندگی به آنان اختصاص یافت. در همین انتخابات حزب محافظه کار پیشرو **20** درصد آرا کانادایی ها را به دست آورد در حالیکه تنها **7** درصد نمایندگان را در پارلمان فدرال داشت.

این مثال ها قرائنی برای منتقدینی فراهم می کند که می گویند در نظام دولتی موجود قدرت سیاسی به نحوی

دولت های محلی

شهری بزرگتر بکار می روند. مثلاً شهر ونکوور بزرگ (مترو ونکوور) برنامه ریزی برای دولت های محلی (شهرداری ها) در ناحیه پایین دست بریتیش کلمبیا (لوثرمین لند) را بدین صورت هماهنگ می کند.

برخی دیگر از نواحی منطقه ای (Regional Districts) به دولت های محلی (شهرداری ها) برای انجام وظایفشان در قبال شهرک های کوچک در مناطق روستایی کمک می کنند.

دولت های محلی (شهری) ممکن است تفاوت های مهمی با دولت فدرال و دولت های استانی در زمینه های مختلف داشته باشند.

قانون اساسی به دولت های استانی در مورد مسائل محلی استان اختیار قانونگذاری داده است. استان ها هم قسمتی از اختیاراتشان را به دولت های محلی (Local Governments)، مانند شوراهای شهر (City Councils)، هیأت مدیره پارک ها (Parks Boards) و هیأت مدیره مدارس (School Boards) می دهند تا برای حل مسائلی که به ساکنین محلی شهر یا شهرستان مربوط می شود آئین نامه هایی (by-laws) وضع نمایند.

بضی از استان ها سطح دیگری از اختیارات دولتی ایجاد کرده اند. این سطح دولت ناحیه ای (Regional Governments) نامیده می شود. این دولت جایگاهی میان دولت استانی و دولت شهرداری ها دارد و برای پاسخگویی به نیازهای یک منطقه تشکیل شده است.

دولت های ناحیه ای (منطقه ای) اختیارات محدودی دارند و بیشتر اوقات برای هماهنگ کردن برنامه ریزی ها در نواحی

✓ در دولت های محلی (شهری)، کابینه ای متشکل از اعضای مسئول برای ادارات یا وزارتخانه ها ی مختلف وجود ندارد.

همه اعضاء دولت محلی یا نمایندگان شورای شهر اهمیت برابر دارند، و بیشتر اعضاء شورای شهر در کمیته هایی با مسئولیت های مختلف مثل امور مالی، اداری یا برنامه ریزی انجام وظیفه می نمایند.

✓ روش گزینش رییس دولت محلی (شهردار) متفاوت است.

در انتخابات شوراهای شهر، شهردار بطور جدا از دیگر نمایندگان (شورای شهر) انتخاب می شود. هیات امنای مدارس و هیأت مدیره پارک ها نیز برای اداره مدارس و پارک ها انتخاب می شوند. این اعضا رئیس هیات مدیره را انتخاب می کنند. رئیس هیأت مدیره (مدارس یا پارک ها) مسئولیت هماهنگ کردن، برگزاری، و هدایت جلسات را بر عهده دارد.

✓ نمایندگان منتخب شهروندان ممکن است یکجا (توسط یک لیست)، همانگونه که در ونکوور معمول است، انتخاب شوند.

این بدان معناست که اگر ده کرسی انتخاباتی وجود دارد، ده نامزدی (لیست ده نفره) که بیشترین آراء را به دست آورده اند انتخاب می شوند. اما بسیاری از شهرهای بزرگ مانند تورنتو یا ادمونتون دارای یک نظام بخشی (Wards) هستند. بخش ها شبیه حوزه های انتخابی (Ridings) می باشند. نامزدها برای انتخابات در یک بخش با همان روشی رقابت می کنند که نامزدهای انتخابات استانی یا فدرال در حوزه های انتخاباتی شان.

✓ در انتخابات شهرداری ها، تاکید کمتری بر عضویت یا وابستگی حزبی وجود دارد. اگرچه منتخبین دولت های محلی (شهرداری ها) می توانند عضو حزب سیاسی باشند، ولی برخلاف نمایندگان دولت استان و دولت فدرال، به هنگام تصویب آئین نامه ها و مقررات شهری بر اساس مواضع حزبی رای نمی دهند.

بسیاری از مردم معتقدند روح دموکراسی در دولت های محلی که از دولت های استانی و فدرال کوچکتر اند، زنده تر است. در این سطح از دولت، شهروندان با مسائل آشنا ترند و بطور مستقیم تأثیر تصمیم گیری ها و برنامه های دولت را حس می کنند. بسیاری از شهروندان شرکت در زندگی دموکراتیک و انجام تغییرات واقعی را در سطح دولت محلی آسانتر می یابند.

✓ شورای شهر و هیأت های مدیره (مدارس و پارک ها)، به همان اندازه که به مسائل مطرح شده توسط نمایندگان منتخب مردم پاسخ می دهند، در مقابل درخواست ها و دغدغه های مستقیم شهروندان نیز جوابگو هستند.

یک مزیت اساسی دولت های محلی نسبت به دولت استانی و دولت فدرال این است که شهروندان غالباً قادرند تأثیر مستقیم بیشتری در تعیین محتوای آیین نامه ها و برنامه های دولت محلی (شهری) داشته باشند.

آیین نامه ها و رویه ها در دولت محلی (شهرداری ها) با اکثریت 50 درصدی آراء نمایندگان تصویب می شوند.

بطور کلی، هر عضو شورای شهر یا هیأت مدیره که توسط انتخابات برگزیده شده، پاسخگوی همه شهروندان است. در آن نواحی که انتخابات بخشی (Wards) بوده است، اعضای منتخب، مسئول و نماینده بررسی نیازها و دغدغه های شهروندان بخش انتخاباتی خود می باشند.

در دولت محلی، همانند دولت فدرال و دولت استان، خدمات اجتماعی از سوی کارمندان اداری ارائه می شود که اجرای آیین نامه ها و برنامه های دولت محلی را بر عهده دارند. کارمندان دولتی در دولت محلی، کارمند شهرداری یا کارکنان خدماتی هیأت مدیره ها هستند.

دیوانسالاری (Bureaucracy) بلحاظ ابعاد در دولت محلی، معمولاً کمتر از دیوانسالاری در دولت فدرال و دولت استانی است.

نقش شما در فرآیند سیاسی

دولت دموکراتیک پیچیده است.

برای شما به عنوان یک شهروند فرصت های زیادی برای شرکت در شکل دادن جامعه وجود دارد، این فرصت ها در هر سطح دولت، فدرال، استانی یا دولت شهری وجود دارند. وقتی یک مسأله خاص علاقه و توجه شما را بعنوان یک شهروند جلب می کند، ابتدا باید دریابید که کدام سطح از دولت، اختیار پرداختن به مسأله مورد نظر شما را دارد. در فصل پنجم درمورد اینکه شما چگونه می توانید بنحو مؤثری در تصمیم گیری های دولت تأثیرگذار باشید بحث می کنیم.

آگاهی شما از سیستم سیاسی کانادا مشارکت شما را در زندگی دموکراتیک، بسیار آسانتر خواهد کرد.



فصل 4

حفظ حقوق شهروندی شما

حفظ آزادی ها و حقوق شهروندی شما

کانادا مدافع آزادی ها و حقوق دموکراتیک شهروندان در قانون اساسی و در قوانین دولت فدرال و قوانین دولت استانی است.

حمایت های مختلف از آزادی ها و حقوق شهروندان فقط زمانی موثر خواهند بود که هرگاه معتقد شدیم حقوق مان نقض شده، اقدامی عملی انجام دهیم. دفاع و محافظت از حقوق تان بعنوان یک شهروند، بخشی از تعهد و پابندی دموکراتیک شما می باشد. شما با محافظت از حقوق تان، در واقع به کسان دیگری نیز که به وسیله قوانین ناعادلانه و یا برنامه ها یا روش های نامناسب دولتی آسیب دیده اند، کمک می کنید.

به عنوان شهروندان کشور، اگر فکر می کنیم که حقوق مان نقض شده، می توانیم خواستار اعاده این حقوق شویم. اعاده حقوق راه حلی است که می تواند حقوق تضییع شده شهروندان را احیا کند. اعاده حقوق می تواند شامل موارد زیر باشد: حقوق راه حلی است که می تواند حقوق تضییع شده شهروندان را احیا کند. اعاده حقوق می تواند شامل موارد زیر باشد:

☒ عذرخواهی

☒ تغییر یک قانون یا رویه ناعادلانه

☒ جبران مالی

شهروندان می توانند با شکایت به ادارات دولتی مختلف یا دادگاه های قانونی در پی جبران حقوق خود برآیند.

(The Charter of Rights and Freedoms)

منشور حقوق و آزادی ها

منشور همچنین برای اختیارات دولت جهت دخالت در مهمترین حقوق و آزادی های شهروندان محدودیت هایی ایجاد می کند.

بخشی از مهم ترین آزادی ها و حقوق مندرج در منشور بشرح زیر است:

آزادی های بنیادی (اساسی) (Fundamental Freedoms)

آزادی فکر، باور، نظر و بیان، و آزادی مطبوعات ☒

آزادی وجدان و آزادی ادیان ☒

آزادی انجمن ها و آزادی بر پا داشتن گردهمایی های صلح آمیز ☒

حقوق دموکراتیک (Democratic Rights)

حق رأی دادن ☒

حق انتخاب شدن (بعنوان نماینده شهروندان) ☒

در سال 1982 قانون اساسی کانادا برای گنجاندن منشور حقوق و آزادی های کانادا تغییر کرد. این یکی از مهمترین رویدادهای تاریخ سیاسی معاصر کانادا بوده است. منشور آزادی ها، آزادی های اساسی و مهم ترین حقوق کانادایی ها را برسمیت می شناسد. این منشور استاندارد رفتار موسسات و ادارات و نمایندگی های دولت با شهروندان را تعیین کرده است.



CANADIAN
CHARTER OF RIGHTS
AND FREEDOMS

CHARTRE
CANADIENNE DES DROITS
ET LIBERTÉS



حد و مرز حقوق و آزادی ها

اگرچه این حقوق و آزادی ها بسیار مهم اند، ولی مطلق نیستند. دولت و دادگاه ها می توانند این حقوق و آزادی ها را محدود نمایند، بشرطی که بتوانند مستدل و موجه بودن این محدودیت ها را در یک ”جامعه آزاد و دموکراتیک“ نشان دهند.

قوانین مربوط به سخنان تنفرآمیز (Hate speech laws)

در تلاش برای مبارزه با نژادپرستی، دولت فدرال و بیشتر دولت های استانی با تصویب قانون ”گفتار تنفرآمیز“ محدودیت هایی برای آزادی بیان ایجاد نموده اند. این قوانین حقوق کانادایی ها را در ”گفتن هر آنچه می خواهند“ محدود نموده است.

حق جابجایی (Mobility Rights)

✓ حق ورود به کانادا، ترک کانادا، زندگی و کار در هر بخش از کانادا

حقوق قانونی (Legal Rights)

✓ حق زندگی کردن، حق داشتن آزادی، حق داشتن امنیت فردی

✓ حق برخورداری از دادرسی عادلانه

✓ حق مصونیت از بازرسی بدون دلیل و توقیف غیرعادلانه (اموال)

✓ حق مصونیت از مجازات های ظالمانه و یا تنبیهات غیرمعمول

✓ حق داشتن مترجم به هنگام اقامه دعوی قانونی
(برای کسانی که به زبانی دیگر صحبت می کنند)
حق برابری (Equality Rights)

✓ حق برخورداری یکسان از مواهب قانونی و حمایت قانون از شما بدور از هرگونه تبعیض

منشور آزادی‌ها فقط در موارد قوانین، برنامه‌ها و اقدامات دولت‌های فدرال، استانی، محلی و همچنین ادارات و نمایندگی‌ها و کارمندان دولت بکار می‌رود.

درخواست غرامت از کارفرمای خود استفاده کنند. به دادگاه رفتن: اگر شهروندان فکر کنند که یک قانون یا رویه یا برنامه دولتی ناقض آزادی‌ها و حقوقی است که منشور به آنان اعطا کرده، می‌توانند از دادگاه خواستار اعلام تناقض آن قانون یا رویه با مبانی قانون اساسی شوند. اگر دادگاه درخواست آنان را درست تشخیص دهد، مقرر خواهد داشت که این قانون دیگر در مورد شهروندان به کار برده نشود و یا بنحوی تغییر کند که ناقض منشور نباشد. به هر حال، عملاً رفتن به دادگاه برای بکارگیری منشور حقوق و آزادی‌ها برای اعاده حقوق روش بسیار گران و وقت‌گیری است.

منشور در مورد اقدامات و برنامه‌های سازمان‌های غیردولتی مانند کارفرمایان بخش خصوصی که جزء دولت نیستند، کاربردی ندارد. تشخیص این موضوع برای بسیاری از شهروندان کانادایی دشوار است. آزمایش اعتیاد: یک شرکت خصوصی ممکن است تصمیم بگیرد کارمندان را برای استعمال مواد مخدر مورد آزمایش قرار دهد. این کارمندان نمی‌توانند از حمایت منشور برای

قانون جزایی (کیفری) (Criminal Code)

در کانادا ما سعی می کنیم از بکار گیری قانون کیفری (جزایی) برای رفتارهایی که اخلاقاً خطا می باشد استفاده نکنیم. این خویشتنداری پایبندی ما را به اختیار و آزادی نشان می دهد.

قانون کیفری (جزایی) قانون فدرالی است که اعمالی را که در جامعه کانادایی جرم شناخته شده اند، توصیف می کند. این قانون کیفر هر جرم و روش رسیدگی در دادگاه برای تصمیم گیری در مورد مقصر بودن یا نبودن شخص متهم را تشریح می نماید.

این قانون با تشریح اعمالی که در کانادا جرم محسوب می شوند، از جامعه محافظت می کند. این قانون جامعه ما را از افراد خطرناکی که مرتکب جرم و جنایت می شوند محافظت می نماید.

این قانون همچنین با مشخص کردن ” شیوه کار دادگاه ها“ به هر شهروند امکان دفاع از خود در صورت متهم شدن به بزهکاری را می دهد. این روش آئین دادرسی (Due process) نامیده می شود.

قانون جزایی همچنین با خودداری از جرم انگاشتن بسیاری از رفتارهایی که مردم آنها را نادرست می پندارند، از حقوق و آزادی های شهروندان حمایت می کند. برای مثال اکثر کانادایی ها زشت گویی یا توهین به دیگران را کاری بسیار ناپسند می دانند، ولی این رفتار جرم نیست (به استثنای وقتی که رفتار شخص تهدید آمیز باشد).

در اینجا خلاصه کوتاهی از روش های خاصی که قانون کیفری برای حفاظت از حقوق و آزادی های شهروندان بکار می برد، آمده است:

✓ در قانون کیفری، هر جرمی به روشنی تعریف شده، بطوری که هر شهروند می تواند بداند چه نوع اعمالی مجرمانه است.

✓ وکلای دعاوی دولتی باید بدون هیچ شک و شبهه و با دلیل ثابت کنند که شخص متهم مرتکب جرم شده است. این معیار مستلزم فراهم آوردن دلایل قانع کننده بسیار محکم است بنحوی که ثابت شود که شخص مرتکب جرم شده است. اگر دولت نتواند این دلایل را فراهم آورد، متهم برای جرم مذکور مقصر محسوب نخواهد بود.

✓ قانون کیفری حداکثر و حداقل مجازات ها را برای بیشتر جرائم تعیین می کند. دادگاه ها حکمی بیشتر یا کمتر از کیفری که در قانون آمده است، تعیین نمی کنند. متهمین حق دارند دفاع کاملی بنمایند. این به معنی این است که شخص متهم می تواند هر دلیل ممکن را برای اثبات بیگناهی خود مطرح کند.

✓ مطابق این قانون، اشخاص متهم حق دارند تا علیه خود شهادت ندهند.

✓ متهمین گاهی حق دارند انتخاب کنند که محاکماتشان شامل هیئت منصفه و یا فقط شامل یک قاضی باشد. هیات منصفه گروهی متشکل از شهروندان است که در مورد مقصر بودن یا بیگناهی متهم تصمیم می گیرند.

✓ متهمان حق دارند به نمایندگی از خودشان وکیل مدافع داشته باشند. متهمی که توان مالی پرداخت حق الوکاله را ندارد ممکن است واجد شرایط برای استفاده از "کمک های قانونی" باشد. این مسئولیت وکیل مدافع و دادگاه است که مطمئن شوند متهم در صورت نیاز از حمایت های قانونی استفاده کرده است.

او را مجازات خواهد کرد.

در بعضی استان ها بجای دادستان این پلیس است که تصمیم می گیرد کسی را متهم به ارتکاب جرم کند یا نکند. البته بهتر است که این تصمیم توسط دادستان ها گرفته شود، چرا که آنها وکلای مجربی هستند. ضمن اینکه پلیس ممکن است از سوی افکار عمومی مردم تحت فشار قرار گیرد تا جهت حل یک قضیه جنایی کسانی را بعنوان متهم معرفی نماید.

رسیدگی به جرائم: اگر فکر می کنید کسی بر علیه شما مرتکب جرم شده، می توانید به پلیس شکایت کنید. وقتی پلیس شکایتی را از یک شهروند دریافت می کند، یا بر اساس شواهد بدست آمده به شخصی ظن ارتکاب جرم می برد، در مورد آنها تحقیق خواهد کرد.

پلیس در صورت بدست آوردن مدارک کافی جهت اقامه دعوا بر علیه کسی که مرتکب جرمی شده است، با دادستان (**Crown Counsel**) در این مورد هماهنگی های

لازم را بعمل خواهد آورد.

دادستان ها در واقع همان وکلای دولت هستند که در دادگاه در جهت اثبات جرم متهم دلیل می آورند.

قبل از رفتن به دادگاه وکلای دولت باید تصمیم بگیرند که برای اثبات جرم مدارک کافی وجود دارد و اینکه اثبات این امر به نفع عامه مردم است. اگر چنین شرایطی فراهم باشد، پلیس بر علیه شخص اتهام وارد می کند، او را دستگیر کرده و به دادگاه می برد. اگر دادگاه بتواند نشان دهد که بر اساس شواهد مستند و بدون تردید، فرد متهم مرتکب جرم شده،

قوانین حقوق بشر

برابری یک حق و ارزش بنیادی در دموکراسی کاناداست

برابری به این معنی است که نیازها و امیدهای همه شهروندان بطور یکسان اهمیت دارند. شهروندان یک حق بنیادی دارند و آن این که دولت - و دیگر شهروندان - با ارزش و احترام یکسان نسبت به آنان رفتار کنند.

ارزش برابری به ما کمک می کند تا بتوانیم استعداد های نهانی مان را در زندگی شکوفا سازیم. این ارزش ما را تشویق می نماید تا مشارکت کاملی در زندگی دموکراتیک داشته باشیم.

علاوه بر تضمین "برابری" در منشور آزادی ها، قوانین فدرال و استانی، وقانون حقوق انسانی هر گونه تبعیض میان شهروندان بر اساس موارد زیر را ممنوع کرده است :

- ☒ نژاد
- ☒ رنگ پوست
- ☒ ملیت و قومیت
- ☒ سن
- ☒ دین
- ☒ خانواده و وضعیت تاهل
- ☒ معلولیت جسمی یا ذهنی
- ☒ جنسیت
- ☒ تمایلات جنسی
- ☒ قوانین حقوق انسانی با منشور آزادی ها متفاوت می باشد. این قوانین هم در مورد ادارات دولتی و هم در مورد بخش خصوصی (کارفرمایان، مالکان خانه ها، سازمان ها و افراد غیر دولتی) اعمال می گردد.

شده است (مثلاً در مورد شغل درخواستی شما)

☒ دستور جبران هزینه هایی که به دلیل برخورد تبعیض آمیز متحمل شده اید

☒ دستور پرداخت غرامت جهت جبران آسیبی که به شأن و مقام شما بدلیل تبعیض وارد شده است. در بعضی موارد ممکن است به کارفرما دستور داده شود تا برنامه ای برای ارتقاء برابری کارکنان بوجود آورد تا بتوان مطمئن شد که کارکنان دیگری که در محل کار می کنند مشمول تبعیض نخواهند شد.

این قوانین برای حمایت از شما در برابر تبعیض غیرعادلانه در زمانی که شما در جستجوی شغل یا مسکن هستید، یا وقتی که از خدمات عمومی مانند غذا خوردن در رستوران، استفاده می کنید به وجود آمده است.

شکایت کردن: اگر شما فکر می کنید که قربانی تبعیض شده اید، می توانید به دادگاه کمیسیون حقوق بشر کانادا (Canadian Human Rights Commission Tribunal) یا به ادارات های مختلف حقوق بشر استانی مانند دادگاه حقوق بشر (B.C. Human Rights Commission Tribunal) شکایت کنید. این ادارات اختیار تحقیق در مورد شکایت شما را دارند تا برای رفع این تبعیض و جبران آن اقدام کنند. جبران تبعیض های غیرعادلانه شامل موارد زیر است:

☒ دستور پایان دادن به تبعیض

☒ دستور برگرداندن موقعیتی که از شما گرفته

دسترسی به اطلاعات و قوانین حفظ حریم خصوصی شهروندان

در سطح کشور (فدرال) قانون دسترسی شهروندان به اطلاعات، حق اساسی دسترسی آنان = به اطلاعات عمومی که تحت کنترل دولت فدرال است = را فراهم آورده است. این قانون همچنین سیستم جامعی جهت درخواست دسترسی شهروندان به اطلاعات بوجود آورده است.

بیشتر استان ها همچنین قوانینی برای دسترسی شهروندان به اطلاعات دارند. بعنوان مثال، در بریتیش کلمبیا قانون آزادی اطلاعات و حفاظت از حریم خصوصی، به همگان حق تقاضای دریافت اطلاعات تحت کنترل دولت را می دهد.

شهروندان به دلایل زیر نیاز به اطلاعاتی دارند که کنترل (دسترسی به) آن در اختیار دولت است:

✓ اینکه شهروندان بدانند چه انتخاب های دموکراتیکی وجود دارد

✓ و اینکه نمایندگان آنان ناگزیر به پاسخگویی باشند

دولت ها در مورد هر شهروندی حجم عظیمی از اطلاعات در اختیار دارند که هم حساس و هم شخصی می باشد.

بطور کلی اطلاعات باید محافظت شوند. حق دسترسی شهروندان به اطلاعات و حق حفظ حریم خصوصی شان هم در قانون فدرال کانادا و هم در قوانین استانی آمده است.

برای موفق بودن یک دموکراسی،
شهروندان باید هم حق مؤثر
دسترسی به اطلاعات و هم حق
حفظ حریم خصوصی خود را
داشته باشند.

اینکه دولت ها نباید اطلاعات خصوصی ما را در دسترس شهروندان و یا سازمان ها قرار دهند و یا منتشر نمایند، به همین اندازه مهم می باشد.

قانون فدرال که از اطلاعات خصوصی (شخصی) ما که در اختیار دولت فدرال است محافظت می کند به نام قانون حفظ حریم خصوصی (**Privacy Act**) شناخته می شود. بسیاری از استان های دیگر نیز قوانین مشابهی دارند. قانون آزادی اطلاعات و حفاظت از اطلاعات خصوصی افراد

در بریتیش کلمبیا

(Freedom of Information and Protection of Privacy Act)

نیز از حریم خصوصی شهروندان محافظت می کند. علاوه بر موارد فوق، قوانین حفظ حریم خصوصی دیگری نیز وضع شده اند که مقررات لازم جهت جمع آوری و استفاده و علنی کردن اطلاعات شخصی در سازمان های بخش خصوصی را تعیین می نمایند. این قانون در استان بریتیش کلمبیا، قانون حفاظت از اطلاعات شخصی (**Personal Information Protection Act**) نامیده می شود

استثنائات: درمورد این اصول و قوانین مختلف چندین استثناء نیز وجود دارد. مثلا پلیس در هنگام پیگیری یک تحقیق کیفری موجه در باره شهروندان می تواند بدون آگاهی آنها اطلاعات جمع آوری کند. همچنین پلیس می تواند در صورتی که انتشار اطلاعات شهروندان در اجرای قوانین یا تحقیقات پلیس اختلال ایجاد کند، از دسترسی آنها به اطلاعات شخصی شان جلوگیری نماید.

حق دسترسی شهروندان به اطلاعات مطلق نیست. برخی استثنائات در مواردی که دولت دلایل موجهی برای عدم انتشار اطلاعات خاصی داشته باشد، در نظر گرفته می شود. برای مثال، قوانین فدرال و استانی شامل یک مورد استثناء در باره اطلاعاتی است که فقط برای استفاده دولت تهیه شده است.

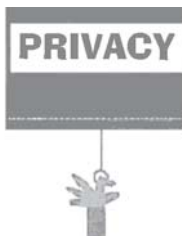
استثنائات دیگر در مورد حق دسترسی شهروندان به اطلاعات شامل موارد زیر است:

☒ اطلاعات راجع به امنیت ملی

☒ اطلاعات راجع به اعمال قانون یا بازجویی و تحقیقات

☒ اطلاعات شخصی شهروندان دیگر
حقوق حریم شخصی (**Privacy Rights**): حفظ حریم شخصی حق اساسی دیگری برای شهروندان در یک دموکراسی است. اگرچه ما باید بتوانیم به اطلاعات مربوط به فعالیت های دولت دسترسی داشته باشیم، دولت نباید بتواند بدون دلیل بسیار موجه اطلاعات خصوصی ما را جمع آوری یا اعمال شخصی ما را تحت نظر قرار دهد

چهار اصل اساسی حفظ حریم خصوصی



✓ دولت یا سازمان ها می توانند اطلاعات شخصی شهروندان را فقط برای اهداف موجهی جمع آوری کنند. مثلاً دولت استانی باید اطلاعات خصوصی شهروندان در مورد وضعیت سلامتی شان را برای ارائه بیمه درمانی جمع آوری نماید.

✓ شهروندان باید پیش از اینکه دولت بتواند به جمع آوری اطلاعات شان بپردازد موافقت خود را با این امر اعلام دارند، و دولت نیز باید دلیل جمع آوری این اطلاعات را به شهروندان توضیح دهد.

✓ اطلاعات شخصی افراد فقط برای اهدافی که جمع آوری شده اند می تواند مورد استفاده قرار گیرد، مگر اینکه شهروند برای استفاده از آن اطلاعات در موارد دیگر هم موافقت خود را اعلام کرده باشد.

✓ شهروندان باید حق دسترسی به اطلاعات شخصی خودشان را داشته باشند. این حق شامل امکان تصحیح اطلاعات شخصی نادرست نیز می شود.

(Office of the Information and Privacy) می

تواند به شما در زمینه مورد نظرتان کمک کند.

این دفاتر نمایندگی اختیاری رسیدگی به اعمال دولت و سازمان های دولتی را دارند. متأسفانه، چه توصیه های مأمور دولت در امور اطلاعات و چه توصیه های مأمور حفظ حریم خصوصی افراد، برای دولت فدرال الزام آور نیستند. ولی دولت استانی در استان بریتیش کلمبیا باید از دستورهای مأمور دولت در امور اطلاعات و مأمور دولت در امور حفظ حریم خصوصی اطاعت نماید.

نمایندگی های دولت (ادارات دولتی) مسئول به اجرا گذاشتن قوانین دسترسی به اطلاعات و حفظ حریم خصوصی افراد می باشند.

از نظر دولت فدرال، شما می توانید با ”مأمورین دولت در امر اطلاعات“
(Information Commissioner)

یا ”مأمور حفظ حریم خصوصی“
(Privacy Commissioner) برای دسترسی به اطلاعات در باره ی ادارات و نمایندگی های دولت فدرال تماس بگیرید. در استان بریتیش کلمبیا یک اداره دولتی هر دو مجموعه اطلاعات را به شما می دهد. ”دفتر اطلاعات و حفظ حریم خصوصی افراد“



قوانین دیگر فدرال و استانی

قوانین دیگر (فدرال و استانی) و آئین نامه های دولت های محلی (شهری) کمتر بطور مستقیم در مورد حمایت از حقوق دموکراتیک و آزادی های ما صحبت می کنند. برخی مثال ها در اینجا آمده است :

بعضی از قوانین به نمایندگی های حکومتی اختیار زیر نظر گرفتن اعمال شهروندان را می دهد. با این حال، همین گونه قوانین به شهروندان اجازه می دهند اقدامات و رفتار کارمندان دولت را مورد سؤال قرار دهند.

پلیس: قانون پلیس در بریتیش کلمبیا (**Police Act in BC**) و قانون پلیس فدرال (**RCMP Act**) ، به پلیس حق اجرای قانون را می دهد. اینچنین قوانینی به شهروندان نیز حق شکایت در مورد رفتار پلیس و حق دریافت پاسخ کافی و موقع به شکایت ها را می دهد. (در فصل پنجم در مورد شکایت از پلیس اطلاعات بیشتری آمده است)

بعضی قوانین بانی تاسیس آژانس های مراقبتی (**chdog-Wat**) خاص شده است. این آژانس ها اقدامات دولت را زیر نظر می گیرند و در بعضی موارد در باره رفتار دولت گزارش های علنی می دهند.

بازرس دولتی مستقل (**The Ombudsman**): دفتر بازرسی دولتی در بریتیش کلمبیا و اونتاریو شکایت

شهروندانی که احساس می کنند نمایندگی ها و ادارات دولتی وابسته به دولت های استانی، نسبت به آنان رفتار غیرمنصفانه ای داشته اند را می پذیرند. بازرس می تواند توصیه هایی به دولت داشته باشد و گزارش های علنی منتشر نماید. (برای داشتن اطلاعات بیشتر در مورد بازرس دولتی مستقل به فصل ششم مراجعه کنید.)

حسابرس عمومی (**Auditor General**): دولت فدرال و بسیاری از دولت های استانی یک حسابرس عمومی دارند که چگونگی اداره نمودن مالیه عمومی را زیر نظر دارد.

توانیم در املاک شخصی مان بسازیم محدود می کند. احترام (**Respect**): قانون ادارات دولت و کارمندان را ملزم می نماید تا با شهروندان با احترام رفتار کنند. احترام چیزی بیش از صرفاً مؤدبانه عمل کردن است. احترام به این معنی است که نمایندگی های دولت بایستی به سرعت به شکایت یک شهروند پاسخ دهند، سئوالات او را جواب دهند، در مورد تصمیماتی که شهروند را تحت تأثیر قرار می دهد توضیح داشته باشند و خط مشی و رویه های دولت را بطور قابل فهم (زبانی که شهروند بخوبی درک می کند) برای شهروند توضیح دهند.

در این فصل ما تنها به بررسی برخی از قوانین محافظ حقوق شهروندان پرداختیم. برای داشتن اطلاعات بیشتر با کتابخانه دادگاه (**Courthouse library**)، دفتر کمک های حقوقی (**Legal aid**)، خدمات وکلای ارجاعی (**lawyer referral services**) و یا سازمان های حمایتی محلی تماس بگیرید.

بخش خصوصی: بعضی از قوانین در برگرنده رفتار شرکت ها در بخش خصوصی (کارفرمایان و سازمان های غیردولتی) می باشد. قانون بانک فدرال (**Federal Bank Act**) از منافع شهروندانی که با بانک ها وارد معامله می شوند محافظت می کند. بیشتر استان ها قوانینی دارند که از منافع مصرف کنندگان در زمان معامله با فروشندگان محافظت می کند. به همین نحو دفاتر اعتباری (**Credit Bureaus**) آژانس های اعتباری (**Credit agencies**) (سازمان هایی که در باره سابقه بازپرداخت وام های اشخاص اطلاعات تهیه می کنند) اغلب توسط قوانین مصوب دولت استانی بنحوی کنترل می شوند تا اطمینان حاصل گردد که این دفاتر اعتباری با شهروندان منصفانه رفتار می کنند.

بازنگری قضائی (**Judicial Review**): قوانین دیگری وجود دارد که به شهروندان حق می دهند تا از دادگاه بخواهند تصمیمات متخذ یک اداره دولتی را که بنحوی زندگی آنان را تحت تأثیر قرار داده، بازنگری نماید. این امر به بازنگری قضایی موسوم است.

قوانین محلی (**Local Laws**): بعضی از قوانین برای کمک به اهداف عمومی جامعه، آزادی ما را محدود می کند. بعنوان مثال آئین نامه های کاربری ناحیه ای (**Zoning By-laws**)، نوع ساختمان هایی را که ما می

به دادگاه رفتن

دسترس تر بودن سیستم قضایی برای عموم مردم، سیستم ”کمک های حقوقی“ را ایجاد کرده اند. کمک های حقوقی سیستم ایست برای ارائه خدمات حقوقی به شهروندانی که توانایی پرداخت پول به وکیل را ندارند. متأسفانه سیستم کمک های حقوقی فقط برای انواع خاصی از موارد قانونی مانند قوانین کیفری و قوانین خانواده قابل استفاده است.

در کانادا، همانطور که قوانین خاصی از حقوق و آزادی های ما به عنوان شهروند حفاظت می کند، یک سیستم قضایی بسیار پیشرفته ای نیز وجود دارد که به شهروندان اجازه می دهد تا برای اعمال حقوق شان به دادگاه مراجعه کنند.

حقوق عرفی (**Common Law**): در طول زمان دستگاه حقوقی ما مقررات مختلفی را توسعه داده است که به کانادایی ها اجازه می دهد برای محافظت از حقوق و منافع شان به دادگاه مراجعه کنند. این قواعد که بیشتر به روابط بین شهروندان مربوط می شود - تا روابط بین دولت و شهروندان - معروف به عرف است. برای مثال، حقوق عرفی (عرف) می تواند از منافع مالی شهروندان و اعتبار آنان و دارایی هایشان محافظت نماید.

کمک های حقوقی (**Legal aid**): رفتن به دادگاه در کانادا خیلی پرهزینه است. عده ای از مردم به سیستم قضایی بخاطر پرهزینه بودن آن انتقاد می کنند. دولت ها برای قابل



نقش شما در محافظت از حقوق مان:
قوانینی که از حقوق شهروندان محافظت می کند فقط در صورتی ارزشمند خواهند بود که شهروندان آنها را جدی گرفته و در موقع لزوم از آن استفاده کنند.

بخش مهمی از تعهد دموکراتیک شما شامل بپاخواستن برای احقاق حقوقتان و کمک خواستن از جامعه در زمانی است که فکر می کنید دولت یا اشخاص با شما یا با دیگران رفتاری غیرعادلانه دارند.

the
people's
law
school



i The People's Law School
website: www.publiclegaled.bc.ca

دادگاه دعاوی جزئی (کم اهمیت) (Small Claims Court)

جهت تسهیل کار شهروندان و امکان رفتن به دادگاه با هزینه کمتر در استان بریتیش کلمبیا یک دادگاه دعاوی جزئی ایجاد شده است. این دادگاه برای حل و فصل مشاجرات شهروندان بدون استفاده از وکیل در نظر گرفته شده است. دادگاه دعاوی جزئی در بریتیش کلمبیا به اقامه دعاوی **25000** (بیست و پنج هزار) دلار یا کمتر اختصاص دارد.

در سرتاسر کانادا برای افرادی که توانایی پرداخت پول وکیل ندارند نمایندگی هایی وجود دارد که خدمات حقوقی رایگان در اختیار می گذارند. برای اطلاعات بیشتر با کانون حقوقی محل زندگی تان تماس بگیرید. برای داشتن این گونه خدمات در استان بریتیش کلمبیا به صفحات پایانی همین کتاب مراجعه نمایید.

همچنین، می توانید برای مشاوره حقوقی با دانشجویان حقوق دانشگاه بریتیش کلمبیا و دانشگاه ویکتوریا تماس بگیرید.

آژانس های دیگری مانند ”مدرسه حقوق مردم“ (I) “**The people's law school**“ ارائه دهنده آموزش عمومی رایگان در باره قانون و حقوق شهروندی در دستگاه قضایی می باشند.



فصل 5

توصیه هایی برای بهبود کارکرد سیستم
سیاسی کانادا

مشارکت در دموکراسی کانادا

دولت و قوانین ما می توانند تأثیر بسیار زیادی در زندگی ما داشته باشند. ممکن است شما فکر کنید که برنامه های دولتی نیاز به تغییر دارند. برای مثال، ممکن است شما قانون مهاجرتی خاصی را غیرمنصفانه بدانید، و یا از نظر شما یک آیین نامه شهرداری نادرست باشد زیرا به شما اجازه می دهد تا آنچه را که می خواهید در ملک شخصی تان انجام دهید.

کانادا فرصت های فراوانی در اختیار شهروندان می گذارد تا برنامه ها و قوانین دولت را با نیازهای خود هماهنگ سازند. رای دادن (**Voting**): نخستین و واضح ترین روش مشارکت در زندگی دموکراتیک رای دادن در زمان انتخابات است. شما با رای دادن بر اینکه چه کسانی نمایندگی تان را در دولت داشته باشند و همچنین بر ماهیت کلی قوانین و برنامه های جدیدی که وضع می شوند تأثیر خواهید گذاشت.

به عنوان یک شهروند جدید کانادایی، شما می توانید در انتخابات فدرال، انتخابات استانی و انتخابات دولت شهری (محلی) رای دهید.

دولت و قوانین ما می توانند تأثیر بسیار زیادی در زندگی ما داشته باشند. ممکن است شما فکر کنید که برنامه های دولتی نیاز به تغییر دارند. برای مثال، ممکن است شما قانون مهاجرتی خاصی را غیرمنصفانه بدانید، و یا از نظر شما یک آیین نامه شهرداری نادرست باشد زیرا به شما اجازه می دهد تا آنچه را که می خواهید در ملک شخصی تان انجام دهید.



روش های دیگر شرکت در زندگی دموکراتیک:

رای دادن تنها یکی از راه های شرکت شما در اداره جامعه است. در فاصله میان انتخابات ها نیز فرصت های زیادی برای شما به عنوان یک شهروند برای ایفا نقش در اداره جامعه وجود دارد.

در واقع، کوشش شما در تأثیرگذاری بر قوانین و برنامه های دولت، در فاصله میان انتخابات ها می تواند مهمترین و مؤثرترین کمک شما برای پیشبرد جامعه ی دموکراتیک کانادا باشد.

احزاب سیاسی (Political Parties): بسیاری از کانادایی ها به حزب های سیاسی می پیوندند. احزاب سیاسی مختلف، فلسفه های سیاسی متفاوتی دارند. بزرگترین حزب های سیاسی کانادا عبارتند از: حزب لیبرال (Liberal Party)، حزب محافظه کار (The Conservative Party of Canada)، حزب دموکرات نوین (The New Democratic Party) و اتحادیه کبکیا (The Bloc Quebecois) و حزب سبزها (Green Party of Canada). بسیاری احزاب های سیاسی دیگر نیز وجود دارند.

شما به عنوان عضو یک حزب سیاسی می توانید بر مواضع آن حزب در رابطه با مسائل مهم اجتماعی تأثیر بگذارید. برای تحقیق بیشتر در باره عضویت در یک حزب سیاسی، می توانید با آن حزب بطور مستقیم تماس بگیرید.

گروه های شهروندی (Citizen's groups): بسیاری دیگر از کانادایی ها جهت مشارکت در زندگی دموکراتیک، به عضویت در یک گروه شهروندی در می آیند. این گروه های شهروندی هر کدام در مسئله خاصی مانند حفظ محیط زیست، کاهش هزینه های دولت و مالیات ها، یا مبارزه علیه فقر فعالیت می نمایند. هزاران گروه شهروندی وجود دارند که فعالیت های خود را بر بسیاری از مسائل مهم اجتماعی متمرکز نموده اند.

پیش از اینکه باقیمانده این فصل را بخوانید مطمئن شوید که با سیستم سیاسی کانادا که در فصل سوم شرح داده شد، آشناییید.

مرکز توجه این فصل مشارکت شهروندان در دموکراسی از طریق گروه های شهروندی یا تلاش های فردی است. در اینجا بعضی روش هایی را که شما می توانید برای شرکت در زندگی دموکراتیک اتخاذ نمایید، آورده ایم:

☒ نامه نوشتن به نماینده پارلمان و یا عضو مجلس قانونگذاری استان و یا نماینده دولت شهری (محلی) حوزه زندگی خود و ملاقات با آنها

☒ تاسیس گروه شهروندی، برای فعالیت در مورد یک موضوع خاص

☒ سازماندهی یا مشارکت در یک تظاهرات عمومی

☒ نوشتن نامه یا مقاله ای که دیدگاه های شما در باره یک مسئله اجتماعی در آن بیان شده باشد، به یک روزنامه ؛ و یا توزیع و انتشاراطلاعات در مورد یک موضوع خاص توسط شما

باقیمانده این فصل چند راهبرد را به همراه جزئیات بیشتر شرح می دهد، و یا مثال های خاصی از افراد و گروه هایی می آورد که از روش های دموکراتیک برای تغییر در جامعه استفاده کرده اند.

یافتن راهکار صحیح

متأسفانه قاعده سحرآمیزی برای مؤثر بودن در زندگی دموکراتیک وجود ندارد. راهکارهای مختلف ممکن است در موقعیت‌های مختلف نتیجه بخش باشند. انتخاب راهکار مناسب می‌تواند به ابعاد تغییری که می‌خواهید بوجود بیاورید و یا به شدت مناقشه‌ای که یک مسئله ایجاد می‌کند یا بسیاری از عوامل دیگر بستگی داشته باشد. کلید موفقیت در دموکراسی انعطاف‌پذیری است. راهکارهای گوناگون را آزمایش کنید و آنهایی را که کارکرد بهتری دارند مورد استفاده قرار دهید.

تجربه ارزشمند است اما ضروری نیست

اگر مشارکت دموکراتیک برایتان امری جدید است، ممکن است برایتان راحت‌تر باشد که از افراد باتجربه در این زمینه‌ها بیاموزید. اما باید بدانید که مشارکت موفق در دموکراسی نیاز به داشتن ”حداقل تجربه“ ندارد.

خودتان را آموزش دهید

این فکر خوبی است که در مورد مسائل بااهمیت در کانادا

خود را آموزش دهید. روزنامه‌ها و مجلات خبری را بخوانید. به اخبار رادیو گوش کنید یا خبرها را از تلویزیون تماشا کنید و یا در جلسات عمومی شهروندان حاضر شوید. با خودآموزی شما قادر خواهید شد نمایندگان بهتری در سطوح مختلف دولت انتخاب کنید، و احتمالاً خواهید توانست به شکل موثرتری خواست‌های‌تان را مطرح نمایید.

آزادی در مشارکت

مشارکت در دموکراسی بدون وجود هیچ خطری برای شهروندان یکی از مطلوب‌ترین خصوصیات زندگی در کانادا است.

هیچ شخصی از دولت یا اداره پلیس یا از شهروندان دیگری نتواند مانع شما در ارائه نظراتتان شود. ممکن است گروهی دیگر از شهروندان با نظرات شما به شدت مخالف باشند، اما آنها نمی‌توانند مانع مطرح شدن نظرات شما شوند.



 Civic Association of Iranian Canadians
in collaboration with CIF, GVC, FEA, IWCS, and UKSC Presents

All Candidates Meeting

انتخابات مجلس فدرال کانادا

Date: 26th Sep 2015 - 2:30 to 5:30 pm

Location: Silver harbor Centre, 144 East 22nd St,
North Vancouver, V7L 4L5

Info: www.civicic.com

جلسه پرسش و پاسخ با کاندیداها
آشنایی با انتخابات در دولت فدرال
آشنایی با کاندیداها ، احزاب و خط مشی آنها

حضور برای عموم آزاد و رایگان می باشد

اتحادیه کوردهای متحد کانادا
United Kurd Society of
Canada

www.civicic.com

✓ از پیشبرد نظراتتان در باره ی چگونگی اداره جامعه، استان یا کشورتان احساس رضایت خواهید کرد.
 انتخاب اینکه چگونه و چه زمانی در زندگی دموکراتیک در کانادا شرکت کنید، به خود شما بستگی دارد. شهروندان مختلف بطور متفاوت عمل می کنند، ولی مشارکت همه آنها بطور یکسان ارزشمند است. شما باید بدانید که بسیاری از شهروندان در می یابند که مشارکتشان در زندگی دموکراتیک می تواند از خشنودکننده ترین تجربه های شخصی شان باشد.

مشارکت در زندگی دموکراتیک می تواند پرزحمت باشد. در اینجا نکاتی وجود دارد که باید پیش از درگیر شدن کامل در فعالیت برای اصلاح قوانین و برنامه های دولتی بدانها توجه نمایید:

✓ شما مجبور خواهید شد وقت و انرژی زیادی صرف این کوشش ها نمایید. این امر ممکن است موجب اختلال در زندگی شخصی شما گردد.
 ✓ شما ممکن است دریابید که انجام یک پروژه، چند ماه یا چند سال طول خواهد کشید.

✓ ممکن است شما بطور گسترده ای توجه عمومی را به خود جلب کنید، اما در صورت مخالفت شهروندان با نقطه نظرات شما، این امر می تواند نتیجه ی منفی برایتان در بر داشته باشد.

✓ تلاش های شما برای ایجاد تغییر ممکن است به نتیجه نرسد.

اما نکته مثبت این است که، موفق شوید یا نه، احتمالا متوجه خواهید شد که :

✓ آگاهی مردم را در مورد مسئله ای مهم بالا برده و امکان ایجاد تغییرات دلخواهتان را بیشتر کرده اید.

✓ در داخل و خارج جامعه ای که در آن زندگی می کنید احترام مردم را به دست آورده اید و دوستان جدیدی نیز پیدا کرده اید.

✓ در زمینه چگونگی کارکرد دموکراسی و نحوه کار سازمانهای شهروندی مطالب بسیاری آموخته اید.

که ممکن است در مسئله مورد نظر شما ذینفع باشند، پیش ببرید.

تماس گرفتن و مطرح کردن موضوع با افراد جامعه خودتان که صاحب نفوذ هستند نیز ممکن است مفید باشد. شما می‌توانید توصیه آنها، حمایت آنها و نام اشخاص مهم دیگری که ممکن است از برنامه شما پشتیبانی کنند را از آنها درخواست نمایید.

اگر شما همه این کارها را انجام داده اید ولی هنوز حمایت قابل توجهی برای برنامه مورد نظرتان به دست نیاورده‌اید، ایده خود را بازبینی کنید. از خود پرسید که آیا ارزش دارد تلاش هایتان را ادامه دهید؟ اصولاً مسائل بحث انگیز جامعه، برای مطرح شدن و کسب حمایت مردمی تلاش زیاد و سازماندهی گسترده‌ای نیاز دارند. بدون حمایت بخشی از جامعه، شما احتمالاً مبارزه‌ای دشوار و طولانی برای ایجاد تغییر مؤثر در پیش دارید.

ولی بدانید، هنوز هم یک شخص به تنهایی می‌تواند تغییراتی ایجاد کند. تاریخ کانادا سرشار از نمونه‌ی اصلاحاتی است که با تلاش‌های یک نفره یک شخص فداکار شروع شد. در حاکمیت دموکراسی یک شخص می‌تواند منشأ تغییر باشد اما لازم است شما در مورد امکان موفقیت خود واقع‌گرا باشید.

سازماندهی برای انجام یک فعالیت سیاسی

کسب حمایت مردمی: هرچه شما حمایت مردمی بیشتری در مورد موضوع مطرح شده داشته باشید، احتمال اینکه نمایندگان منتخب به شما گوش کنند بیشتر است. اگر پی‌بردید که مستقلاً قادر نیستید تأثیری بر سیاست عمومی بگذارید برای یافتن متحدین بیشتری که با شما هم فکر باشند، بیشتر جستجو کنید.

جستجو برای یافتن گروه‌های شهروندی: ببینید که آیا گروهی دیگر در جامعه، استان، یا جای دیگری در کانادا وجود دارد که بر روی مسئله مورد نظر شما مشغول کار باشد. اگر چنین گروهی را یافتید، اعضای آن می‌توانند در مورد چگونگی کمک شما به پیشبرد آن امر راهنمایی‌تان کنند.

جستجو برای یافتن دیگر شهروندان: اگر چنین گروهی را پیدا نکردید، با شهروندان دیگری که مسئله مورد توجه‌شان مشابه مسئله شماست، تماس بگیرید. شما می‌توانید این کار را با قرار دادن یک آگهی در روزنامه‌های محلی و یا روزنامه‌های جامعه، یا با جستجو در اینترنت، قرار دادن پوسترهایی در مراکز گردهمایی‌های اجتماعی یا از طریق تماس با گروه‌های شهروندی

یک نمونه از اشخاصی که به تنهایی تغییر ایجاد کردند

هیل شروع شد ولی امروز یک شعبه مرکزی در تورنتو و دفاتری در سراسر دنیا دارد. این گروه امروز به نام **“We Charity”** نامیده می شود. تحت رهبری کیلبورگر، “کودکان را آزاد کنید” و داوطلبانش بیش از چهار هزار و پانصد دبستان ساخته اند که آموزش روزانه بیش از پانصد و چهل هزار کودک را ممکن نموده است. با درک اهمیت توسعه توانائی های “رهبری” در توانمندسازی جوانان، کیلبورگر به تاسیس “رهبران امروز” (**Leaders Today**) در سال 1999 همت گمارد. “رهبران امروز” افراد جوان را از طریق آموزش شیوه های رهبری، با حمایت مشوقانه و ایجاد ابزار برای بوجود آوردن تحول مثبت اجتماعی، قدرتمند می کند. این سازمان از طریق فراهم آوردن تجربیات آموزشی محلی و بین المللی سالانه به بیش از سیصد و پنجاه هزار جوان خدمات آموزشی ارائه می دهد.



کرگ کیلبورگر (**Craig Kielburger**) یک مدافع

حقوق بشerkودکان و یک متخصص امور راهبری است. او همچنین یک نویسنده برنده جوایز مختلف و یک سخنران مشهور است. در بیستم فوریه 2007 فرماندار کل کانادا او را بعنوان شهروند برنده “نشان دستور کانادا” (**Order of Canada**) انتخاب کرد.

وقتی کرگ کیلبورگر 12 ساله بود با خبردار شدن از قتل “اقبال مسیح” - یک کارگر خردسال که به یک فعال حقوق کودکان تبدیل شد - دچار تکان روحی شده. او بنیاد “کودکان را آزاد کنید” (**Free the Children**) را تاسیس کرد. این گروه علاقمند به اقدام و مصمم به کمک به رهایی کودکان از ضعف، بهره کشی و فقر بود. این تشکل از گروهی کوچک از همکلاسی ها در تورن

سازماندهی مؤثر

تبلیغات گروه: تبلیغ در مورد فعالیت های گروه تان برای اصلاح یک قانون یا برنامه دولتی نقش مهمی دارد. تبلیغ کردن نه تنها اعضای جدیدی را به شما جلب خواهد کرد، بلکه به سیاستمداران هم هشدار خواهد داد که در جامعه آنها مسئله ای وجود دارد که باید به آن پاسخ دهند. اعضای پارلمان فدرال، اعضای مجلس های قانونگذاری استانی و نمایندگان دولت های شهری (محلی) معمولاً زمانی که مسائل مورد توجه وسیع رسانه های گروهی قرار گیرند بیشتر پاسخ گو خواهند بود.

جلسات عمومی (با حضور مردم): جلسات عمومی برای کمک به تبلیغ فعالیت های گروهی شما و جمع آوری پول برای انجام فعالیت های تان در جامعه نقش موثری دارند. برگزاری جلسات خوب، همیشه نیازمند هماهنگی ها و تخصیص وقت زیادی خواهد بود.

گروه های شهروندی موفق گروههایی هستند که بخوبی سازماندهی شده اند. چه عضو یک گروه موجود شوید و چه بخواهید گروه خودتان را شروع کنید، مهم این است که گروه به نحو مؤثری کار کند. در اینجا پیشنهادهایی برای سازماندهی یک گروه موفق داریم:

سازماندهی گروه: یک گروه شهروندی به این دلیل می تواند موفق شود که اعضای آن فعالیت های خاصی که در جهت اهداف گروه هست را دنبال می کنند. هر عضو باید وظیفه خاصی داشته باشد. همیشه در گروه یک نفر باید مسئول نظارت بر کار بقیه اعضا باشد تا اطمینان حاصل گردد که اعضاء گروه کارشان را انجام می دهند. در گروه باید افرادی مسئول هماهنگی و برگزاری جلسات باشند، دیگر اعضا باید روی تبلیغات و جمع آوری پول برای فعالیت های گروه کار کنند.

جلسات گروه: جلسات گروه شهروندی قسمت مهمی از فعالیت های یک گروه شهروندی می باشند. هر گروه (و هر جلسه) شهروندی باید یک مسئول برای پیشبرد جلسات داشته باشد و دستور جلسات (لیست موضوعات مورد بحث) را فراهم آورد. رئیس جلسه باید اطمینان حاصل نماید که جلسات موثر و کارا است (زیاد طولانی نباشد) و همه اعضای که در جلسه حاضر می شوند برای مشارکت در بحث ها احساس راحتی می کنند.

تظاهرات عمومی

یک مورد تظاهرات به ندرت می تواند دولت را به تغییر نظرش مجبور نماید. اما مجموعه ای از تظاهرات عمومی، بویژه اگر در زمان های مناسب انجام شوند و بطور صحیح سازماندهی شده باشند، می تواند توجه مردم را به مسائل مورد علاقه گروه شهروندی جلب کند. اعتراضات عمومی موفق می توانند دولت را وادار به تجدید نظر کنند، و احتمالاً موجبات تغییر قوانین و برنامه های آن را فراهم آورند.

تظاهرات عمومی می تواند یکی از روش های بسیار مؤثر برای تحت فشار قرار دادن دولت برای انجام آنچه نمی خواهد انجام دهد، باشد. اگر تظاهرات خشونت آمیز نباشد و تظاهرکنندگان قانون شکنی نکنند احتمال اینکه مردم از آن حمایت کنند بیشتر است. کانادایی ها تاریخی طولانی در زمینه استفاده از تظاهرات عمومی برای ابراز نگرانی هایشان در مورد رفتار دولت و درخواست تغییرات دارند.



استفاده از احزاب مخالف (Using Opposition Parties)

بطور معمول، احزاب اپوزیسیون (مخالف)، چون کارشان انتقاد کردن از دولت است، دوست گروه های شهروندی هستند. این احزاب با دقت به گروه های شهروندی که خواهان ایجاد تغییرات هستند گوش فرا می دهند. گروه شما می تواند از احزاب مخالف استفاده کند تا مسائل مورد علاقه تان را در معرض توجه دولت، رسانه های گروهی و شهروندان دیگر قرار دهد.

در این موارد می توانید با یک عضو حزب مخالف در پارلمان فدرال یا مجلس قانونگذاری استانی تماس بگیرید یا حتی می توانید با عضو عالیرتبه حزب بطور مستقیم تماس برقرار کنید. احزاب مخالف اغلب اعضای دارند که منتقدین حزب مخالف (Opposition critics) نامیده می شود. این نمایندگان حزب اپوزیسیون دولت بطور مستقیم مسئول پاسخگویی و اظهار نظر در مورد مسائل مربوط به وزارتخانه های معین دولت می باشند.

استفاده از رسانه های گروهی (Using the Media)

رسانه های گروهی میتوانند بهترین بار یک گروه شهروندی باشند. رسانه ها در کانادا بسیار تاثیرگذارند. گزارش ها در تلویزیون و رادیو و روزنامه ها و مقالات مجله ها می توانند مسائل مورد علاقه شما را در معرض توجه سایر شهروندان و نمایندگان منتخب مردم قرار دهند. رسانه های گروهی اغلب برای یافتن و گزارش کردن موضوعات تازه و جالب با گروه های شهروندی تماس می گیرند.

گروه شما باید برای تماس با رسانه های گروهی طرح مشخص داشته باشد. برای مثال برای ایجاد ارتباط موثر با رسانه ها، بسیاری از گروه ها یک یا دو نفر را به عنوان سخنگو انتخاب می کنند. (سخنگو کسی است که به نمایندگی از سوی گروه سخن می گوید و اطمینان حاصل می نماید که رسانه ها از فعالیت های گروه مطلع می گردند.)



تماس با اشخاص مناسب

با چه کسی باید تماس گرفت

تماس با افراد مناسب و شایسته برای موفقیت در ایجاد تغییرات در قوانین و برنامه های دولت مهم خواهد بود.

دسترسی به دولت

بعضی مواقع، حتی اگر موفق به جلب توجه رسانه های گروهی و حزب مخالف به موضوع مورد نظرتان هم شده باشید، لازم است که گروه تان با یک عضو عالیرتبه دولت تماس بگیرد. در این موارد با وزیر یا معاون وزیری که مسئول اداره مربوطه می باشد، تماس بگیرید.

همچنین ممکن است شما خواستار تماس گرفتن با سایر وزیرانی باشید که می توانند پشتیبانان باارزشی برای شما باشند. در صفحات بعدی این راهنما اطلاعاتی در باره ی تماس گرفتن با افراد مناسب در دولت آمده است. شما هر قدر هم که حمایت عمومی برای موضع تان جلب کرده باشید، هنوز باید بتوانید دولت را برای ایجاد تغییرات متقاعد نمایید. بعنوان یک قاعده کلی، شما باید با یک شخص بانفوذ که اختیار ارائه پیشنهاد برای تغییرات را دارد تماس بگیرید.

برای یافتن بهترین شخص برای برقراری تماس، با یک نفر که در آن سازمان کار می کند صحبت کنید یا با کسی که راجع به این سازمان اطلاعات کافی دارد مشورت نمایید. شما می توانید به سادگی و تنها با تماس تلفنی با آن سازمان فعالیت خود را شروع کنید، صفحه های آبی کتاب راهنمای تلفن (Blue pages) در این مورد راهنمای خوبی هستند. همچنین می توانید با کمی پرس و جو در کتابخانه محله تان یا در اینترنت بهترین شخص برای تماس در این مورد

را بیابید.

معمولا وزیر کابینه یا معاون وزیر مسئول در مورد موضوع مورد نظر، بیشترین توانایی تاثیرگذاری بر قانونگذاری و برنامه های دولت را دارند. متاسفانه بطور معمول هماهنگ نمودن یک ملاقات با آنها مشکل است.

بدست آوردن حمایت برای هدف تان در فضای دموکراتیک بعضی اشخاص و سازمان ها بخاطر تجربه و خردمندی شان مورد احترام قرار می گیرند، البته این بدان معنی نیست که همگان همیشه پذیرای نظرات آنها باشند، اما ما همواره تمایل داریم که آنچه آنها برای گفتن دارند گوش بسپاریم.

قبل از آنکه با مأمور رسمی دولت تماس بگیرید، بهتر است خواستار حمایت اشخاص برجسته یا سازمان های معتبری که با پیشنهاد شما برای تغییر موافقت کنند شوید. چنین حمایتی بخصوص از طرفی اشخاص و گروه هایی که آن قانون یا سیاست گذاری تأثیری بر آنها ندارد سودمندتر می باشد. این چنین حامیانی قضاوت هایشان بیطرفانه تر تلقی خواهند شد.

بیشتر اوقات تماس گرفتن با عضو پارلمان (فدرال) و یا عضو مجلس قانونگذاری (استانی) حوزه سکونت تان سودمند است. شما می توانید مسائل مورد علاقه تان را یا به وسیله نامه یا در ملاقات حضوری در معرض توجه عضو پارلمان یا عضو مجلس قانونگذاری قرار دهید. ملاقات با نماینده انتخابی محل زندگی تان معمولاً بسیار آسانتر از ملاقات با یک وزیر دولت است. امکان دارد شما قبل از تماس گرفتن با وزیر یا معاون وزیر خواستار بدست آوردن حمایت عضو پارلمان یا عضو مجلس قانونگذاری شوید. عضو مجلس قانونگذاری یا عضو پارلمان ممکن است مستقیماً در دولت نفوذ داشته باشد.

برای مسائل دولت شهری (محلی)، گرفتن یک ملاقات از نماینده ی انتخابی شهری (محلی) معمولاً آسانتر است. با هر سطحی از دولت و هر نماینده ای که موضوع مورد علاقه تان را در میان می گذارید، کلید موفقیت اینست که تشخیص دهید چه کسی بیشترین دلسوزی را نشان خواهد داد، همیشه سعی کنید اول با آن شخص تماس بگیرید. در بسیاری موارد ممکن است تشخیص دهید که یک کارمند دولتی دلسوزتر از یک سیاستمدار، در مورد مسئله مورد علاقه تان، با شما همکاری می نماید.

چگونه تماس بگیرید

درخواست ملاقات با مسئولان رسمی دولتی: برای گرفتن وقت ملاقات حضوری، معمولاً باید یک درخواست کتبی بفرستید. در نامه درخواست آنچه را که فکر می کنید در قانون یا برنامه دولت نامناسب است و روشی که می توان آن قانون را تغییر داد، شرح دهید. در اینجا به چند رهنمود برای نوشتن اینگونه نامه ها اشاره می کنیم:

✓ اولاً شما باید آن قانون یا برنامه دولتی را بدانید. برای این کار یک کپی از قانون مزبور را در دسترس داشته باشید. همچنین بدانید که آن قانون یا برنامه چگونه بوسیله کارمندان دولت به اجرا در می آید.

✓ روش درخواست شما، همیشه می باید رسمی باشد.

✓ بروشنی اصل یا ارزش کاندائی را که فکر می کنید، توسط اجرا این قانون آسیب می بیند، تشریح نمائید. برای بازبینی دوباره درخواست تان، ارزش های اساسی دموکراسی کاندائی را که در فصل دوم آمده است مرور کنید.

✓ اگر می توانید مثال هایی از نتایج نامطلوبی که اجرای قانون یا برنامه دولتی مزبور داشته است ارائه دهید.

✓ اگر می توانید مثال هایی از دولت های دیگری که روش پیشنهادی شما را بکار برده اند، داشته باشید.

✓ هر گونه نامه حمایتی شهروندان دیگر را به درخواست تان ضمیمه نمائید.

✓ و نهایتاً، درخواست نمائید تا به نامه شما پاسخ داده شود.

اگر توانستید ملاقات با نماینده دولت را هماهنگ کنید، اطمینان حاصل نمائید که لیست افراد حاضر در جلسه را به اطلاع نماینده دولت رسانده اید.

در طول جلسه، برای تغییر قانون یا برنامه دولتی دلایلتان را مؤدبانه، مستدل و بدون هیچ تزلزلی ارائه دهید. وقتی طرح پیشنهادی خود را ارائه می دهید، مشابه همان رهنمودهایی که در مورد نوشتن نامه بکار بردید را در اینجا رعایت کنید.

پیگیری کردن

نامه ای دیگر بنویسید. همیشه بعد از یک جلسه با مسئول دولتی که با او ملاقات کرده اید نامه ای نوشته و آنچه را در جلسه اتفاق افتاد بار دیگر مرور کنید. این نامه به هر دو طرف این فرصت را می دهد تا انتظارات و ارتباطات خود را روشن نمایند. این نامه همچنین یک سابقه کتبی از جلسه بوجود ایجاد خواهد کرد.

کند، از مردم نظرخواهی می کند. تغییر دموکراتیک می تواند جریان بسیار کندی باشد. حتی اگر دولت موافق تغییرات باشد عملی کردن این تغییرات زمان زیادی می برد. وضع یا تغییر قوانین فقط وقتی صورت می گیرد که جلسات پارلمان، مجلس قانونگذاری یا دولت شهری بطور رسمی برقرار باشد. این جلسات یک یا دو دوره کاری در هر سال را شامل می شوند. برای شرکت در زندگی دموکراتیک شما به صبر و پشتکار نیاز دارید.

اگر پاسخی نباشد: دریافت پاسخ از مسئولین دولتی ممکن است حتی چند ماه به طول انجامد. اگر پس از این مدت شما جوابی نگرفتید، با نوشتن یک نامه کوتاه، نامه یا جلسه قبلی را به مسئول مربوطه یادآوری نموده و درخواست پاسخ نمایید.

اگر پاسخ مثبتی وجود داشت: اگر دولت پاسخ داد و تغییر در قانون یا برنامه را قبول کرد، باید به شما تبریک گفت! متقاعد نمودن دولت به ایجاد تغییرات در قوانین و برنامه ها دشوار است و وقت زیادی می برد، بنا براین اگر پاسخ مثبتی دریافت کردید، شما کارتان را بخوبی انجام داده اید. یک نامه سپاسگزاری بنویسید: نوشتن نامه سپاسگزاری برای مسئولان دولتی و تشکر از اینکه به درخواست شما پاسخ مثبت داده اند را فراموش نکنید. ضمناً سوال کنید که این تغییرات چه زمانی اعمال خواهد شد. موافقت با ایجاد تغییر یک موضوع است و انجام آن موضوعی دیگر. زیر نظر گرفتن اقدام دولت: اگر شما پاسخی از دولت دریافت نکردید، در نوشتن نامه ای دیگر تأخیر نکنید، تا زمانی که تغییر ایجاد شود یا اینکه متقاعد شوید که قرار نیست کاری انجام شود. در واقع اعمال فشار به دولت برای ایجاد تغییرات زمان زیادی می برد. بیشتر اوقات متقاعد کردن دولت برای ایجاد تغییر بیش از یک بار نامه نگاری و یا برگزاری یک جلسه وقت خواهد گرفت. در برخی موارد، دولت برای تغییر یک قانون یا برنامه دولتی و اینکه این قانون یا برنامه چگونه باید تغییر

وقتی سیاست های دیگر شکست می خورند

شما یا گروه تان ممکن است با نوشتن نامه، ملاقات با دولت یا روش های دیگر به موفقیتی دست نیابید، اما باور اینکه یک قانون یا برنامه دولت نیاز به تغییر دارد را ادامه دهید. دلایل متعددی می تواند وجود داشته باشد برای اینکه دولت تغییر در قانون یا برنامه هایش را قبول نکند:

☒ شهروندان دیگر، که آنها نیز ممکن است دولت را برای تغییر ندادن قانون تحت فشار قرار دهند.

☒ کارمندان عالیرتبه دولتی ممکن است به دولت توصیه کنند که تغییری در قانون ایجاد نکند.

☒ تغییرات ممکن است مخالف اصول حزب حاکم و منافع طرفداران حزب حاکم باشد. اگر شما متعهد به تغییر باقی بمانید، ممکن است بتوانید با فشار آوردن به دولت، آن را مجبور نمایید تا آنچه را مایل نیست، انجام دهد. اولین روش فشار آوردن به دولت برای ایجاد تغییرات، کشاندن دولت به دادگاه است.

به دادگاه بردن دولت: اگر شما مشاوره حقوقی داشته باشید که بتواند نشان دهد که قانون یا برنامه خاص دولتی ممکن است به شکلی اصول شناخته شده حقوق کاندایی

مثل عدالت را نقض کرده باشد، می توانید به دادگاه کشاندن دولت را مدنظر قرار دهید.

چالش های منشور آزادی ها: بعنوان مثال ممکن است یک حقوقدان به شما اعلام کند که این قانون یا برنامه دولت یکی از حقوق تضمین شده در منشور حقوق و آزادی ها را نقض می کند. به موجب نظام حقوقی کاندایی، شما یا گروهتان ممکن است بتوانید از دادگاه درخواست کنید تا دولت را وادار سازد قانون مزبور را اصلاح نموده و به اصول اساسی یا مبانی منشور آزادی ها احترام بگذارد.

بیشتر در صف بمانید. ثانیاً، وکلای مدافع دولت برای دفاع از دولت می توانند راهبردهای حقوقی متفاوتی در پیش گیرند تا دادگاه بیشتر طول بکشد و منابع شما برای ادامه دعوی به اتهام برسد. نکته دیگر آنکه، حتی اگر شما در دادگاه مرحله پایین تر برنده شوید، دولت می تواند برای بررسی مجدد موضوع از دادگاه مرحله بالاتر پژوهش خواهی کند. بطور خلاصه برای برنده شدن در یک دعوای حقوقی با دولت، قبل از تصمیم گیری برای کشاندن دولت به دادگاه، منابع و شانس برنده شدن تان را بدقت بررسی نمائید.

اشکالات رفتن به دادگاه: روش رفتن به دادگاه برای تغییر قوانین یا برنامه های دولتی اغلب پرهزینه، زمان بر و خسته کننده است.

چالش های دادگاهی بدلیل اینکه گروه مجبور به استخدام وکیل خواهد بود، پرهزینه است. آماده سازی و اقامه دعوای دادگاهی می تواند زمان زیادی طول بکشد. وکلای دستمزدشان ساعتی است و اگر در دعوی محکوم شوید، دادگاه می تواند به گروه شما دستور دهد که هزینه های دادرسی دولت را هم، مثل هزینه های خودتان، بپردازید. در حالیکه دولت برای دفاع از مبارزه برای حفظ قوانین اش (به همان شکلی که هست)، امکانات مالی نامحدود دارد.

برای کاهش هزینه های دادگاهی شما باید در جستجوی وکلای دلسوزی که خدمات قانونی شان را بطور مجانی یا با هزینه کمتری ارائه می دهند، باشید؛ مضافاً اینکه دولت فدرال مقداری ذخیره پولی برای چالش های حقوقی به نام ”برنامه مبارزات دادگاهی“ اختصاص داده است. این بودجه برای کمک به شهروندان برای دفاع حقوقی - در موارد چالش قوانین و برنامه های دولتی با منشور آزادی ها - پیش بینی شده است. برای تحقیق در باره این برنامه و استفاده از این کمک های می توانید با دولت فدرال تماس بگیرید.

رفتن به دادگاه به سه دلیل وقت زیادی می برد و خسته کننده است. اول اینکه، دادگاه ها در کانادا سرشان شلوغ است و گاهی برای رسیدن نوبت دادگاه ممکن است یک سال یا

یک تغییر ایجاد کنیم

هر شهروند روش منحصر بفرد خود را برای شرکت در زندگی دموکراتیک در جامعه پیدا می کند.

بررسی کننده پرونده آسیب دیدگی و یا فوت مزبور- حتی اگر به این نتیجه برسد که پلیس مسئول در این پرونده عملکرد اشتباه یا غیر حرفه ای داشته است - با افسر خاطی بطور جدی برخورد ننماید.

ما (BCCLA) همچنین معتقدیم که مردم به تحقیقات پلیس، بدلیل اینکه منصفانه و مستقل به نظر نمی رسد، اعتماد کافی نخواهند داشت .

انجمن BCCLA برای تغییر سیستم پاسخگویی فعلی پلیس- در موارد منجر به آسیب دیدگی جدی و یا مرگ شخص در بازداشت - روشهای زیر را بکار می گیرد:

☒ نوشتن نامه و ملاقات با وزراء مسئول پلیس

☒ حمایت از بازنگری و ممیزی تحقیقات (داخلی) پلیس در این موارد

☒ ارائه پیشنهاد و ملاقات با مسئولینی که وظیفه بازنگری سیستم های پاسخگویی پلیس را برعهده دارند.

انجمن آزادی های مدنی BC به نام "BCCLA" و موضوع پاسخگو بودن پلیس

پاسخگو بودن (مسئول بودن) پلیس ویژگی مهمی در دموکراسی کشوری مانند کانادا است. پلیس هنگام بازداشت، دستگیری و بازرسی اشخاص حق بکارگیری از زور را دارد، ولی در زمانی که شخص در اختیار پلیس می باشد، اگر شخص آسیب جدی دیده یا فوت کند، پاسخگویی پلیس اهمیت بیشتری پیدا می کند.

انجمن آزادی های مدنی استان بریتیش کلمبیا (BCCLA) باور دارد که اگر شخصی در زمان بازداشت فوت کرده و یا آسیب جدی ببیند، تحقیق در مورد رفتار پلیس باید توسط یک شخص مستقل، بجز افسران پلیس صورت گیرد. در حال حاضر در اینگونه موارد، خود پلیس تحقیقات مربوط به بررسی رفتار ماموران پلیس را انجام می دهد. انجمن BCCLA نگران است که مبادا پلیس

پلیس نفوذ فوق العاده ای در جامعه دارد. سیاستمداران در مقابل تغییرات در روش های پاسخگویی پلیس = در موارد منجر به مرگ یا آسیب دیدگی جدی اشخاص در دست پلیس = مخالفت می کنند. گاهی تغییر قانون می تواند سال ها بطول انجامد. گروه های حامی تغییر یک قانون باید تلاش های پیگیرانه داشته باشند. با صبوری و داشتن هدف ارزشمند، اغلب می توان تغییرات مثبت ایجاد نمود.



عکس مربوط به سیلوا فی، خواهر جرال د چنری، موری مولارد، لیندا بوش، مادر یان بوش و دولورس یانگ، مادر کوین سنت آرنارد در بحث و بررسی "مرگ در زمان بازداشت توسط پلیس" در تریبون آزاد انجمن آزادی های بریتیش کلمبیا در سال 2007

✓ دعوت از رسانه های گروهی و مردم برای شرکت در جلساتی که سخنرانان بانفوذی مثل بازرسان دولتی مستقل (**Ombudsman**) یا خانواده قربانیان صدمه دیده یا به قتل رسیده توسط پلیس در آن حاضر باشند و نیاز به تغییر در سیستم را مورد بحث قرار می دهند.

✓ پخش انتشارات مطبوعاتی و نوشتن مقالاتی در روزنامه ها در حمایت از تغییر سیستم

✓ حمایت و شرکت در تحقیقات قضایی ای که مرگ کسی که در توقیف پلیس بوده است را بررسی می کند. مانند یان بوش (مردی که در سال 2005 از پشت سر توسط **RCMP** مورد هدف قرار گرفت)، فرانک پائول (مردی از اقوام اولیه که وسیله پلیس ونکوور در سال 1998 در یک کوچه رها شده بود) و رابرت ژکانسکی (یک لهستانی که در پی استفاده پلیس **RCMP** از سلاح تیزر در فرودگاه ونکوور فوت کرد).

✓ رفتن به دادگاه برای اطمینان از کارکرد صحیح سازمان های نظارت بر عملکرد پلیس مانند کمیسیون شکایات مردم علیه پلیس (**The Commission for Public Complaints Against the RCMP**).

✓ تشویق عموم شهروندان به نوشتن نامه، ایمیل و فکس زدن = به نخست وزیر دولت فدرال و نخست وزیران استانی و وزیران مسئول پلیس = برای تغییر سیستم.

سیاست های خرید اخلاقی

تشکیل می داده و به تولید ادبیات آموزشی به نفع خرید اخلاقی می پردازد.

در ونکوور در ابتدا تلاش های این گروه برای تشویق این سیاست ها موفقیت آمیز نبود. حتی در شورای شهری که بوسیله گروه ائتلاف انتخاب کنندگان پیشرو (COPE) = حزب سیاسی که معمولاً به این مسائل اهمیت می داد = اداره می شد، علاقه ای برای پیگیری برای این تغییر مشاهده نشد.

اما در میانه این تلاشهای شهروندان برای تغییر، مأمورین آتش نشانی ونکوور کشف کردند که برچسب کت جدید زمستانی شان نشان دهنده تولید آن در کشور برمه می باشد، کشوری که سالهاست با دیکتاتوری نظامی اداره می شود، آزادی های سیاسی وجود ندارد و شهروندان آن در معرض نقض گسترده حقوق بشر هستند.

بسیاری از محصولاتی که در کانادا و ایالات متحده و اروپا ساخته می شد اکنون در کشورهایی که دستمزد بسیار پایین تر و شرایط کاری بدتری دارند ساخته می شوند. در سال های اخیر گروه های زیادی در کانادا، در مورد این استانداردهای پایین تر کاری کارگران و شرایط محیط زیستی بد و تاثیر آن بر روی مردم اظهار نگرانی نموده اند. آنها معتقدند محصولاتی که ما در کانادا می خریم و استفاده می کنیم نباید به فقر، نقض حقوق بشر و یا آسیب وارد نمودن به محیط زیست در سایر کشورها کمک کند.

برای اشاره به این نگرانی، یک هیئت ائتلافی از گروه ها برای متقاعد کردن دولت ها، دانشگاه ها و کالج ها تشکیل شد تا سیاست های خرید اخلاقی (Ethical Purchasing Policies) را اتخاذ نماید. این سیاست ها خرید محصولاتی را تشویق می نماید که در تولید این محصولات استانداردهای کاری منصفانه و شرایط محیط زیستی مناسبی وجود داشته است. این ائتلاف شامل گروه هایی است مانند اکشن نت ورک، ماکویلا (کلمه اسپانیایی برای منطقه آزاد تجاری)، کنگره کارگران کانادایی، آکسفام، سازمان های دانشجویی، گروه های مذهبی و تجاری مثل اتحادیه ون سیتی کردیت و تعاونی موتین اکوپیمنت. نام این ائتلاف “گروه خرید اخلاقی” (BC Ethical Purchasing Group) می باشد. این گروه با سیاستمداران ملاقات هایی داشته، جلسات عمومی

داوطلبانه و نه اجباری باشد. در این زمان اعضای این ائتلاف (BC Ethical Purchasing Group) دوباره متحد شدند تا به شورای شهر برای رعایت اجباری این سیاست فشار وارد آورند.

درست پیش از جلسه شورای شهر برای بحث در مورد پیشنهاد تغییر در اجباری بودن اعمال سیاست خرید اخلاقی - بسیاری از گروه ها و افراد برای اعتراض به این تغییر لیستی را امضاء کردند - نتیجتاً شورای شهر اعلام نمود که اعمال اجباری سیاست خرید اخلاقی را بدون تغییر حفظ خواهد کرد.

این نمونه نشانگر تأثیرات سیاست حمایتی گروههای ائتلافی برای ایجاد یک تغییری باشد. این مورد همچنین نشان می دهد که تا چه اندازه پیگیر بودن و به موقع عمل کردن و یا برگزاری کنفرانس مطبوعاتی در زمان مناسب، می تواند در ایجاد تغییر سیاست یک دولت مهم باشد.

برای مشاهده خط مشی های شهر ونکوور می توانید به لینک

زیر مراجعه کنید

http://vancouver.ca/policy_pdf/AF01401P1.pdf



نقض گسترده حقوق بشر در آنجا توسط حکومتی اعمال می شود که وحشیانه معترضان غیرنظامی را با کشتن و زندانی کردن سرکوب می کند. جالب توجه است که بسیاری از کشورهای غربی مثل کانادا هیچ مبادلات تجاری هم با برمه نداشتند و محصولاتش را نمی خریدند.

این ائتلاف به محض آگاهی از تولید کت ها در برمه یک کنفرانس مطبوعاتی برگزار نمود که بطور گسترده ای پوشش رسانه ای پیدا کرد. بدنبال این حرکت و بخاطر توجه بسیاری از شهروندان، شورای شهر موافقت نمود تا توسط یک گروه اجرایی به "خرید اخلاقی" روی آورده. این هیأت اجرایی حوزه گسترده ای از علاقه مندان و از جمله دست اندرکاران مشاغل تجاری را شامل می شد. این گروه موارد را گزارش و توصیه و پیشنهادهای خود را به شورای شهر اعلام نمودند.

این هیئت پیشنهاد پذیرش هشت اصل بنیادی پیمان های سازمان بین المللی کارگری را ارائه داد و در نتیجه "سیاست خرید اخلاقی و ضوابط رفتاری تهیه کنندگان" شهر ونکوور (The City's Purchasing Policy and Supplier Code of Conduct)

بوجود آمد.

این حرکت به سرعت الگویی برای سایر شهرهای کانادا شد تا برای طراحی سیاست هایشان از آن استفاده کنند. انتخاب این سیاست تاکنون باعث حفظ بهتر منابع پولی و مالی شهر شده است.

مدتی پس از آن، وقتی دولت شهری جدید توسط انجمن غیر حزبی (NPA) - حزبی که بیشتر با دست اندرکاران مشاغل تجاری ارتباط داشت - سر کار آمد، شورای شهر اعلام نمود که ترجیح می دهد اعمال سیاست (خرید اخلاقی)

تلاش برای حفظ محیط زیست

در مورد نگرانی شان توانستند مشوق حضور جمع کثیری از شهروندان - در روز جهانی پرنندگان مهاجر- به این منطقه شوند.

در این برنامه رابرت بیتمن، استاد مشهور حیات وحش، حاضرین را به یک بازدید از منطقه دعوت کرد. در همین زمان، مرکز قانونی محیط زیست دانشگاه ویکتوریا (Environment Law Center at the UVic)، نیز به حمایت از این حرکت شهروندان برخاست. این مرکز سازمانی فعال برای منافع عموم شهروندان، گروه های شهروندی و سازمان های حمایت از حفظ محیط زیست می باشد.



هر کسی که با فِری (کشتی کوچک) به ویکتوریا در بریتیش کلمبیا رفته باشد با قسمت کوچکی از آب که شاخآبه (اینلت) سهیوم (Tsehum Inlet) نامیده می شود آشناست. درست در جنوب پایانه کشتی ها در شوارتس بی (Swartz Bay) در جزیره ونکوور، محلی با زیبایی طبیعی فوق العاده وجود دارد که زیستگاه طبیعی بسیاری مهمی برای عقاب ها، بازها و ماهی خوارها (حواصیل ها) و بیش از 30 گونه از پرنندگان دریایی و پرند ه های ساحلی مهاجر است.

برای محافظت از این زیستگاه طبیعی، کانادا در سال 1931 منطقه حفاظت شده شُل هاربر (Shoal Harbour) را به عنوان بخشی از عهدنامه پرنندگان مهاجر ایجاد کرد. این پیمان، یک توافق نامه بین المللی برای محافظت از پرنندگانی بود که از فراز مرز سراسری میان کانادا و ایالات متحده مهاجرت می کنند.

شاخآبه سهیوم یک اسکله قایق های تفریحی برای توقف قایق ها نیز بود. یک شرکت عمرانی برای توسعه پارکینگ قایق ها و افزودن 75 فضای جدید، طرحی را ارائه داد تا با حفاری در قسمت کم عمق تالاب پروژه خود را عملی سازد.

این طرح عمرانی بطور چشمگیری به محیط زیست حساس پرنندگانی که در منطقه حفاظت شده زندگی می کردند زیان می رساند. شورای شهر با نادیده گرفتن توصیه کمیسیون مشاور محیط زیست با اجرای طرح موافقت کرده بود.

شهروندان محلی در مخالفت با طرح توسعه اسکله قایق های تفریحی تصمیم به اقدام عملی برای ممانعت از اجرای این طرح گرفتند. آنها با نوشتن یک مقاله در روزنامه محلی

تشویق مشارکت

آشنا ساختن مهاجرین کانادایی جدید با سیستم

سیاسی کانادا

بعضی از کانادایی های جدید در انتخابات فدرال و استانی و شهری (محلی) رای نمی دهند. چرا؟

چون بسیاری از آنان نظام سیاسی کانادا را نمی شناسند.

☒ ممکن است اطلاعی از چگونگی کارکرد سیستم

سیاسی کانادا نداشته باشند.

☒ با احزاب سیاسی کانادا و دیدگاه های احزاب

آشنا نباشند.

☒ کاندیداهای یک انتخابات را شناسند و مواضع

آنان را ندانند.

☒ یا شاید هنوز در حال تکمیل یادگیری زبان

انگلیسی هستند و دریافت اطلاعات به زبان انگلیسی در

مورد سیستم سیاسی کانادا برایشان مشکل باشد.

☒ ممکن است بعضی از آنها بخواهند رای بدهند

ولی چون نمی توانند انتخاب آگاهانه ای در مورد کاندیدای

مورد نظر خود داشته باشند، در رای گیری شرکت نمی

کنند.

در جلسه بعدی شورای شهر که قرار بود طرح تغییر کاربری منطقه به تصویب برسد، بسیاری از شهروندان شرکت کرده و نسبت به طرح تغییر کاربری منطقه در مورد توسعه اسکله قایق های تفریحی اعتراض نمودند. یک دانشجوی مرکز حقوقی محیط زیست دانشگاه ویکتوریا هم با انجام یک سخنرانی برای شورای شهر روشن نمود که طرح توسعه مزبور با عدم دریافت مصوبه دولت استانی عملاً از قانون تبعیت نکرده است.

در نتیجه این تلاش ها، شورای شهر تصمیم گرفت که تغییر کاربری این املاک را منتفی اعلام نماید و به این ترتیب زیستگاه طبیعی پرندگان نجات یافت.

این مثال نشان می دهد که چقدر آگاهی عموم مردم در مورد یک مسئله مهم است و چگونه می توان مأمورین دولتی را برای حرکتی مطابق خواسته شهروندان قانع ساخت. همچنین نشان می دهد که چگونه می توان بوسیله رسانه های گروهی، مناسبت های عمومی، حاضر شدن در جلسات دولتی و مساعدت گروه های حمایتی، قوانین را تغییر داده و محیط زیست را حفظ کرد.

با این حال رای دادن یک حق و یک مسئولیت بسیار مهم در دموکراسی می باشد. بعضی گروه ها برای تشویق کانادایی های جدید فعالیت می کنند، مثلا یک گروه حامی مهاجران ممکن است یک جلسه از همه کاندیداها برای اسپانیایی زبانان تشکیل دهد. این گروه باید تاریخ و محل تشکیل جلسه همه کاندیداها (**All-candidates meeting**) (مناظره انتخاباتی) را در روزنامه ها و نشریات جامعه اسپانیایی زبان آگهی کند.

✓ در خاتمه، بعضی از مهاجرین کانادایی های جدید از کشورهایی می آیند که در آنها دموکراسی وجود ندارد. آنها ممکن است در اینجا هم به دولت ها اعتماد نداشته باشند. چون می دانند که مطابق اصول سیستم سیاسی کانادا دولت ها باید در خدمت شهروندان شان باشند نه در خدمت اشخاصی که در مصدر قدرت هستند. وقتی شما موانع فوق را مد نظر قرار دهید می توانید دلیل عدم مشارکت بعضی از کانادایی های جدید در فرآیند انتخابات را درک کنید.



Burnaby All Candidates Meeting,
Provincial Election

آنها باید آگهی های جلسات را در مناطق مهم جامعه امریکای لاتین نشین توزیع نمایند. همچنین باید در جلسه همه کاندیداها سوالات، پاسخ ها و مذاکرات کاندیداها را ترجمه کنند.

این نوع جلسات می تواند خیلی موفقیت آمیز باشد. بسیاری از کانادایی هایی که به زبان دیگری (بجز انگلیسی یا فرانسه) سخن می گویند با حضور در این جلسات می توانند فرصت آموزش در مورد سیاست (در کانادا) و انتخابات را بیابند. این شهروندان ممکن است بعداً این اطلاعات را با خانواده، دوستان و همکاران خود به اشتراک بگذارند.

اینگونه جلسات در جوامع غیرانگلیسی زبان، به شهروندان جدید اطمینان خاطر بیشتری برای شرکت در انتخابات می دهد. این فرصت ها باعث می شود که این شهروندان در انتخابات های بعدی نیز شرکت کنند.



فصل 6

مراجعة به ادارات دولتی

در این قسمت از کتاب راهنما دو نمونه از سازمان هایی را که دارای نظامنامه رسیدگی به شکایات مراجعین هستند، مورد بحث قرار می دهیم:

پلیس (Police) و شرکت بیمه بریتیش کلمبیا (ICBC) (Insurance Cooperation of BC).



به عنوان یک شهروند کانادایی شما با اداره های مختلف دولتی تماس خواهید گرفت. این سازمان ها برای خدمت به شهروندان کانادایی ایجاد شده اند. برای کمک گرفتن از این اداره ها هیچگاه شک به خود راه ندهید.

در صورتیکه بدانید این سازمان ها چگونه کار می کنند، می توانید بطور موثرتری از منابع و کمک آنها استفاده کنید. شما می توانید اطلاعات راجع به این سازمان ها را از راه تجربه شخصی یا با تحقیق بیشتر بدست آورید. برای مثال می توانید با تحقیق و مطالعه در باره این ادارات، یا از طریق تماس با کارمندان آنها اطلاعات کافی در باره ی آنها بدست آورید.

این فصل از کتاب سه اداره دولتی - که احتمالاً شهروندان با آنها سروکار خواهند داشت - را معرفی می کند:

☒ اداره استانداردهای استخدامی

(Employment Standards Branch)

☒ اداره حقوق مالک و مستاجر (مسکونی)

(Residential Tenancy Office)

☒ اداره خدمت به قربانیان (Victim Services)

☒ گاهی ممکن است دریابید که کارمندان یک

اداره دولتی با شما غیرعادلانه رفتار می کنند. اگر چنین اتفاقی برایتان افتاد، حتماً ناخرسندی و نگرانی خود از چنین رفتاری را ابراز نمایید.

بیشتر ادارات دولتی آیین نامه های داخلی در مورد چگونگی شکایت شهروندان از رفتار کارمندانشان دارند.

کارآ ساختن ادارات دولتی کانادا برای شما

ادارات دولتی ما خدمات مهمی در اختیار شهروندان کانادایی می گذارند

این قوانین استانداردهای زیر را تعیین کرده اند:

حداقل دستمزدها ☒

کمک هزینه تعطیلات ☒

پرداخت های اضافه کاری ☒

مقرری مرخصی کسانی که به تازگی مادر شده ☒

اند (که زنان می توانند پیش یا پس از زایمان بگیرند).

این قوانین حتی ممکن است استانداردهایی برای شرایط کاری در صنایع خاصی مانند کار در بخش کشاورزی، کار خانگی یا کار در صنعت پوشاک تعیین کنند.

کانادا از سنتی نیرومند در ارائه برنامه های اجتماعی موثر برای رفع نیازهای شهروندان برخوردار است. این کمک ها می تواند کمک های مالی، پزشکی و یا مشورتی باشد. نمونه های زیر برخی از این ادارات دولتی را - که معمولا مورد استفاده قرار می گیرد و خدماتی که توسط آنها ارائه می شود را - شرح می دهد:

اختلافات میان کارکنان و کارفرمایان : بیشتر کانادایی ها برای یک شرکت یا سازمان کار می کنند
اعضای اتحادیه های صنفی: یک اتحادیه صنفی مجمع رسمی کارکنان در یک محل کار است که بطور قانونی حق مذاکره درباره شرایط کاری کارکنان عضو آن مجمع را دارد. شما اگر عضو یک اتحادیه صنفی هستید و مشکلاتی با کارفرمایان دارید می توانید با نماینده اتحادیه تان برای کمک تماس بگیرید.

کارکنان غیروابسته به اتحادیه های صنفی : بسیاری از ما عضو یک اتحادیه صنفی نیستیم. همه استان ها در کانادا برای کارکنانی که جزو اتحادیه های صنفی نیستند قوانینی دارند که استانداردهای شرایط کاری آنها را تعیین می کند.

مشاجرات مالک و مستاجر

در کانادا خانه ما، چه خانه اجاره ای باشد و یا خانه خود ما، برایمان به شکلی مقدس است. جامعه ما برای مستاجران (کسانی که خانه را اجاره می کنند) و همچنین برای مالکین (کسانی که خانه خود را اجاره می دهند) حقوق مهمی را به رسمیت می شناسد.

هرازگاه یک مستاجر ممکن است با مالک بر سر مسائلی مانند افزایش اجاره بها، تعمیرات یا نگهداری نامناسب و یا بازپرداخت ودیعه خسارت، دچار اختلاف و مشاجره شود. بطور متقابل، یک مالک ممکن است احساس کند که مستاجر به خانه یا آپارتمان اش خسارتی وارد نموده است. گاهی این مشاجرات چنان جدی می شود که ممکن است مالک خواهان بیرون کردن مستاجر شود.

بیشتر استان های کانادا اداراتی دولتی برای حل و فصل مشاجرات به روش صلح آمیز میان مالک و مستاجر، تاسیس کرده اند.

شما ممکن است تشخیص دهید کارفرمایان مطابق قانون با شما رفتار عادلانه ای ندارد. بیشتر استان ها اداراتی برای آموزش و کمک در مورد استانداردهای قانونی اشتغال دارند. در بریتیش کلمبیا کارمندان دفتر استانداردهای اشتغال (**Employment Standards Branch**) در باره حقوق و مسئولیت های کارکنان و کارفرمایان به موجب قانون مشاوره می دهد.

دفتر استانداردهای اشتغال پیشبرد روند حل اختلاف میان کارکنان و کارفرمایان را بر عهده دارد. بر طبق قانون، شما همچنین حق داشتن درخواست یک جلسه رسمی را دارید که در آن بتوانید مدارک دعوی تان بر علیه کارفرما را ارائه دهید. یک داور مستقل دعوی شما را گوش می دهد و در مورد آن تصمیم می گیرد، برای مثال به کارفرما دستور می دهد تا دستمزدهای استحقاقی کارمند / کارگر را بپردازد.

www.labour.gov.bc.ca/esb/



برای تماس با این اداره می توانید صفحات آبی کتاب راهنمای تلفن تان را نگاه کنید.

کمک به قربانیان جرم و جنایت

کانادایی‌ها مفتخرند که در جامعه‌ای زندگی می‌کنند که جرم و جنایت در آن یک استثناء است تا یک امر عادی. با این حال ممکن است روزی شما یا یکی از اعضای خانواده‌تان یا یکی از دوستانتان قربانی جرم و جنایت شوید.

بیشتر استان‌های کانادا برنامه‌هایی به نام “کمک به آسیب دیدگان از جرم و جنایت” (Victim Services Programs) دارند.

این برنامه‌ها برای کمک به افرادی است که بنحوی قربانی جرم و جنایت شده‌اند و با آثار روانی آن دست و پنجه نرم می‌کنند.

در بریتیش کلمبیا “قانون قربانیان جرم و جنایت” (The Victims of Crime Act) برای قربانیان مزبور تاسیس شده و کمک به آنها حقوق و مزایای مختلفی در نظر گرفته است.

برای کسب اطلاعات راجع به این برنامه‌ها می‌توانید با شماره “ارتباط قربانی” (Victim Link) (1-800-563-0808) تماس برقرار نمائید. در مورد قربانیان تجاوزات جنسی، برنامه‌های دیگری بطور خاص وجود دارد.



www.victimlinkbc.ca

در استان بریتیش کلمبیا اداره امور املاک مسکونی استیجاری (The Residential Tenancy Branch)

به آموزش مستاجران و مالکان در مورد حقوق و مسئولیت‌های قانونی‌شان می‌پردازند.

این دفتر همچنین شرایط لازم برای حکمیت را فراهم می‌آورد. حکمیت یک جلسه رسمی است که در آن مستاجر و مالک دلایل‌شان را به یک تصمیم‌گیرنده مستقل ارائه می‌دهند و او در مورد حقوق و تکالیف هر یک از طرفین مشاجره تصمیم می‌گیرد.

www.rto.gov.bc.ca

اگر شما یک طرف درگیر در مناقشه میان مالک و مستاجر باشید، می‌توانید برای گرفتن کمک با این سازمان‌های دولتی تماس بگیرید. شماره تلفن این مراکز را می‌توانید در “صفحه‌های آبی” کتاب راهنمای تلفن بیابید.

بنیادهای دیگری مانند دیوان حقوق بشر استان بریتیش کلمبیا (B.C. Human Rights Tribunal)، به

شهروندان برای حفظ حقوق شان کمک می کنند.

برای بحث در مورد قوانین حقوق بشر می توانید به فصل چهارم مراجعه کنید.

برای استفاده از خدمات این ادارات دولتی هیچگاه به خود تردید راه ندهید. ضمناً برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد هر اداره یا سازمان دولتی می توانید به کتابخانه عمومی محله تان مراجعه نمایید و یا اینکه با آن سازمان مستقیماً تماس بگیرید.

بسیاری از برنامه های خدمات به قربانیان جرم و جنایت از محل هایی در داخل ایستگاه های پلیس محلی ارائه می گردند. این سرویس ها حوزه گسترده ای از خدمات اطلاعاتی و حمایتی را در اختیار قربانیان قرار می دهند. این خدمات توسط بخش ”خدمات به قربانیان جرم و جنایت“ وزارت امنیت عمومی و دادستانی کل کانادا (Ministry of Public Safety and Solicitor General)

تنظیم و ارائه می شوند.

استان بریتیش کلمبیا همچنین قانون جبران آسیب های ناشی از جرم و جنایت (Criminal Compensation Act) برای کمک به قربانیان و خانواده هایشان وضع نموده است. این قانون غرامت مالی برای صدمات جسمی؛ و در شرایط خاص، خسارت مربوط به از دست دادن درآمد را فراهم می کند. سازمان های معرفی شده سه گانه فوق تنها نمونه هایی از بسیاری سازمان های دولتی هستند که به ارائه خدمات به شهروندان مشغول اند.

برای داشتن اطلاعات بیشتر در موارد جبران خسارات جزائی در بریتیش کلمبیا می توانید با دفتر محلی اداره “ایمنی محل کار در بریتیش کلمبیا” (WorkSafeBC) تماس بگیرید. محل این دفاتر را می توانید در کتاب راهنمای تلفن شهری در صفحه های ”کتاب سفید“ (White Pages) بیابید.

به چالش گرفتن تصمیمات یک ادارات دولتی

سیستم های بررسی شکایات برای رسیدگی به موارد زیر بوجود آمده اند:

✓ شکایت در مورد هر تصمیم، عمل و رویه یک اداره دولتی استانی (که در این مورد با بازرس مستقل امور دولت (Ombudsman) تماس می گیرید.)

✓ شکایت در مورد اقدامات تبعیض آمیز توسط هر کس (باید با دیوان حقوق بشر کانادا (B.C. Human Rights Tribunal)) تماس بگیرید.

✓ شکایت در مورد رفتار افسران پلیس (باید با نماینده عالی رتبه دفتر شکایات پلیس (Police Complaint Commissioner) یا نماینده عالی رتبه دفتر شکایت مردم علیه (Commissioner for Public Complaints Against the RCMP) RCMP تماس حاصل کنید).

بعضی اوقات ممکن است احساس کنید یک اداره دولتی با شما رفتار غیرمنصفانه ای داشته است. مثلاً یک اداره یا سازمان دولتی مزایای استحقاقی شما را نداده (مانند مزایای بیمه بیکاری)؛ و یا یک اداره دولتی از شما خواستار ارائه اطلاعاتی یا پرداخت مبلغی به دولت (مانند پرداخت مالیات بر درآمد) شده، که شما فکر می کنید غیرعادلانه است. بطور معمول شما حق درخواست تجدید نظر نسبت به تصمیم آن اداره خواهید داشت. حق درخواست تجدید نظر به معنی "درخواست از شخص دیگری" به جز شخص تصمیم گیرنده اولیه می باشد که از او می خواهید تا تصمیم اولیه متخذ را مجدداً بررسی کند. شما می توانید از آن اداره دولتی مستقیماً بپرسید که آیا شما حق یا اختیار درخواست تجدید نظر در مورد یک تصمیم را دارید یا نه؟ بعضی از اوقات ممکن است فقط به این دلیل که رفتار یک کارمند دولتی بی ادبانه یا غیرمحترمانه بوده است فکر کنید که با شما غیرمنصفانه رفتار شده است. بسیاری از ادارات دولتی سیستمی برای بررسی شکایات دارند که برای پاسخگویی به شهروندانی که نگران رفتار غیرمنصفانه هستند، بوجود آمده است. شما همچنین باید بدانید که بعضی از سازمان های غیردولتی نیز برای مراجعین و مشتری هایشان سیستم بررسی شکایات دارند.

اگر سیستم بررسی شکایات وجود نداشته باشد، معمولاً بهتر است مسئله تان را به اطلاع سرپرست آن کارمند دولتی که شما می خواهید از او شکایت کنید، برسانید.

معمولاً لزومی ندارد برای شکایت کردن از خدمات یک وکیل استفاده کنید. حتی اگر توانایی مالی پرداخت هزینه های آن را داشته باشید، مشاوره حقوقی لزوماً کمکی به شما نخواهد کرد. در واقع حتی ممکن است جریان کار را مشکل تر کند. بعضی اوقات مقامات دولتی ای که ممکن است شخصاً با شما همدلی نشان داده و به نحوی مؤثر به شما کمک کنند، وقتی قرار است با یک وکیل طرف شوند در لای دفاعی فرو رفته و تمایل کمتری به همکاری نشان می دهند.

با این حال، اگر موضوع شکایت خیلی جدی باشد، یک وکیل به شکلی حرفه ای آموزش دیده تا بتواند از حقوق شما دفاع کند و کمک های ارزشمندی در اختیار شما بگذارد.

✓ شکایت در مورد رفتار (نامناسب) اعضای بعضی از حرفه ها مانند پزشکان، وکلا و روانشناسان یا حسابداران (با سازمان حرفه ای مربوطه که امور اعضای خود را تنظیم می نماید - مانند کانون وکلا (Law Society) یا کانون پزشکان و جراحان (College of Physicians and Surgeons) - تماس بگیرید).

✓ شکایت از مندرجات روزنامه شامل ستون نظریات و آگهی ها (با شورای مطبوعات (Press Council B.C.) تماس بگیرید).

✓ شکایت از پخش مطالب رادیو و تلویزیون (با کمیسیون رادیو و تلویزیون کانادا (Canadian Radio and TV Commission) تماس بگیرید).

اگر فکر می کنید که شخصی در موضع قدرت با شما غیرمنصفانه رفتار کرده است، امکان دارد خواستار آن شوید که این موضوع به اطلاع مقامات رسمی مسئول برسد. در این شرایط اولین قدم این خواهد بود که ببینید آیا یک سیستم بررسی شکایات وجود دارد یا خیر.

برای اطلاع در این مورد، می توانید به اداره دولتی مربوطه، دفتر نماینده حوزه انتخاباتی شما در پارلمان فدرال یا مجلس قانونگذاری استانی یا انجمن آزادی های مدنی (BCCLA)، زنگ بزنید یا نامه بنویسید.

سیستم های شکایتی آشنا هستند. آنها می توانند به شما در مورد آنچه مورد نظرتان است راهنمایی کنند. یک نفر از این سازمان ها ممکن است بتواند در این مصاحبه ها، برای شرح دادن روند، شما را همراهی نماید تا اطمینان حاصل نماید که با شما منصفانه رفتار می شود.

در بریتیش کلمبیا سازمان های بسیاری وجود دارد که با شهروندان کاندایی های با پیشینه های خاص کار می کنند. برای داشتن اطلاعات راجع به سازمان های اجتماعی که قادر به کمک به شما هستند، با کتابخانه ی محل تان تماس بگیرید. آنها می توانند یک نسخه راهنمای خدمات اجتماعی محلی - مانند "کتاب قرمز" (Red Book) در ونکوور بزرگ - را در اختیار شما قرار دهند.

محدودیت های زمانی: دریابید که برای شکایت کردن یا پژوهش خواهی محدودیت زمانی وجود دارد یا نه، و اگر اینطور است، اقدام برای شکایت را در همان محدوده زمانی انجام دهید. بیشتر شکایات یا درخواست های تجدیدنظر باید با نامه کتبی تسلیم گردند. شما در این نامه ها باید سه نوع اطلاعات فراهم آورید:

✓ شرح کلی از مسئله یا رفتار خاصی که نسبت به آن شاکی هستید.

✓ شرح رفتار و برخوردهای خاصی که می خواهید در مورد آن بررسی و رسیدگی شود.

✓ شرح نوع پاسخی که رضایت شما را جلب می کند. برای مثال، ممکن است بخواهید آن مأمور رسمی دولت توبیخ شود، یا فقط از شما معذرت خواهی کند. در بعضی موارد ممکن است شما خواستار جبران خسارت مالی نیز بشوید.

ممکن است شما بخاطر رفتاری که با شما شده است بسیار عصبانی و ناراحت باشید. با وجود این، یک نامه متین و مؤدبانه معمولاً بهترین نتیجه را خواهد داشت.

مصاحبه ها: در پاره ای از موارد ممکن است از شما درخواست شود که در یک مصاحبه حضور بهم رسانید، یا اطلاعات بیشتری ارائه نمائید، اگر انجام این کار شما را عصبی می کند، پرسید که آیا می توانید شخص دیگری را برای کمک همراه خود داشته باشید.

همچنین ممکن است برای کمک بخواهید با یک گروه شهروندی تماس بگیرید. بسیاری از گروه های شهروندی با

سیستم های شکایتی دولت

شکایات علیه پلیس

پلیس در کانادا مسئولیت ارائه خدمات به شهروندان و محافظت از آنان را بعهده دارد. نقش پلیس به مورد اجرا گذاشتن قوانین و کمک به شهروندان است و نه اذیت و آزار آنان. برای مهاجران جدید کانادا ممکن است این رفتار با رفتاری که پلیس در کشور قبلی شان می کرده بسیار متفاوت باشد.

کانادایی ها به پلیس قدرت فوق العاده ای مانند داشتن و استفاده از اسلحه، دستگیری مردم، و استفاده از نیروی فیزیکی در مواقع لازم را داده اند.

تجدید نظرخواهی و پژوهش خواهی: سیستم های شکایتی نیزمانند اکثر مؤسسات دموکراتیک نمی توانند بی نقص باشند. شما ممکن است پاسخی را که می خواهید نگیرید، و یا مدت زمانی طولانی برای گرفتن نتیجه صرف کنید. اگر شکایت شما به نتیجه نرسد، معمولاً امکان درخواست تجدید نظر و پژوهش خواهی وجود دارد. اگر شما تصمیم گرفتید که درخواست تجدید نظر (استیناف) کنید به نفع تان خواهد بود تا کمک و همکاری کسی که با فرایند تجدید نظر آشنا ست را داشته باشید. و یا حتی یک وکیل داشته باشید که شما را نمایندگی کند.

اگر دستورالعمل رسمی برای تجدید نظر وجود نداشته باشد و شما بخواهید شکایت تان را پیگیری کنید مجبور خواهید شد که با یک مقام ارشد رسمی دولت بطور مستقیم تماس بگیرید.

حفاظت از خود در برابر اقدامات تلافی جویانه: حرف آخر اینکه، هیچگاه به دلیل ترس از تلافی جویی، از شکایت کردن برای احقاق حق خود پرهیز نکنید. چنین امری بسیار غیرمحمول است.

اگر به هر دلیلی فکر می کنید که مأموران رسمی یک اداره دولتی شما را آزار می دهند یا سعی می کنند بخاطر شکایت تان شما را مجازات کنند، می توانید در این رابطه دست به اقدام بزنید. در چنین موردی فوراً با نماینده پارلمان (فدرال) یا دفتر عضو مجلس قانونگذاری (استان)، یا انجمن آزادی های مدنی تماس بگیرید. شهروندان کانادایی اینگونه رفتار از سوی مأموران دولتی را تحمل نمی کنند.

(Commission for Public Complaints Against the RCMP)

تحويل دهید. در نامه شکایت خود عنوان کنید که شکایت تان بر اساس قانون پلیس (**Police Act**) (برای افسران پلیس شهرداری) و یا قانون پلیس (**RCMP Act**) (برای موارد مربوط به افسران پلیس سلطنتی) می باشد. نوشتن شکایت نامه:

در نامه تان توضیح دهید که به موجب قانون پلیس (**Police Act**) (برای پلیس شهری) یا قانون پلیس (**RCMP Act**) (برای مأموران پلیس **RCMP**) می خواهید شکایت کنید. شما باید اطلاعات زیر را هم اضافه کنید.

☒ زمان و محل وقوع پیشآمد

☒ شرح ماجرا، شامل لیستی از آسیب های وارده به شما

☒ نام/ نامها و یا نشان و شماره های مأمور/ مأموران پلیس درگیر در ماجرا. اگر این اطلاعات را ندارید، در این مورد توضیح دهید.

☒ نام و نشانی و شماره تلفن خودتان و هر یک از شاهدان شما

☒ همچنین توضیح اینکه برای جبران این وضعیت خواستار چیستید.

در کانادا پلیس ها شغلی بسیار دشوار و سنگین دارند. پلیس کانادا شایسته احترام و حمایت شهروندان می باشد. با اینهمه، گاهی ممکن است ما در مورد رفتار نیروی پلیس مان نگرانی هایی داشته باشیم. پلیس همانند نمایندگان منتخب مردم، در برابر شهروندان مسئولیت دارد. برای پاسخگو بودن پلیس در برابر شهروندان، دموکراسی ما سیستم شکایتی بوجود آورده است تا مردم بتوانند نگرانی ها و دغدغه های خود در مورد رفتار و عملکرد پلیس را ابراز دارند.

شکایت در مورد رفتار پلیس

اگر معتقد باشید که پلیس با شما بدرفتاری کرده است، می توانید شکایت کنید. مثلاً در بریتیش کلمبیا برای شکایت از یک مأمور پلیس شهری می توانید شکایت نامه ای به رئیس اداره پلیس (**Chief Constable**) یا دفتر شکایات کمیسیونر پلیس (**Police Complaint Commissioner of B.C.**) بدهید.

برای شکایت از یک مأمور پلیس سلطنتی **RCMP**، می توانید شکایت خود را به افسر فرماندهی قرارگاه پلیس (**Commanding Officer of the Detachment**) و

یادفتر کمیسیونر شکایات مردم علیه **RCMP**

i دفتر کمیسیونر شکایت از پلیس (برای پلیس شهری) (www.opcc.bc.ca)

i دفتر کمیسیون شکایت از پلیس سلطنتی (RCMP) (برای پلیس RCMP) (www.cpc-cpp.gc.ca)

i دفتر انجمن آزادی های مدنی بریتیش کلمبیا (BCCLA) (برای نیروی پلیس از هر نوع) (bccla.org)

شکایات علیه شرکت بیمه بریتیش کلمبیا (ICBC) کاندایی ها می کوشند تا برای کاهش آلودگی هوا، اتکا خود را به اتوموبیل کاهش دهند. در عین حال بسیاری از مردم نیاز دارند تا از اتوموبیل هایشان در زندگی روزمره استفاده کنند. شرکت بیمه ICBC اصلی ترین اداره بیمه است که برای اتوموبیل ها و کامیون ها بیمه تأمین کرده است. شما باید این بیمه را قبل از اینکه رانندگی کنید خریداری نمایید.

برای مثال، ممکن است شما بخواهید تا توضیحی برای رفتار مأمور پلیس داده شود یا از شما عذرخواهی گردد، و یا خواستار توبیخ مأمور پلیس باشید.

رسیدگی به شکایات: پس از دریافت شکایت شما توسط پلیس، احتمالاً در بخش ”تحقیقات داخلی اداره پلیس“ یا توسط یک عضو ارشد نیروی پلیس رسیدگی خواهد شد. ممکن است از شما درخواست شود تا اطلاعات بیشتری ارائه نمائید و یا در یک مصاحبه حضوری شرکت کنید. بطور معمول چند ماه طول می کشد تا شما یک پاسخ کتبی برای شکایت تان دریافت نمائید. اگر از نتیجه شکایت تان قانع نشدید، می توانید در رابطه با تصمیم اتخاذ شده درخواست تجدید نظر بدهید.

سیستم شکایت از پلیس برای تصحیح رفتار پلیس طراحی شده است. این سیستم اصولاً برای جبران خسارت مالی صدمه دیدگان یا کسانی که به شکلی از رفتار پلیس آزار دیده اند، طراحی نشده است. برای استفاده از راه های قانونی دیگر جهت شکایت از پلیس می توانید با یک وکیل صحبت کنید.

انجمن آزادی های مدنی استان بریتیش کلمبیا به کوشش های خود برای اصلاح سیستم شکایتی پلیس ادامه می دهد. مثلاً این انجمن (BCCLA) معتقد است برای رسیدگی به موارد مرگ افرادی که در زمان بازداشت پلیس فوت کرده اند، به جای اینکه خود پلیس رسیدگی کند، باید یک موسسه غیروابسته به نیروهای انتظامی بدان رسیدگی کند. برای اطلاعات بیشتر در مورد چگونگی پیشبرد شکایت از پلیس در استان بریتیش کلمبیا با مراکز زیر تماس حاصل نمائید:

جایی که آیین نامه شکایتی وجود ندارد؛ در کانادا شما می توانید با صدها سازمان دولتی تماس بگیرید. بعضی از موسسات مانند پلیس و **ICBC**، رویه کاملاً مشخصی برای رسیدگی به مسائل مورد توجه شهروندان دارند، با این حال بعضی از سازمان ها هم روش مشخصی برای پیگیری مسائل شهروندان ندارند.

در مراکزی که آیین نامه روشنی برای شکایت کردن نیست، اغلب به عهده ی خودتان است که شکایت خود را پیگیری کرده و در صورت ناراضی بودن از پاسخ های مسئولین و یا کارمندان سطوح پایین، سازمان مربوطه را همچنان زیر فشار بگذارید. معمولاً بهتر است که در ابتدا به مقام بلافاصله بالاتر از کسی که از او شکایت دارید، مراجعه کنید.

اگر به نتیجه نرسیدید، شکایت خود را به مقامی در یک سطح بالاتر ببرید. به بالا رفتن از نردبان اداری چندان ادامه دهید تا سرانجام به بالاترین سطح و مقام در سیستم اداری برسید.

ICBC یک سازمان شبه دولتی (**quasi-governmental agency**) است، این بدان معنی است که اگرچه **ICBC** بوسیله دولت بریتیش کلمبیا ایجاد شده و بودجه دولتی دارد، ولی از درجه بالایی از استقلال برای اداره و پیشبرد برنامه های بیمه برخوردار است.

شکایات: اگر شما در مورد تصمیم یا رفتار کارمندان **ICBC** گله مندید، می توانید به چند روش گله مندی خود را ابراز کنید. برای مثال ممکن است شما از تصمیم ارزیاب (**Claims Adjustor**) بیمه ناراضی باشید، ارزیاب بیمه کارمندی است که بعد از تصادف ماشین تصمیم می گیرد که مقدار خسارت وارده به شما چقدر خواهد بود. در این مورد شما می توانید با مدیر او (**Claims Manager**) راجع به مسئله تان صحبت کنید.

اگر همچنان ناراضی هستید، شیوه هایی وجود دارد که شما می توانید از آنها برای تجدید نظر از تصمیم گرفته شده استفاده کنید. در چنین مواردی می توانید با اداره امور خصوصی و عملکرد عادلانه **ICBC (ICBC's Privacy and Practices Department)** تماس بگیرید. شماره تلفن های این مراکز را می توانید در "صفحات سفید" (**White pages**) راهنمای تلفن محلی تان بیابید.

www.icbc.com/about-icbc/contact-us/Pages/Raising-your-complaints.aspx 

برای اطلاعات بیشتر در این مورد می توانید با دفتر بازرس دولتی تماس بگیرید.

www.ombudsman.bc.ca

وقتی به سازمان های دولتی مراجعه می کنید، می توانید انتظار داشته باشید که کارمندان آنها به شما مساعدت کرده و با شما به احترام برخورد کنند. واقعیت این است که آنها در جایگاهی قرار داده شده اند که به شما شهروندان خدمت کنند. اما زمانیکه کارمندی مغایر وظیفه اش عمل می کند، در مطرح کردن نگرانی و شکایت تان درنگ نکنید چه با استفاده از سیستم شکایتی به صورت رسمی، چه از طریق تماس با سرپرست آن کارمند به صورت غیررسمی. شما عملاً با مطرح کردن نگرانی هایتان مأمور دولتی را پاسخگو کرده اید، این نه فقط برای شما بلکه برای همه شهروندانی که در جامعه دموکراتیک زندگی می کنند، بسیار ارزشمند است.



دفتر بازرس دولتی مستقل

علاوه بر روال شکایت داخلی در داخل سازمان های دولتی خاص، بسیاری از استان ها دارای سازمان های مستقل ویژه ای برای کمک به شهروندانی که دولت با آنان رفتار غیرعادلانه داشته، می باشند.

در بریتیش کلمبیا دفتر بازرس دولتی با شماره تلفن **(1.800.567,3247)** به شکایات شهروندان در مورد ادعای رفتار غیرعادلانه توسط سازمان های دولتی پاسخ می دهد.

بازرس دولتی می تواند رفتار همه سازمان های دولتی و بعضی از سازمان های غیردولتی را بررسی نماید. این سازمان ها شامل:

☒ دانشگاه ها و کالج ها

☒ سازمان های دولتی محلی (دولت های شهری)

☒ سازمان های حرفه ای که وکلا، پزشکان، روانشناسان و دیگران را سازماندهی و بر کارشان نظارت می نمایند.

بازرس دولتی و کارمندان شکایات را دریافت کرده، رسیدگی می نمایند و در صورت مقتضی به آن سازمان دولتی توصیه هایی می کنند. بازرس دولتی تنها زمانی پذیرای شکایت شما خواهد بود که شما قبلاً بطور مستقیم به آن سازمان دولتی شکایت کرده ولیکن از جواب آنها قانع نشده باشید.



فصل 7

برآیند

البته تشریح همه مسائل راجع به شهروندی در دموکراسی ما در این کتاب راهنما ممکن نیست. اما امیدواریم این کتاب شناختی مقدماتی از دموکراسی کانادا و اهمیت مشارکت شما در زندگی دموکراتیک در اختیار قرار دهد.

ما همچنین شما را تشویق می کنیم تا برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد شهروندی کانادا یا مسائل خاص دیگر مورد نیازتان، با یک گروه شهروندی محلی مانند انجمن آزادی های مدنی (BCCLA)، یا یک اداره دولتی یا کتابدار کتابخانه محل زندگی تان تماس بگیرید.

کانادا به تعهد، تلاش و اشتیاق همه شهروندان برای ایجاد جامعه ای هرچه آزادتر و دموکراتیک تر نیاز دارد.

کانادایی ها شما را به پیوستن به جمع خود و کوشش همدلانه برای تثبیت نام نیک کانادا بعنوان یکی از بهترین نقاط زندگی در جهان، دعوت می کنند.

بعنوان یک کانادایی، شما از مزایای شهروندی برخوردارید و مسئولیت های آن را نیز بر عهده دارید. به دلیل تعهد کانادایی ها به ارزش هایی مانند برابری، آزادی بیان و احترام به فرهنگ ها و روش های زندگی، شما از حقوق بسیاری برخوردارید. این ارزش ها هم اکنون بخشی از تعهد شما به جامعه دموکراتیک مان می باشند.

به عنوان یک شهروند، شما مسئولیت های جدیدی برای شرکت در زندگی دموکراتیک دارید. راه های زیادی برای مشارکت در یک زندگی دموکراتیک دلخواه وجود دارد. صد البته، شما باید رای بدهید، ولی فعالیت های روزمره شما برای تاثیر گذاری بر تصمیم گیری ها و برنامه های دولتی ی مورد نظرتان نیز به همان اندازه رای دادن در انتخابات مهم اند.

این کتاب راهنما، تا اینجا شما را با موارد زیر آشنا کرده است :

- ☒ سیستم دولتی ما چگونه کار می کند.
- ☒ قوانین ما چگونه از شهروندان محافظت می کنند.
- ☒ حقوق و آزادی های شما به عنوان یک شهروند چیست.
- ☒ نشان دادن روش هایی که شما می توانید با استفاده از آنها از حقوق تان مراقبت کنید و مطمئن باشید که صدایتان شنیده می شود و حقوق تان مورد احترام قرار می گیرد.



شهروندان جدید کانادایی

خدمات حقوقی رایگان در بریتیش کلمبیا

کمک های حقوقی به اتهامات کیفری، سلامت ذهنی و امور زندان، مشکلات جدی خانوادگی یا مسائل مهم مهاجرتی محدود می باشد. متقاضیان دریافت خدمات، برای واجد شرایط بودن باید شرایط لازم دستورالعمل های مالی را داشته باشند.

i Legal Aid

www.lss.bc.ca/legal_aid
Lower Mainland: 604.408.2172
Toll Free: 1.866.577.2525

انجمن دسترسی رایگان به خدمات حقوقی

این انجمن در سرتاسر استان بریتیش کلمبیا در نقاط متعددی شعبه هایی دارد که خدمات حقوقی رایگان و توصیه های حقوقی ارائه می دهند. مکان های خاصی از شعبات این انجمن خدمات حقوقی ویژه به موکلین خود ارائه می نمایند.

i Access Pro Bono Society

www.accessprobono.ca
Lower Mainland: 604.878.7400
Toll Free: 1.877.762.6664

راههای زیادی برای دریافت کمک های رایگان یا ارزان حقوقی وجود دارد. ولی همه سازمان های موجود در این فهرست ممکن است به مسئله حقوقی ویژه شما مربوط نباشد. بعلاوه این فهرست جامع نیست، و بسیاری از سازمان های اجتماعی دیگر ممکن است برنامه های حمایتی در زمینه موضوعات حقوقی داشته باشند. نکته دیگر اینکه، بعلت محدودیت زمانی = هر قراردادات یا یک وعده سرویس تماس تلفنی = بهتر است قبل از هر گونه تماس با این موسسات از آمادگی کافی برخوردار باشید.

خدمات معرفی وکیل

سرویس خدمات معرفی وکیل، امکان یک مشاوره حقوقی 30 دقیقه ای با یک وکیل را با هزینه \$25 (بعلاوه مالیات) برای شما فراهم می آورد. می توانید از این وکیل بخواهید تا وقت (30 دقیقه) را کنترل نماید و نرخ مشاوره ساعتی پس از اتمام 30 دقیقه را برای شما مشخص نماید.

i Lawyer Referral

www.cba.org/bc/Public_Media/main/lawyer_referral.aspx
Lower Mainland: 604.687.3221
Toll Free: 1.800.663.1919

خدمات کمک حقوقی

این خدمات، کمک های حقوقی گسترده ای از ارائه اطلاعات و مشاوره حقوقی تا نمایندگی حقوقی در حوزه های قانونی کیفری؛ خانواده و مهاجرت را در بر می گیرد.

انجمن محلی مساعدت های حقوقی

مرکز حقوقی دانشگاه ویکتوریا

این مرکز حقوقی توصیه حقوقی، کمک مشاوره ای و خدمات نمایندگی به مراجعینی که توان مالی گرفتن وکیل را ندارند، می دهد.

i University of Victoria Law Centre
thelawcentre.ca
250.385.1221

انجمن خدمات مهاجرین موزائیک

موزائیک خدمات حقوقی برای مهاجرین و پناهندگان و همچنین خدماتی در زمینه حقوق خانواده ها فراهم می آورد. همچنین در موارد مربوط به اجاره خانه (**tenancy**)، خدمات رفاهی (**welfare**) و مسائل مربوط به حقوق کار (**employment matters**) کمک می نماید.

i MOSAIC
www.mosaicbc.com/settlement-services/legalfinancial/legal-advocacy
604.254.9626

این انجمن کمک های حقوقی برای افراد کم درآمد یا افراد با ناتوانی های ذهنی یا جسمی فراهم می آورد. همچنین خدمات

حقوقی ویژه ای برای افراد با معلولیت های ذهنی که قرار است در جلسه حضوری مربوط به قانون نقد و بررسی سلامت روان (**Mental Health Act Review Panel**) تشکیل شود، فراهم می آورند.

i Community Legal Assistance Society
www.clasbc.net
Lower Mainland: 604.685.3425
Toll Free: 1.888.685.6222

برنامه مشاوره حقوقی دانشجویان حقوق دانشگاه بریتیش کلمبیا

این برنامه توسط دانشجویان حقوق دانشگاه **UBC**، مشاوره حقوقی و نمایندگی حقوقی رایگان در زمینه های خاص حقوقی برای افرادی که توانایی گرفتن وکیل از دفاتر حقوقی در سرتاسر ونکوور ندارند، فراهم می آورد. این برنامه دستور العمل هایی بنام **LSLAP** یا دستورالعمل جامع توصیه های حقوقی دارد که در وب سایت خود منتشر ساخته است.

i UBC Law Student's Legal Advice Program
www.lslap.bc.ca
604.822.5791

تر نماید. خدمات این مرکز توسط دانشجویان سالهای آخر رشته حقوق دانشگاه بریتیش کلمبیا که تحت سرپرستی یک وکیل در حال آموزش هستند ارائه می گردد.

i Rise Women's Legal Clinic (a service for women)

604.451.7447

آموزشگران حقوق - انجمن زنان جوان مسیحی (مرکز خدماتی برای زنان)

این مرکز یک انجمن وکالت نیست و مشورت حقوقی نمی دهد، بلکه مرکزی است برای آموزش، معرفی منابع و حمایت از زنان، بویژه در مورد احکام منع دیدار، نگهداری و دسترسی به کودکان و یا کمک مالی و معرفی خانه های اجتماعی.

(YWCA) World Young Women's Christian Association) Legal Educator (a service for women)

www.ywcavan.org/programs/legal-education

604.734.5517 ext 2235

کلینیک حقوق بشر بریتیش کلمبیا

این کلینیک حقوقی مرکزی است برای کمک به افرادی که شکایاتی در زمینه نقض حقوق بشر دارند و قرار است در دادگاه حقوق بشر بریتیش کلمبیا حاضر گردند.

i BC Human Rights Clinic

www.bchrc.net

Lower Mainland: 604.622.1100

Toll Free: 1.855.685.6222

مرکز خدمات حمایتی برای سالمندان در بی سی

این مرکز یک کلینیک خدمات حقوقی برای ارائه توصیه های حقوقی و نمایندگی سالمندان تاسیس نموده. این خدمات و خدمات نمایندگی برای کسانی که سن بالاتر از 55 سال دارند و بدلیل مالی قادر به داشتن وکیل نیستند و همچنین برای کسانی که در زمینه خدمات بهداشت و درمانی اولویتی در منطقه خود دچار مشکل هستند، ارائه می گردد.

i BC Centre for Elder Advocacy and Support

<http://site.bcceas.ca>

Lower Mainland: 604.437.1940

Toll Free: 1.866.437.1940

مرکز خدمات دسترسی به عدالت

این مرکز خدمات مربوط به حقوق خانواده و حقوق مدنی شامل مسائل مربوط به سرپرستی و ملاقات های فرزندان **(child custody and access issues)**

و مسائل شغلی فراهم می آورد. این مرکز هیچگونه خدماتی در زمینه مسائل جزائی یا دعوای حقوقی جزئی **(small claims court)** فراهم نمی آورد.

Justice Access Centre

<http://www.ag.gov.bc.ca/justice-access-centre/index.htm>

Lower Mainland: 604.660.2084

Nanaimo: 250.741.5447

مرکز ارتقا خدمات حقوقی زنان (یک خدمت برای زنان) مرکز خدمات حقوقی محلی است برای کمک به افرادی که خود را زن می نامند. این مرکز در حوزه حقوق خانواده و حقوق نگهداری از فرزندان کمک خواهد کرد. این مرکز امیدوار است تا در ماههای آینده فعالیت های خود را گسترده

پاوت برای یافتن حمایت کنندگان
 پاوت فراهم کننده بانک اطلاعاتی از سازمان
 هایی است که در سرتاسر بریتیش کلمبیا خدمات
 حمایتی برای مبارزه با فقر ارائه می نمایند.

i Povnet's Find an Advocate
[www.povnet.org/find-an-advocate/](http://www.povnet.org/find-an-advocate/bc)
 bc

راهنمای حقوق شهروندی

راهنمای حقوق دموکراتیک و مسئولیت های شهروندی کتابی است مفید برای یادآوری حقوق و مسئولیت های کانادایی ها و آنهایی که شهروندی کانادا به آنان اعطا شده است.

موضوعاتی که در این کتاب مورد بحث قرار می گیرند شامل:

- ارزش های مشترک در دموکراسی کانادا ☒
- سیستم سیاسی کانادا ☒
- حفظ حقوق و آزادی های شهروندان ☒
- توصیه هایی برای بهبود کارکرد سیستم سیاسی کانادا ☒
- حقوق و مسئولیت های شما در رابطه با سازمان های دولتی ☒

Funding for this edition was provided by:
Law Foundation of British Columbia
Rotary Club of Vancouver Arbutus



To obtain a free copy of *The Citizenship Handbook* in English or other languages, contact B.C. Civil Liberties Association. To view the *Handbook* online, visit:
www.bccla.org/citizen.

info@bccla.org
Tel: 604.867.2919
www.bccla.org